

ੴ ਨੋਬਿਤ ਆਸਾ

سفر به سوی معنویت
ترجمه فارسی

مطالب فهرست

1. آسا نوبت	1
2. آرداس	106
3. سفر برای فلسفه	110
4. زنان نقش	112
5. عمامه اهمیت	115
6. شماست سفر در کلیدی جوهر فروتنی	117



We are distributing Free Gutkas, Divine message of the Guru globally in all the major languages, To Continue this Monumental task, please donate at <https://sggsonline.com/donation>

This Sewa has been done by Sewadars & SikhBookClub.

This text is only a translation and only gives the essence of the Guru's Divine word. For a more complete understanding, please read the Gurumukhi Sri Guru Granth Sahib Ji. If any errors are noticed, please notify us immediately via email at walnut@gmail.com.

Publisher: SikhBookClub.com

॥ ਓ ਸਤਿਨਾਮੁ ਕਰਤਾ ਪੁਰਖੁ ਨਿਰਭਉ ਨਿਰਵੈਰੁ ਅਕਾਲ ਮੂਰਤਿ ਅਜੂਨੀ ਸੈਭੰ ਗੁਰ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ॥

فقط يك خدا وجود دارد كه نام او وجود ابدی است. او خالق جهان است. همه، بدون ترس، بدون دشمنی، مستقل از زمان، فراتر از چرخه تولد و مرگ، خود را آشکار می کنند و به لطف گورو تحقق می یابند.

॥ आसा महला १ ॥

Raag Aasaa: اولین گورو

॥ ਵਾਰ ਸਲੋਕਾ ਨਾਲਿ ਸਲੋਕ ਭੀ ਮਹਲੇ ਪਹਿਲੇ ਕੇ ਲਿਖੇ ਟੁੰਡੇ ਅਸ ਰਾਜੈ ਕੀ ਧੁਨੀ ॥

Tunda-As: نیز توسط اولین گورو نوشته شده است، این آهنگ باید با آهنگ Vaar slokas, slokas

:خوانده شود Raajaa

॥ सलोकमः १ ॥

اولین گورو: سالوک

॥ बलिहारी गुरु आपड़े दिउहाड़ी सद वार ॥

.من عاشقانه خودم را روزی صدمرتبه (برای همیشه) به گورو تسلیم می کنم.

॥ १॥ ਜਿਨਿ ਮਾਣਸ ਤੇ ਦੇਵਤੇ ਕੀਏ ਕਰਤ ਨ ਲਾਗੀ ਵਾਰ ॥

.که از نظر معنوی انسانها را به فرشتگان ارتقا داده و برای انجام این کار هیچ وقت گرفت

ਜਿਨਿ ਮਾਣਸ ਤੇ ਦੇਵਤੇ ਕੀਏ ਕਰਤ ਨ ਲਾਗੀ ਵਾਰ ॥੧॥

که از نظر معنوی انسانها را به فرشتگان ارتقا داده و با این کار هیچ وقت نگرفت

ਮਹਲਾ ੨ ॥

ਸਾ ਲੋਕ ਤੋਸੁਟ ਗੁਰੂ ਦੋਸੁਮ :

ਜੇ ਸਉ ਚੰਦਾ ਉਗਵਹਿ ਸੂਰਜ ਚੜਹਿ ਹਜਾਰ ॥

اگر قرار باشد صد ماه طلوع کند و هزار خورشید ظاهر شود،

ਏਤੇ ਚਾਨਣ ਹੋਦਿਆਂ ਗੁਰ ਬਿਨੁ ਘੋਰ ਅੰਧਾਰ ॥੨॥

حتی با وجود نور زیاد، ذهن شخص بدون گورو همچنان در تاریکی کامل خواهد بود. (به این معنا که هر چقدر دانش ما از منابع دیگر بدست آید، بدون گورو، روشنگری واقعی یا حکمت الهی به دست نمی آوریم)

ਮਃ ੧ ॥

ਸਾ ਲੋਕ ਤੋਸੁਟ ਗੁਰੂ ਆਲ :

ਨਾਨਕ ਗੁਰੂ ਨ ਚੇਤਨੀ ਮਨਿਆਪਣੈ ਸੁਚੇਤ ॥

ای ناناک، کسانی که گورو را در قلب خود به یاد ندارند و فکر می کنند بسیار باهوش هستند

ਛੁਟੇ ਤਿਲ ਬੂਆੜ ਜਿਉ ਸੁੰਵੇ ਅੰਦਰਿ ਖੇਤ ॥

آنها مانند گیاهان کنجد فریبندۀ رها شده در مزرعۀ بی فایده هستند

ਖੇਤੈ ਅੰਦਰਿ ਛੁਟਿਆ ਕਹੁ ਨਾਨਕ ਸਉ ਨਾਹ ॥

ای ناناک، بنابراین رها شده، آنها صدها ارباب و صاحب دارند (اما هیچ ارباب واقعی ندارند)

ਫਲੀਅਹਿ ਫਲੀਅਹਿ ਬਪੁੜੇ ਭੀ ਤਨ ਵਿਚਿ ਸੁਆਹ ॥੩॥

به نظرمی رسد گیاهان کنجد فربند شکوفا هستند اما پر از خاکستر نیستند. به همین ترتیب، کسانی که از آموزه های گورو پیروی نمی کنند، علی رغم اینکه از نظر ظاهری مرفه هستند، از نظر معنوی مرده اند.

ਪਉੜੀ ॥

ਪੂਰੀ

ਆਪੀਨ੍ਹਰੈ ਆਪੁ ਸਾਜਿਓ ਆਪੀਨ੍ਹਰੈ ਰਚਿਓ ਨਾਉ ॥

خدا خودش را آفرید، و خودش اسمش را (شکل نامحسوس) آفرید و

ਦੁਯੀ ਕੁਦਰਤਿ ਸਾਜੀਐ ਕਰਿ ਆਸਣੁ ਡਿਠੇ ਚਾਉ ॥

سپس او طبیعت (شکل ملموس او) را آفرید. در آفرینش خود فراگیر است، او نمایش آفرینش خود را مشاهده می کند.

ਦਾਤਾ ਕਰਤਾ ਆਪਿ ਤੂੰ ਤੁਸਿ ਦੇਵਹਿ ਕਰਹਿ ਪਸਾਉ ॥

خدایا، تو خود نیکوکار و خالق همه موجودات هستی و با اراده خود، لطف خود را به آنها ارزانی داری.

ਤੂੰ ਜਾਣੇਈ ਸਭਸੈ ਦੇ ਲੈਸਹਿ ਜਿੰਦੁ ਕਵਾਉ ॥

تودانای همه چیز هستی، به فرمان خود زندگی می بخشی و آن را می ستانی.

ਕਰਿ ਆਸਣੁ ਡਿਠੇ ਚਾਉ ॥੧॥

در درون آفرینش، در حال تماشای نمایش خود (خلقت) هستی.

ਸਲੋਕੁ ਮਃ ੧ ॥

شالوک توسط گورو اول:

ਸਚੇ ਤੇਰੇ ਖੰਡ ਸਚੇ ਬ੍ਰਹਮੰਡ ॥

ای خدای متعال، حقیقت (جاودان) قاره های تو هستند، و حقیقت نیز منظومه شمسی است (سیستم ایجاد این قاره ها و منظومه های شمسی جاوید است).

ਸਚੇ ਤੇਰੇ ਲੇਖ ਸਚੇ ਆਕਾਰ ॥

حقیقت (جاودانه) دنیاها و تو هستند و حقیقت خلقت تو است. (سیستم تو برای ایجاد این جهان ها و همه آفرینش ها جاودانه است).

ਸਚੇ ਤੇਰੇ ਕਰਣੇ ਸਰਬ ਬੀਚਾਰ ॥

عمل و تمام افکار تو واقعی است.

ਸਚਾ ਤੇਰਾ ਅਮਰੁ ਸਚਾ ਦੀਬਾਣੁ ॥

حقیقت پادشاہی تو است و حقیقت دادگاہ تو است

ਸਚਾ ਤੇਰਾ ਹੁਕਮੁ ਸਚਾ ਫੁਰਮਾਣੁ ॥

حقیقت فرمان ارادہ تو است، حقیقت دستور تو است

ਸਚਾ ਤੇਰਾ ਕਰਮੁ ਸਚਾ ਨੀਸਾਣੁ ॥

حقیقت لطف تو است، واقعیت هدایای شتو است (نشانه لطف تو)

ਸਚੇ ਤੁਧੁ ਆਖਹਿ ਲਖ ਕਰੇੜਿ ॥

.. میلیون ها نفری که روی تو مراقبه می کنند نیز حقیقت دارند

ਸਚੈ ਸਭਿ ਤਾਣਿ ਸਚੈ ਸਭਿ ਜੋਰਿ ॥

کل خلقت توسط قدرت و توان ابدی تو پشتیبانی می شود

ਸਚੀ ਤੇਰੀ ਸਿਫਤਿ ਸਚੀ ਸਾਲਾਹ ॥

حقیقت نیایش تو است، حقیقت ستایش تو است

ਸਚੀ ਤੇਰੀ ਕੁਦਰਤਿ ਸਚੇ ਪਾਤਿਸਾਹ ॥

ای پادشاه واقعی، آفرینش تو ابدی توست

ਨਾਨਕ ਸਚੁ ਧਿਆਇਨਿ ਸਚੁ ॥

ای ناناك، کسانی که با ارادت عاشقانه در مورد حقیقت واقعی مراقبه می کنند نیز با ادغام در او به حقیقت تبدیل می شوند.

ਜੇਮਰਿ ਜੰਮੇ ਸੁ ਕਚੁ ਨਿਕਚੁ ॥੧॥

کسانی که چرخه های تولد و مرگ را پشت سرمی گذارند، ناقص (از نظر معنوی نابالغ) هستند و آماده ادغام با خداوند متعال نیستند.

ਮਃ ੧ ॥

:شالوک توسط گورو اول

ਵਡੀ ਵਡਿਆਈ ਜਾ ਵਡਾ ਨਾਉ ॥

. عظمت او بزرگ است، زیرا جلال او جاودانه است

ਵਡੀ ਵਡਿਆਈ ਜਾ ਸਚੁ ਨਿਆਉ ॥

. عظمت او بزرگ است، زیرا عدالت او واقعی است

ਵਡੀ ਵਡਿਆਈ ਜਾ ਨਿਹਚਲ ਥਾਉ ॥

. عظمت او بزرگ است، همانطور که منزلگاه او دائمی است

ਵਡੀ ਵਡਿਆਈ ਜਾਣੈ ਆਲਾਉ ॥

عظمت او بزرگ است، زیرا او دعاہای مارا می داند

ਵਡੀ ਵਡਿਆਈ ਬੁਝੈ ਸਭਿ ਭਾਉ ॥

جلال او بزرگ است، زیرا او همه احساسات مارا درک می کند

ਵਡੀ ਵਡਿਆਈ ਜਾਪੁਛਿ ਨ ਦਾਤਿ ॥

عظمت او بزرگ است، همانگونه که بدون اینکه از او سوال شود عطا می کند

ਵਡੀ ਵਡਿਆਈ ਜਾ ਆਪੇ ਆਪਿ ॥

جلال او بزرگ است، همانگونه که خود او در همه چیز است

ਨਾਨਕ ਕਾਰ ਨ ਕਥਨੀ ਜਾਇ ॥

ای ناناک، اقدامات او قابل توصیف نیست

ਕੀਤਾ ਕਰਣਾ ਸਰਬ ਰਜਾਇ ॥੨॥

هر کاری که او کرده یا انجام خواهد داد، همه با اراده خودش است

ਮਹਲਾ ੨ ॥

:سا لوک تو سطر گورو دوم

ਇਹੁ ਜਗੁ ਸਚੈ ਕੀ ਹੈ ਕੋਠੜੀ ਸਚੇ ਕਾ ਵਿਚਿ ਵਾਸੁ ॥

این جهان محل زندگی خدای جاوید است و او در آن زندگی می کند.

ਇਕਨ੍ਹਾ ਹੁਕਮਿ ਸਮਾਇ ਲਏ ਇਕਨ੍ਹਾ ਹੁਕਮੇ ਕਰੇ ਵਿਣਾਸੁ ॥

با فرمان او، برخی در او ادغام می شوند، و برخی نیز با فرمان او، از نظر معنوی نابود می شوند.

ਇਕਨ੍ਹਾ ਭਾਣੈ ਕਢਿ ਲਏ ਇਕਨ੍ਹਾ ਮਾਇਆ ਵਿਚਿ ਨਿਵਾਸੁ ॥

بعضی از آنها با لذت اراده او، از وابستگی های دنیوی نجات می یابند، در حالی که بعضی ساخته شده تا به آنها جذب شوند.

ਏਵ ਭਿ ਆਖਿ ਨ ਜਾਪਈ ਜਿ ਕਿਸੈ ਆਣੈ ਰਾਸਿ ॥

هیچ کس نمی تواند بگوید که چه کسی او را در راه درست قرار دهد (چه کسی از غرق شدن در اقیانوس جهانی وابستگی های دنیوی نجات می یابد).

ਨਾਨਕ ਗੁਰਮੁਖਿ ਜਾਣੀਐ ਜਾ ਕਉ ਆਪਿ ਕਰੇ ਪਰਗਾਸੁ ॥੩॥

ای ناناک، فقط پیروان گورو می توانند این را درک کنند که خود او با دانش الهی آنها را روشن می کند.

ਪਉੜੀ ॥

ਪੁਰੀ

ਨਾਨਕ ਜੀਅ ਉਪਾਇ ਕੈ ਲਿਖਿ ਨਾਵੈ ਧਰਮੁ ਬਹਾਲਿਆ ॥

ای ناناك، خداوند پس از آفرینش انسانها، قاضی عدالت (قدرت او) را منصوب کرد تا گزارش اعمال آنها را ثبت کند.

ਓਥੈ ਸਚੇ ਹੀ ਸਚਿ ਨਿਬੜੈ ਚੁਣਿ ਵਖਿ ਕਢੇ ਜਜਮਾਲਿਆ ॥

در آنجا، انسانها فقط بر اساس حقیقت و حقیقت قضاوت می شوند. افراد نادرست (بدکارها) مشخص شده و از افراد واقعی جدا شده اند.

ਥਾਉ ਨ ਪਾਇਨਿ ਕੂੜਿਆਰ ਮੁਹ ਕਾਲ੍ਹਰੈ ਦੇਜਕਿ ਚਾਲਿਆ ॥

افراد دروغین جایی در دادگاه خدا پیدا نمی کنند و با شر مساری عظیم رنج می برند.

ਤੇਰੈ ਨਾਇਰਤੇ ਸੇ ਜਿਣਿ ਗਏ ਹਾਰਿ ਗਏ ਸਿ ਠਗਣ ਵਾਲਿਆ ॥

کسانی که آغشته به عشق نام شما هستند از اینجا پیروز و سربلند رهنمای می شوند، حال آنکه ناصادقان بازی زندگی را از دست می دهند.

ਲਿਖਿ ਨਾਵੈ ਧਰਮੁ ਬਹਾਲਿਆ ॥੨॥

خدایا، تو قاضی صالح را منصوب کردی که گزارش اعمال انسانها را ثبت کند.

ਸਲੋਕ ਮ: ੧ ॥

: سالوک، توسط اولین گورو

ਵਿਸਮਾਦੁ ਨਾਦ ਵਿਸਮਾਦੁ ਵੇਦ ॥

شگفت انگیز بسیاری از جریان های صوتی، شگفت انگیز بسیاری از متون مقدس مذهبی است.

ਵਿਸਮਾਦੁ ਜੀਅ ਵਿਸਮਾਦੁ ਭੇਦ ॥

موجودات شگفت انگیز هستند، اسرار بسیاری از این موجودات شگفت انگیز است.

ਵਿਸਮਾਦੁ ਰੂਪ ਵਿਸਮਾਦੁ ਰੰਗ ॥

شگفت انگیز است اشکال مختلف و بسیاری از رنگ های این موجودات.

ਵਿਸਮਾਦੁ ਨਾਗੇ ਫਿਰਹਿ ਜੰਤ ॥

من در حیرت هستم و مشاهده می کنم بسیاری از موجودات که برهنه در اطراف سرگردان هستند.

ਵਿਸਮਾਦੁ ਪਉਣੁ ਵਿਸਮਾਦੁ ਪਾਣੀ ॥

من متعجب هستم که باد و آب را مشاهده می کنم.

ਵਿਸਮਾਦੁ ਅਗਨੀ ਖੇਡਹਿ ਵਿਡਾਈ ॥

شگفت آور است، چگونه آتش نمایش های شگفت انگیز خود را به نمایش می گذارد.

ਵਿਸਮਾਦੁ ਧਰਤੀ ਵਿਸਮਾਦੁ ਖਾਣੀ ॥

من حیرت زده هستم و به زمینی نگاه می کنم که موجودات را از همه منابع زندگی حفظ کرده است.

ਵਿਸਮਾਦੁ ਸਾਦਿ ਲਗਹਿ ਪਰਾਣੀ ॥

شگفت آور است که چگونہ افراد فانی در لذت بردن از نعمتہای تو نقش دارند.

ਵਿਸਮਾਦੁ ਸੰਜੋਗੁ ਵਿਸਮਾਦੁ ਵਿਜੋਗੁ ॥

حیرت انگیز فرآیندی است کہ از طریق آن افراد متحد یا جدا می شوند.

ਵਿਸਮਾਦੁ ਭੁਖ ਵਿਸਮਾਦੁ ਭੋਗੁ ॥

خدایا، شگفت آور است کہ می بینید جایی گر سنگی زیادی دارد و در جاهای دیگر از چیزهای زیادی لذت می برید.

ਵਿਸਮਾਦੁ ਸਿਫਤਿ ਵਿਸਮਾਦੁ ਸਾਲਾਹ ॥

شگفت آور است کہ می بینید در جایی کہ شما، خالق، مورد ستایش و مدح قرار می گیرید.

ਵਿਸਮਾਦੁ ਉਝੜ ਵਿਸਮਾਦੁ ਰਾਹ ॥

این فقط حیرت آور است کہ می بینید جایی بیابان بوده و در مکان های دیگر مسیرهای زیبایی قرار گرفته است.

ਵਿਸਮਾਦੁ ਨੇੜੈ ਵਿਸਮਾਦੁ ਦੂਰਿ ॥

شگفت آور است کہ برخی می گویند شما نزدیک بوده و بعضی می گویند شما خیلی دور هستید.

ਵਿਸਮਾਦੁ ਦੇਖੈ ਹਾਜਰਾ ਹਜ਼ੂਰਿ ॥

شگفت آور است که بعضی ها شمارا درست در کنار خود می بینند (همه جا را فرا گرفته است)

ਵੇਖਿ ਵਿਡਾਣੁ ਰਹਿਆ ਵਿਸਮਾਦੁ ॥

با مشاهده این شگفتی ها، من حیرت زده شده ام

ਨਾਨਕ ਬੁਝਣੁ ਪੂਰੈ ਭਾਗਿ ॥੧॥

ای ناناک، کسانی که این شگفتی های شگفت انگیز شمارا درک می کنند، به سر نوشت کاملی برکت می یابند

ਮਃ ੧ ॥

:سالوک، توسط اولین گورو

ਕੁਦਰਤਿ ਦਿਸੈ ਕੁਦਰਤਿ ਸੁਣੀਐ ਕੁਦਰਤਿ ਭਉ ਸੁਖ ਸਾਰੁ ॥

آنچه در طبیعت دیده یا شنیده می شود، همه شگفتی قدرت شماست. هر اس محترمانه شما که جوهر صلح است، همه
نمایش شماست

ਕੁਦਰਤਿ ਪਾਤਾਲੀ ਆਕਾਸੀ ਕੁਦਰਤਿ ਸਰਬ ਆਕਾਰੁ ॥

این قدرت شماست که در جهان های بعدی و آسمان ها و همه اشکال جهان به نمایش در می آید

ਕੁਦਰਤਿ ਵੇਦ ਪੁਰਾਣ ਕਤੇਬਾ ਕੁਦਰਤਿ ਸਰਬ ਵੀਚਾਰੁ ॥

وداها، پوراناها، کتب سامی و افکار بیان شده در این مورد، با قدرت شما امکان پذیر شده است

ਕੁਦਰਤਿ ਖਾਣਾ ਪੀਣਾ ਪੈਨ੍ਹਹਣੁ ਕੁਦਰਤਿ ਸਰਬ ਪਿਆਰੁ ॥

این انرژی اساسی شماست که در پس پدیده های خوردن، آشامیدن، لباس پوشیدن و احساس عشق در موجودات زنده کار می کند.

ਕੁਦਰਤਿ ਜਾਤੀ ਜਿਨਸੀ ਰੰਗੀ ਕੁਦਰਤਿ ਜੀਅ ਜਹਾਨ ॥

. با قدرت شما انواع مختلف و رنگی را می آورند. با قدرت شما موجودات زنده جهان وجود دارند.

ਕੁਦਰਤਿ ਨੇਕੀਆ ਕੁਦਰਤਿ ਬਦੀਆ ਕੁਦਰਤਿ ਮਾਨੁ ਅਭਿਮਾਨੁ ॥

. حتی همه فضیلت ها، بدی ها، افتخارات و بی آبرویی ها طبق توان و اراده شما اتفاق می افتد.

ਕੁਦਰਤਿ ਪਉਣੁ ਪਾਣੀ ਬੈਸੰਤਰੁ ਕੁਦਰਤਿ ਧਰਤੀ ਖਾਕੁ ॥

. با قدرت شما باد، آب و آتش وجود دارد. توسط قدرت شما زمین و گرد و غبار وجود دارد.

ਸਭ ਤੇਰੀ ਕੁਦਰਤਿ ਤੂੰ ਕਾਦਿਰੁ ਕਰਤਾ ਪਾਕੀ ਨਾਈ ਪਾਕੁ ॥

. خدایا، همه چیز در توان توست، تو همه خالق قدرتمندی. نام شما مقدس ترین مقدس است.

ਨਾਨਕ ਹੁਕਮੈ ਅੰਦਰਿ ਵੇਖੈ ਵਰਤੈ ਤਾਕੇ ਤਾਕੁ ॥੨॥

. ای ناناک، او به فرمان خود آفرینش را گرامی می دارد، و همه جا توسط خود او فراگیر است.

ਪਉੜੀ ॥

پوری: 3

ਆਪੀਨ੍ਹਰੈ ਭੋਗ ਭੋਗਿ ਕੈ ਹੋਇ ਭਸਮੜਿ ਭਉਰੁ ਸਿਧਾਇਆ ॥

بدن انسان پس از گذراندن دردها و لذت های زندگی، به توده ای از غبار تبدیل می شود و روح از بین می رود.

ਵਡਾ ਹੋਆ ਦੁਨੀਦਾਰੁ ਗਲਿ ਸੰਗਲੁ ਘਤਿ ਚਲਾਇਆ ॥

وقتی فردی که درگیر امور دنیوی است می میرد، مانند یک جنایتکار به دادگاه قاضی عادل هدایت می شود.

ਅਗੈ ਕਰਣੀ ਕੀਰਤਿ ਵਾਚੀਐ ਬਹਿ ਲੇਖਾ ਕਰਿ ਸਮਝਾਇਆ ॥

در آنجا، شرح کارهای خوب و بد او به طور کامل برای او شرح داده شده است.

ਥਾਉ ਨ ਹੋਵੀ ਪਉਦੀਈ ਹੁਣਿ ਸੁਣੀਐ ਕਿਆ ਰੂਆਇਆ ॥

در حالی که به دلیل اعمال بدش مجازات شدیدی می یابد، جایی برای پنهان شدن پیدا نمی کند و هیچ کس فریاد درد او را نمی شنود.

ਮਨਿ ਅੰਧੈ ਜਨਮੁ ਗਵਾਇਆ ॥ ੩ ॥

وی به دلیل ناآگاهی، عمر گرانمایه ای انسانی را بیهوده هدر داده است.

ਸਲੋਕ ਮਃ ੧ ॥

: سالوک، توسط اولین گورو

ਭੈ ਵਿਚਿ ਪਵਣੁ ਵਹੈ ਸਦਵਾਉ ॥

درهراس از خدا (تحت قانون الهی) است که باد برای همیشه می وزد.

ਭੈ ਵਿਚਿ ਚਲਹਿ ਲਖ ਦਰੀਆਉ ॥

هزاران رودخانه درهراس از خدا است (تحت قانون الهی)

ਭੈ ਵਿਚਿ ਅਗਨਿ ਕਢੈ ਵੇਗਾਰਿ ॥

درترس از خدا (طبق قانون الهی) است که آتش وظایف محوله را انجام می دهد

ਭੈ ਵਿਚਿ ਧਰਤੀ ਦਬੀ ਭਾਰਿ ॥

درترس از خدا (تحت قانون الهی) است که زمین زیر بار همه چیز روی زمین مدفون می شود

ਭੈ ਵਿਚਿ ਇੰਦੁ ਫਿਰੈ ਸਿਰ ਭਾਰਿ ॥

درترس از خدا (طبق قانون الهی) است که پادشاه ایندرا (خدای باران) به شکل ابرو و آویزان است و انگار روی سرش راه می رود.

ਭੈ ਵਿਚਿ ਰਾਜਾ ਧਰਮ ਦੁਆਰੁ ॥

درترس از خدا است که قاضی صلح دارما درپله درب او ایستاده (تحت قانون الهی او کار می کند)

ਭੈ ਵਿਚਿ ਸੂਰਜੁ ਭੈ ਵਿਚਿ ਚੰਦੁ ॥ ਕੋਹ ਕਰੇੜੀ ਚਲਤ ਨ ਅੰਤੁ ॥

در ترس از خدا (طبق قانون الهی) است که خورشید و ماه میلیون ها مایل حرکت می کنند و حرکت آنها پایان ندارد.

ਭੈ ਵਿਚਿ ਸਿਧ ਬੁਧ ਸੁਰ ਨਾਥ ॥

مردان معجزه)، بوداها (مردان خرد)، خدایان دم و یوگی ها، همه در ترس از خدا زندگی می کنند (Siddha حتی ((تحت فرمان او).

ਭੈ ਵਿਚਿ ਆਡਾਣੇ ਆਕਾਸ ॥

در ترس از خدا (تحت قانون الهی) است که آسمان بر روی زمین کشیده شده است.

ਭੈ ਵਿਚਿ ਜੋਧ ਮਹਾਬਲ ਸੂਰ ॥

جنگجویان و قدرتمندترین قهرمانان نیز در ترس از خدا هستند (تحت اراده او).

ਭੈ ਵਿਚਿ ਆਵਹਿ ਜਾਵਹਿ ਪੂਰ ॥

در ترس از خدا (تحت قانون الهی) است که بسیاری از انسانها و موجودات متولد می شوند و می میرند.

ਸਗਲਿਆ ਭਉ ਲਿਖਿਆ ਸਿਰਿ ਲੇਖੁ ॥

نوشته شده است که کل آفرینش تحت ترس از خدا (تحت قانون الهی) باقی بماند.

ਨਾਨਕ ਨਿਰਭਉ ਨਿਰੰਕਾਰੁ ਸਚੁ ਏਕੁ ॥੧॥

ای ناناک، فقط خدای ابدی و بی شکل بدون هیچ ترسی است (بدون هیچ محدودیتی)

ਮਃ ੧ ॥

سالموک، اولین گورو:

ਨਾਨਕ ਨਿਰਭਉ ਨਿਰੰਕਾਰੁ ਹੋਰਿ ਕੇਤੇ ਰਾਮਰਵਾਲ ॥

ای ناناک، تنها خدایی شکل و تنها است که نترس (بدون محدودیت) است. هزاران خدای دیگر مانند ارباب راما در برابر او ناچیز است.

ਕੇਤੀਆ ਕੰਨ੍ਹ ਕਹਾਣੀਆ ਕੇਤੇ ਬੇਦ ਬੀਚਾਰ ॥

داستانهای زیادی درباره ارباب کریشنا وجود دارد، بسیاری از آنها که در مورد وداها تأمل می کنند.

ਕੇਤੇ ਨਚਹਿ ਮੰਗਤੇ ਗਿਤ੍ਰਿ ਮੁਤ੍ਰਿ ਪੂਰਹਿ ਤਾਲ ॥

بسیاری از آنها مانند متکدیانی عمل می کنند که در اطراف و اطراف با طبل می رقصند.

ਬਾਜਾਰੀ ਬਾਜਾਰ ਮਹਿ ਆਇ ਕਢਹਿ ਬਾਜਾਰ ॥

بسیاری از این مجریان به بازارهای آیند و نمایش های خود را اجرا می کنند.

ਗਵਹਿ ਰਾਜੇ ਰਾਣੀਆ ਬੋਲਹਿ ਆਲ ਪਤਾਲ ॥

آنها با نقش پادشاه و ملکه، از دم خود آوازی می خوانند و داستان های بی ربط را روایت می کنند.

ਲਖ ਟਕਿਆ ਕੇ ਮੁੰਦੜੇ ਲਖ ਟਕਿਆ ਕੇ ਹਾਰ ॥

آنها در باره گوشواره ها و گردنبند های گران قیمت پادشاهان و ملکه ها صحبت می کنند که صدها هزار روپیه
بهره قیمت دارد.

ਜਿਤੁ ਤਨਿ ਪਾਈਅਹਿ ਨਾਨਕਾ ਸੇ ਤਨ ਹੋਵਹਿ ਛਾਰ ॥

ای ناناک، آنها نمی دانند که بدن هایی که این گردنبند ها و گوشواره ها را روی آنها می بندند، در نهایت به خاکستر
تبدیل می شوند.

ਗਿਆਨੁ ਨ ਗਲੀਏ ਢੂਢੀਐ ਕਥਨਾ ਕਰੜਾ ਸਾਰੁ ॥

از طریق گفتگوهای صرف (مانند روایت داستان های پادشاهان و ملکه ها) حاصل نمی شود. توضیح چگونگی به
دست آوردن دانش الهی مانند فولاد جویدن بسیار دشوار است.

ਕਰਮਿ ਮਿਲੈ ਤਾ ਪਾਈਐ ਹੋਰ ਹਿਕਮਤਿ ਹੁਕਮੁ ਖੁਆਰੁ ॥੨॥

تنها به لطف خداوند است که حکمت الهی حاصل می شود. همه تلاشها و دستورات دیگر چیزی جز سر خوردگی
ندارد.

ਪਉੜੀ ॥

ਪੂਰੀ

ਨਦਰਿ ਕਰਹਿ ਜੇ ਆਪਣੀ ਤਾ ਨਦਰੀ ਸਤਿਗੁਰੁ ਪਾਇਆ ॥

خدایا، فقط وقتی نگاهت را به فضل می اندازی، آن وقت توسط فضل تو یک گورو (معلم مذهبی) واقعی را ملاقات می کنی.

ਏਹੁ ਜੀਉ ਬਹੁਤੇ ਜਨਮ ਭਰੰਮਿਆ ਤਾ ਸਤਿਗੁਰਿ ਸਬਦੁ ਸੁਣਾਇਆ ॥

این روح در بسیاری از زاد و ولد سرگردان بود، تا اینکه گورو واقعی کلام الهی را برای او گفت.

ਸਤਿਗੁਰ ਜੇਵਡੁ ਦਾਤਾ ਕੇ ਨਹੀ ਸਭਿ ਸੁਣਿਅਹੁ ਲੋਕ ਸਬਾਇਆ ॥

ای همه مردمی که با دقت گوش فرامی دهند، هیچ خیر خواهی به اندازه گورو واقعی وجود ندارد.

ਸਤਿਗੁਰਿ ਮਿਲਿਐ ਸਚੁ ਪਾਇਆ ਜਿਨ੍ਹੀ ਵਿਚਹੁ ਆਪੁ ਗਵਾਇਆ ॥

کسانی که خود بینی خود را فرو ریخته اند، با ملاقات با گورو واقعی خدا را درک کرده اند.

ਜਿਨਿ ਸਚੇ ਸਚੁ ਬੁਝਾਇਆ ॥੪॥

فقط گورو واقعی حقیقت را در مورد خدای ابدی آشکار می کند.

ਸਲੋਕ ਮ: ੧ ॥

शालोक, توسط اولین گورو:

ਘੜੀਆ ਸਭੇ ਗੋਪੀਆ ਪਹਰ ਕੰਨ੍ਹਹ ਗੋਪਾਲ ॥

گوو جی با استفاده از تشبیه افسانه نمایشنامه های ارباب کریشنا، می گوید این جهان مانند یک نمایش خدایی است که در آن تمام غاریان (ساعت ها) مانند گوپي ها (دوشیرهای) ارباب کریشنا و همه پهلوانان (دوره زمانی سه ساعت) مانند کریشناس هستند.

ਗਹਣੇ ਪਉਣੁ ਪਾਣੀ ਬੈਸੰਤਰੁ ਚੰਦੁ ਸੂਰਜੁ ਅਵਤਾਰ ॥

هوا، آب و آتش مانند تنیناتی است که توسط گوپي ها پوشیده شده است. خورشید و ماه مانند دو تجسم (دنیا) دیگر است.

ਸਗਲੀ ਧਰਤੀ ਮਾਲੁ ਧਨੁ ਵਰਤਣਿ ਸਰਬ ਜੰਜਾਲ ॥

کل زمین مانند کالاهای مادی است که برای نمایش مورد نیاز است و عقده های دنیوی مانند اسبابی برای اجرای این نمایش است.

ਨਾਨਕ ਮੁਸੈ ਗਿਆਨ ਵਿਹੂਣੀ ਖਾਇ ਗਇਆ ਜਮਕਾਲੁ ॥੧॥

ای ناناک، بدون دانش الهی، کل بشریت توسط شیطان مرگ فریب خورده و از بین رفته است.

ਮਃ ੧ ॥

: سالوک، توسط اولین گورو

ਵਾਇਨਿ ਚੇਲੇ ਨਚਨਿ ਗੁਰ ॥

در این بازی نمایش خدا، ملترین موسیقی می نوازند و گوروهای رقصند.

ਪੈਰ ਹਲਾਇਨਿ ਫੇਰਨ੍ਹਿ ਸਿਰ ॥

هنگام رقص، آنها دور پاهای خود را پاکوب می زنند و سر خود را می چرخانند.

ਉਡਿ ਉਡਿ ਰਾਵਾ ਝਾਟੈ ਪਾਇ ॥

گردد و غبار بلند شده و روی سر آنها می نشیند.

ਵੇਖੈ ਲੋਕੁ ਹਸੈ ਘਰਿ ਜਾਇ ॥

با مشاهده این وضعیت، مردم می خندند و سپس به خانه های خود برمی گردند.

ਰੋਟੀਆ ਕਾਰਣਿ ਪੂਰਹਿ ਤਾਲ ॥

نقش آفرینان این نمایش ها را برای انتقال هرگونه خرد به مخاطب اجرا نمی کنند، آنها فقط برای تأمین هزینه های زندگی خود می رقصند.

ਆਪੁ ਪਛਾੜਹਿ ਧਰਤੀ ਨਾਲਿ ॥

آنها خود را به زمین می اندازند.

ਗਾਵਨਿ ਗੋਪੀਆ ਗਾਵਨਿ ਕਾਨ੍ਹਹ ॥

آنها با لباس مبدل به عنوان شیردوش ها و کریشنا آواز می خوانند.

ਗਾਵਨਿ ਸੀਤਾ ਰਾਜੇ ਰਾਮ ॥

آنها با لباس مبدل به سیتا، راما و سایر پادشاهان می خوانند

ਨਿਰਭਉ ਨਿਰੰਕਾਰੁ ਸਚੁ ਨਾਮੁ ॥

اما ترس از خدای بی شکل، که نام او جاودانه است

ਜਾ ਕਾ ਕੀਆ ਸਗਲ ਜਹਾਨੁ ॥

و که باعث ایجاد کل جهان شده است

ਸੇਵਕ ਸੇਵਹਿ ਕਰਮਿ ਚੜਾਉ ॥

تنها کسانی که همیشه لطف خدا را در خود دارند بسیار به خاطر می آورند

ਭਿੰਨੀ ਰੇਣਿ ਜਿਨ੍ਹਾ ਮਨਿ ਚਾਉ ॥

چنین فدائیانی که ذهنشان پر از عشق به خداست. شب زندگی آنها با ذوق الهی آراسته شده است

ਸਿਖੀ ਸਿਖਿਆ ਗੁਰ ਵੀਚਾਰਿ ॥

کسانی که این را با پیروی از آموزه های گورو آموخته اند

ਨਦਰੀ ਕਰਮਿ ਲਘਾਏ ਪਾਰਿ ॥

خدا با نگاه خود به آنها کمک می کند تا از اقیانوس دنیایی رذایل عبور کنند

ਕੇਲੂ ਚਰਖਾ ਚਕੀ ਚਕੁ ॥

نجات رانمی توان با پریدن و رقصیدن به اطراف بدست آورد، بینید چه تعداد چیز و موجودی فایده در محافل دور می زنند به عنوان مثال، پرس روغن، چرخ در حال چرخش، سنگ های آسیاب، چرخ سفالگر

ਥਲ ਵਾਰੇਲੇ ਬਹੁਤੁ ਅਨੰਤੁ ॥

گربادهای بیشمار و بیشمار در صحرا

ਲਾਟੁ ਮਾਧਾਣੀਆ ਅਨਗਾਹ ॥

قله های چرخان، میله های چرخان، خرمن کوب ها

ਪੰਖੀ ਭਉਦੀਆ ਲੈਨਿ ਨਸਾਹ ॥

پرندگانی که حتی هنگام پرواز در اطراف نفس نمی کشند

ਸੂਐ ਚਾੜਿ ਭਵਾਈਅਹਿ ਜੰਤ ॥

سوار بریک تیز نوک، موجودات در اطراف چرخیده اند

ਨਾਨਕ ਭਉਦਿਆ ਗਣਤ ਨ ਅੰਤ ॥

ای نانک، هیچ محدودیتی در تعداد چیزها و موجودات وجود ندارد، که اینقدر در اطراف چرخانده می شوند

ਬੰਧਨ ਬੰਧਿ ਭਵਾਏ ਸੇਇ ॥

به همین ترتیب، خداوند موجودات موجود در پیوندهای مایا را به هم پیوند می دهد و آنها را به دور خود می چرخاند.

ਪਇਐ ਕਿਰਤਿ ਨਚੈ ਸਭੁ ਕੋਇ ॥

همه بر اساس سر نوشت خود بر اساس کارهای گذشته خود در حال رقص این رقص دنیوی هستند.

ਨਚਿ ਨਚਿ ਹਸਹਿ ਚਲਹਿ ਸੇ ਰੋਇ ॥

انسانهای فانی که هنگام رقص می خندند، هنگام ترک از این دنیا گریه می کنند.

ਉਡਿ ਨ ਜਾਹੀ ਸਿਧ ਨ ਹੋਹਿ ॥

آنها با رقصیدن در اطراف، به وضعیت معنوی بالاتری دست نمی یابند و در امور دنیایی تخرن دارند.

ਨਚਣੁ ਕੁਦਣੁ ਮਨ ਕਾ ਚਾਉ ॥

همه رقصیدن و پریدن آنها فقط سر گرمی ذهنی است.

ਨਾਨਕ ਜਿਨ੍ਹਾ ਮਨਿ ਭਉ ਤਿਨ੍ਹਾ ਮਨਿ ਭਾਉ ॥੨॥

ای نانک، فقط کسانی می توانند عشق به خدا را در ذهن داشته باشند که ترس و احترام خدا را در ذهن داشته باشند.

ਪਉੜੀ ॥

ਪੂਰੀ: 5

ਨਾਉ ਤੇਰਾ ਨਿਰੰਕਾਰੁ ਹੈ ਨਾਇ ਲਇਐ ਨਰਕਿ ਨ ਜਾਈਐ ॥

ای خدا، نام توبی شکل است. بایادآوری شما با فداکاری عاشقانه جهنم نمی رویم (رنج نکشید)

ਜੀਉ ਪਿੰਡੁ ਸਭੁ ਤਿਸ ਦਾ ਦੇਖਾਜੈ ਆਖਿ ਗਵਾਈਐ ॥

روح و جسم ما به او تعلق دارد، هر چه مصرف کنیم توسط او داده می شود. گفتن هر چیز دیگری کمر است

ਜੇ ਲੋੜਹਿ ਚੰਗਾ ਆਪਣਾ ਕਰਿ ਪੁੰਨਹੁ ਨੀਚੁ ਸਦਾਈਐ ॥

اگر به دنبال سلامتی خود هستید، حتی پس از انجام کارهای نیکوکارانه فروتن باشید

ਜੇ ਜਰਵਾਣਾ ਪਰਹਰੈ ਜਰੁ ਵੇਸ ਕਰੇਦੀ ਆਈਐ ॥

حتی اگر شخصی بخواهد علائم پیری را از بین ببرد، باز هم پیری به روش های مختلف مبدل می شود

ਕੇਰਹੈ ਨਭਰੀਐ ਪਾਈਐ ॥੫॥

وقتی جام زندگی فرد پر شود (دوره زندگی از پیش تعیین شده کامل است)، پس هیچ کس نمی تواند در این دنیا زنده

بماند..

ਸਲੋਕ ੴ ॥

:شالوک، توسط اولین گورو

ਮੁਸਲਮਾਨਾ ਸਿਫਤਿ ਸਰੀਅਤਿ ਪੜਿ ਪੜਿ ਕਰਹਿ ਬੀਚਾਰੁ ॥

مسلمانان قانون اسلامی را ستایش می کنند. آنها آن را می خوانند و تأمل می کنند.

ਬੰਦੇ ਸੇ ਜਿ ਪਵਹਿ ਵਿਚਿ ਬੰਦੀ ਵੇਖਣ ਕਉ ਦੀਦਾਰੁ ॥

بہ گفتہ آنها، بندگان خدا فقط کسانی هستند کہ برای دیدن جمال خدا تسلیم قوانین اسلامی می شوند.

ਹਿੰਦੂ ਸਾਲਾਹੀ ਸਾਲਾਹਨਿ ਦਰਸਨਿ ਰੂਪਿ ਅਪਾਰੁ ॥

هندوها از طریق کتاب مقدس خود، خدای ستودنی، زیبا و بی حد و مرز را ستایش می کنند.

ਤੀਰਥਿ ਨਾਵਹਿ ਅਰਚਾ ਪੂਜਾ ਅਗਰ ਵਾਸੁ ਬਹਕਾਰੁ ॥

آنها در مزارهای مقدس زیارتی غسل می دهند، نذری می دهند و در مقابل بت ها بخور می سوزانند.

ਜੇਗੀ ਸੁੰਨਿ ਧਿਆਵਨ੍ਹਿ ਜੇਤੇ ਅਲਖ ਨਾਮੁ ਕਰਤਾਰੁ ॥

می نامند (غیر قابل درک) "آلاخ" درباره خدای اندیشمند و خالق را "خلا کیہانی" یوگی ہا بہ صورت

ਸੂਖਮ ਮੂਰਤਿ ਨਾਮੁ ਨਿਰੰਜਨ ਕਾਇਆ ਕਾ ਆਕਾਰੁ ॥

از نظر یوگی ہا، خدا غیر قابل لمس است، مایا بر او تأثیر نمی گذارد و کل جہان مانند فرم بدن او است.

ਸਤੀਆ ਮਨਿ ਸੰਤੋਖੁ ਉਪਜੈ ਦੇਵੈ ਕੈ ਵੀਚਾਰਿ ॥

مردم خیر خواہ، فکر خیر خواہانہ در ذہن آنها خشنودی قناعت ایجاد می کند.

ਦੇ ਦੇ ਮੰਗਹਿ ਸਹਸਾ ਗੁਣਾ ਸੇਭ ਕਰੇ ਸੰਸਾਰੁ ॥

اما آنها باینیت های خود خواهانه صدقه می دهند، زیرا در ذهن آنها از خدا هزار برابر بیشتر از آنچه می دهند، می خواهند و انتظار دارند که جهان بخشش آنها را ستایش کند.

ਚੇਰਾ ਜਾਰਾ ਤੈ ਕੂੜਿਆਰਾ ਖਾਰਾਬਾ ਵੇਕਾਰ ॥

از طرف دیگر، بسیاری از سارقان، زناکاران، دروغگویان، بدکاران و افراد شرور نیز در جهان وجود دارند.

ਇਕਿ ਹੋਦਾ ਖਾਇ ਚਲਹਿ ਐਥਾਉ ਤਿਨਾ ਭਿ ਕਾਈ ਕਾਰ ॥

که با افراط در کارهای گناه آلود، لیاقت کارهای نیک گذشته خود را نفی می کنند و دست خالی از دنیا می روند. چه وظیفه ای بی فایده بر عمده آنها است؟

ਜਲਿ ਥਲਿ ਜੀਆ ਪੁਰੀਆ ਲੇਆ ਆਕਾਰਾ ਆਕਾਰ ॥

در جهان ها و ککشان های مختلف، انواع مختلفی از موجودات در آب و خشکی زندگی می کنند.

ਓਇ ਜਿ ਆਖਹਿ ਸੁ ਤੂੰਹੈ ਜਾਣਹਿ ਤਿਨਾ ਭਿ ਤੇਰੀ ਸਾਰ ॥

خداوند، فقط تو می دانی آن موجودات چه می خواهند. آنها در رزق و روزی به تو وابسته اند.

ਨਾਨਕ ਭਗਤਾ ਭੁਖ ਸਾਲਾਹਣੁ ਸਚੁ ਨਾਮੁ ਆਧਾਰੁ ॥

ای نانک، فدایان واقعی همیشه آرزو دارند که ستایشهای او را بگویند و نام ابدی خدا تنها پشتوانه آنهاست.

ਸਦਾ ਅਨੰਦਿ ਰਹਹਿ ਦਿਨੁ ਰਾਤੀ ਗੁਣਵੰਤਿਆ ਪਾਛਾਰੁ ॥੧॥

آنها همیشه در سعادت ابدی زندگی می کنند و خود را مانند غبار پای انسانهای نیکوکار (فدائیان واقعی) می دانند.

ਮਃ ੧ ॥

سالوک، توسط اولین گورو:

ਮਿਟੀ ਮੁਸਲਮਾਨ ਕੀ ਪੇੜੈ ਪਈ ਕੁਮ੍ਹਿਹ ਆਰ ॥

گورو (معلم) جی با اشاره به اعتقاد برخی از مسلمانان مبنی بر اینکه هندوها به جهنم می روند زیرا مردگان خود را به جای دفن آنها می سوزانند، می گوید بقایای یک مسلمان گاهی به خشت روی چرخ سفالگر منتج می شود.

ਘੜਿ ਭਾਂਡੇ ਇਟਾ ਕੀਆ ਜਲਦੀ ਕਰੇ ਪੁਕਾਰ ॥

سفالگر رس را به صورت گلدان و آجر قالب ریزی می کند (و آنها را درون کوره در حال سوختن قرار می دهد). در حالی که می سوزد، (کچ بری های گلی انگار) با صدای بلند برای کمک گریه می کند.

ਜਲਿ ਜਲਿ ਰੇਵੈ ਬਪੁੜੀ ਝੜਿ ਝੜਿ ਪਵਹਿ ਅੰਗਿਆਰ ॥

وقتی ذغال سوزان بارها و بارها روی آن می افتد، خاک رس صدای بلند ترک را ایجاد می کند (گویی خاک رس بیچاره بیچاره برای سوختن در جهنم بلند گریه می کند).

ਨਾਨਕ ਜਿਨਿ ਕਰਤੈ ਕਾਰਣੁ ਕੀਆ ਸੇ ਜਾਣੈ ਕਰਤਾਰੁ ॥੨॥

ای نانک، خالق که باعث ایجاد این جهان شده است به تنهایی می داند چه کسی به بهشت می رود و چه کسی به جهنم. (جهنم یا بهشت رفتن با روش دفع بدن مرده تعیین نمی شود)

ਪਉੜੀ ॥

پوره: 6

ਬਿਨੁ ਸਤਿਗੁਰ ਕਿਨੈ ਨ ਪਾਇਓ ਬਿਨੁ ਸਤਿਗੁਰ ਕਿਨੈ ਨ ਪਾਇਆ ॥

بدون پیروی از آموزه های گورو واقعی، هیچ کس هیچ وقت خدا را درک نکرده است، بله، درست است که بدون راهنمایی گورو واقعی، هیچ کس خدا را درک نکرده است.

ਸਤਿਗੁਰ ਵਿਚਿ ਆਪੁ ਰਖਿਓਨੁ ਕਰਿ ਪਰਗਟੁ ਆਖਿ ਸੁਣਾਇਆ ॥

خدا خودش را در گورو واقعی ثبت کرده است. من این را با صدای بلند و واضح اعلام می کنم.

ਸਤਿਗੁਰ ਮਿਲਿਐ ਸਦਾ ਮੁਕਤੁ ਹੈ ਜਿਨਿ ਵਿਚਹੁ ਮੇਹੁ ਚੁਕਾਇਆ ॥

با ملاقات با گورو واقعی، شخصی که دلبستگی خود را به ثروت و قدرت دنیایی از بین می برد برای همیشه آزاد می شود. (از بندهای مایا (وهم و خیال)).

ਉਤਮੁ ਏਹੁ ਬੀਚਾਰੁ ਹੈ ਜਿਨਿ ਸਚੇ ਸਿਉ ਚਿਤੁ ਲਾਇਆ ॥ ਜਗਜੀਵਨੁ ਦਾਤਾ ਪਾਇਆ ॥੬॥

بیشترین تصورات متعالی این است که کسی که آموزه های گورو واقعی را در قلب خود ثبت کرده است، خداوند، زندگی دهنده به جهان را درک کرده است.

ਸਲੋਕ ਮ: ੧ ॥

ਸ਼ਾਲੋਕ، توسط اولین گورو

ਹਉ ਵਿਚਿ ਆਇਆ ਹਉ ਵਿਚਿ ਗਇਆ ॥

در نیت (حالتی که فرد خود را جدا از خدای داند) شخص به دنیا می آید و در نفس از این دنیا دور می شود.

ਹਉ ਵਿਚਿ ਜੰਮਿਆ ਹਉ ਵਿਚਿ ਮੁਆ ॥

در نیت یکی به دنیا می آید و در نیت دیگری می میرد.

ਹਉ ਵਿਚਿ ਦਿਤਾ ਹਉ ਵਿਚਿ ਲਇਆ ॥

برای حفظ نیت (هویت جداگانه)، شخص خیرات می دهد و می پذیرد.

ਹਉ ਵਿਚਿ ਖਟਿਆ ਹਉ ਵਿਚਿ ਗਇਆ ॥

در نیت یکی بدست می آورد و در نیت دیگری واگذار می کند.

ਹਉ ਵਿਚਿ ਸਚਿਆਰੁ ਕੂੜਿਆਰੁ ॥

در مینیتی راستگو یا دروغ می شود.

ਹਉ ਵਿਚਿ ਪਾਪ ਪੁੰਨ ਵੀਚਾਰੁ ॥

در نیت دیگری، مرتباً به کارهای گناه آلود و نجیب خود فکر می کند.

ਹਉ ਵਿਚਿ ਨਰਕਿ ਸੁਰਗਿ ਅਵਤਾਰੁ ॥

به دليل نیت است که گاهی فرد احساس خوشبختی می کند و در مواقعی دیگر از درد رنج می برد.

ਹਉ ਵਿਚਿ ਹਮੈ ਹਉ ਵਿਚਿ ਰੇਵੈ ॥

در خود خواهی گاهی می خندد و گاهی گریه می کند.

ਹਉ ਵਿਚਿ ਭਰੀਐ ਹਉ ਵਿਚਿ ਧੇਵੈ ॥

در منیتی، گاهی ذهن فرد مملو از آلودگی رذایل است و در مواقعی دیگر فرد در نیت خود تلاش می کند تا این غبار را از بین ببرد.

ਹਉ ਵਿਚਿ ਜਾਤੀ ਜਿਨਸੀ ਖੇਵੈ ॥

در منیتی گاهی کسی اوقات موقعیت و طبقه اجتماعی را از دست می دهد.

ਹਉ ਵਿਚਿ ਮੂਰਖੁ ਹਉ ਵਿਚਿ ਸਿਆਣਾ ॥

در نیت دیگری، گاهی شخص به عنوان نادان عمل می کند و در مواقعی دیگر به عنوان فردی عاقل عمل می کند.

ਮੇਖ ਮੁਕਤਿ ਕੀ ਸਾਰ ਨ ਜਾਣਾ ॥

اما ارزش نجات یا رهایی را نمی داند.

ਹਉ ਵਿਚਿ ਮਾਇਆ ਹਉ ਵਿਚਿ ਛਾਇਆ ॥

در نیت، فرد همچنان در عشق به ثروت و قدرت دنیوی نقش دارد. در منیتی در تاریکی جهل باقی می ماند.

ਹਉਮੈ ਕਰਿ ਕਰਿ ਜੰਤ ਉਪਾਇਆ ॥

زندگی در نیت، انسانها بارها و بارها متولد می کند

ਹਉਮੈ ਬੂਝੈ ਤਾ ਦਰੁ ਸੂਝੈ ॥

وقتی کسی نیت را می فهمد، می تواند راه دادگاه خدا را بداند

ਗਿਆਨ ਵਿਹੂਣਾ ਕਥਿ ਕਥਿ ਲੂਝੈ ॥

بدون خرد معنوی، فرد در گفتگوها و بحث های بی فایده رنج می برد

ਨਾਨਕ ਹੁਕਮੀ ਲਿਖੀਐ ਲੇਖੁ ॥

ای نانک، به فرمان خدا است که سر نوشت فرد نوشته می شود

ਜੇਹਾ ਵੇਖਹਿ ਤੇਹਾ ਵੇਖੁ ॥੧॥

همانطور که یکی دیگران را می بیند، یک روز او خودش را چنین می بیند

ਮਹਲਾ ੨ ॥

سالوک، توسط گورو دوم

ਹਉਮੈ ਏਹਾ ਜਾਤਿ ਹੈ ਹਉਮੈ ਕਰਮ ਕਮਾਹਿ ॥

این همان طبیعت نفسانی (حالتی است که فرد خود را از خدا جدا می داند) است که مردم مرتباً آن کارهایی را انجام می دهند که هویت جداگانه آنها را سالم نگه می دارد

ਹਉਮੈ ਏਈ ਬੰਧਨਾ ਫਿਰਿ ਫਿਰਿ ਜੋਨੀ ਪਾਹਿ ॥

بارها و بارها به دنیا آمدن نیز اسارت نفسانی است

ਹਉਮੈ ਕਿਥਹੁ ਉਪਜੈ ਕਿਤੁ ਸੰਜਮਿ ਇਹ ਜਾਇ ॥

نیت از کجایم آید؟ چگونه می توان آن را حذف کرد؟

ਹਉਮੈ ਏਹੇ ਹੁਕਮੁ ਹੈ ਪਇਐ ਕਿਰਤਿ ਫਿਰਾਹਿ ॥

من از اراده خداوند متولد می شود و تحت اراده خداوند انسان ها را آزار می دهد و آنها را وادار می کند کارهایی انجام دهند که آنها را در دور تولد و مرگ مقید کند

ਹਉਮੈ ਦੀਰਘ ਰੋਗੁ ਹੈ ਦਾਵੂ ਭੀ ਇਸੁ ਮਾਹਿ ॥

یک بیماری مزمن است، اما درمان آن نیز در آن وجود دارد

ਕਿਰਪਾ ਕਰੇ ਜੇ ਆਪਣੀ ਤਾ ਗੁਰ ਕਾ ਸਬਦੁ ਕਮਾਹਿ ॥

این راه حل این است که اگر خدا رحمت خود را نشان دهد، یک شخص طبق کلام گورو رفتار کند و روی نام خدا مراقبه کند

ਨਾਨਕੁ ਕਹੈ ਸੁਣਹੁ ਜਨਹੁ ਇਤੁ ਸੰਜਮਿ ਦੁਖ ਜਾਹਿ ॥੨॥

نانک می گوید، ای مردم، گوش کنید، به این ترتیب (باید آوری خدا با عشق و فداکاری)، بیماری نیت از بین می رود

ਪਉੜੀ ॥

ਪੂਰੀ

ਸੇਵ ਕੀਤੀ ਸੰਤੋਖੀਈ ਜਿਨ੍ਹਹੀ ਸਚੇ ਸਚੁ ਧਿਆਇਆ ॥

فقط افراد واقعاً قانع و خشنودی در خدمت خدای جاوید هستند که با عشق و فداکاری بر او مراقبه می کنند.

ਓਨ੍ਹਹੀ ਮੰਦੈ ਪੈਰੁ ਨ ਰਖਿਓ ਕਰਿ ਸੁਕ੍ਰਿਤੁ ਧਰਮੁ ਕਮਾਇਆ ॥

آنها به کارهای بد نزدیک نمی شوند، کارهای خوب انجام می دهند و درست زندگی می کنند.

ਓਨ੍ਹਹੀ ਦੁਨੀਆ ਤੋੜੇ ਬੰਧਨਾ ਅੰਨੁ ਪਾਣੀ ਥੋੜਾ ਖਾਇਆ ॥

آنها از پیوندهای دنیوی غیر ضروری جدا شده و غذا و نوشیدنی را به میزان متوسط مصرف می کنند.

ਤੂੰ ਬਖਸੀਸੀ ਅਗਲਾ ਨਿਤ ਦੇਵਹਿ ਚੜਹਿ ਸਵਾਇਆ ॥

ای خدا، تو بزرگترین نیکوکار هستی، و تو همیشه هدایای بیشتر و بیشتری به ما ارزانی داری.

ਵਡਿਆਈ ਵਡਾ ਪਾਇਆ ॥੭॥

با خواندن بزرگی او، شخص بزرگ (خدا) را درک می کند.

ਸਲੋਕ ਮ: ੧ ॥

ਸ਼ਾਲੋਕ, توسط اولین گورو

ਪੁਰਖਾਂ ਬਿਰਖਾਂ ਤੀਰਥਾਂ ਤਟਾਂ ਮੇਘਾਂ ਖੇਤਾਂਹ ॥

این تنها خداوند است که شمار و وضعیت همه انسانها را می داند. درختان، زیارتگاه های مقدس زیارتی، حاشیه رودخانه های مقدس، ابرها و مزارع

ਦੀਪਾਂ ਲੇਆਂ ਮੰਡਲਾਂ ਖੰਡਾਂ ਵਰਭੰਡਾਂਹ ॥

فقط او می داند که چند جزیره، قاره، جهان و منظومه شمسی در جهان وجود دارد

ਅੰਡਜ ਜੇਰਜ ਉਤਭੁਜਾਂ ਖਾਣੀ ਸੇਤਜਾਂਹ ॥

فقط او از موجوداتی که از طریق چهار منبع خلقت مانند تخم مرغ، رحم، زمین و عرق متولد شده اند، اطلاع دارد.

ਸੇ ਮਿਤਿ ਜਾਣੈ ਨਾਨਕਾ ਸਰਾਂ ਮੇਰਾਂ ਜੰਤਾਂਹ ॥

ای نانک، فقط خدا می داند که همه دریاها، کوه ها و وضعیت موجودات ساکن در آنها چگونه است

ਨਾਨਕ ਜੰਤ ਉਪਾਇ ਕੈ ਸੰਮਾਲੇ ਸਭਨਾਂਹ ॥

ای نانک، با خلقت این موجودات، همه آنها را گرامی می دارد

ਜਿਨਿ ਕਰਤੈ ਕਰਣਾ ਕੀਆ ਚਿੰਤਾ ਭਿ ਕਰਣੀ ਤਾਹ ॥

خالقی که آفرینش را خلق کرده، از آن مراقبت نیز می کند.

ਸੋ ਕਰਤਾ ਚਿੰਤਾ ਕਰੇ ਜਿਨਿ ਉਪਾਇਆ ਜਗੁ ॥

آری، آن خالقی که جهان را خلق کرده است، به آن نیز اهمیت می دهد.

ਤਿਸੁ ਜੋਹਾਰੀ ਸੁਅਸਤਿ ਤਿਸੁ ਤਿਸੁ ਦੀਬਾਣੁ ਅਭਗੁ ॥

در برابر او سر تعظیم فرود می آورم و احترام خود را عرض می کنم، که حمایت او از خلقت او ابدی است.

ਨਾਨਕ ਸਚੇ ਨਾਮ ਬਿਨੁ ਕਿਆ ਟਿਕਾ ਕਿਆ ਤਗੁ ॥੧॥

نقطه Tikka ((نخ مقدس)) و Janeu ای نانک، بدون مراقبه روی نام او، تمام نمادهای مذهبی بیرونی مانند روی پیشانی) معنایی ندارند.

ਮਃ ੧ ॥

:شالوک، توسط اولین گورو

ਲਖ ਨੇਕੀਆ ਚੰਗਿਆਈਆ ਲਖ ਪੁੰਨਾ ਪਰਵਾਣੁ ॥

ممکن است شخصی میلیون ها کار خیر و نیکوکارانه و کارهای خیریه بشماري انجام شود که مورد قبول جامعه باشد.

ਲਖ ਤਪ ਉਪਰਿ ਤੀਰਥਾਂ ਸਹਜ ਜੋਗ ਬੇਬਾਣ ॥

ممکن است شخصی میلیون ها توبه در مقدسات تبرکه انجام داده، و در بیابان به حالت آرامش به تمرین یوگا
برود.

ਲਖ ਸੂਰਤਣ ਸੰਗਰਾਮ ਰਣ ਮਹਿ ਛੁਟਹਿ ਪਰਾਣ ॥

ممکن است میلیون ها نفر شجاعت از خود نشان دهند و حتی در میدان جنگ جان خود را از دست بدهند.

ਲਖ ਸੁਰਤੀ ਲਖ ਗਿਆਨ ਧਿਆਨ ਪੜੀਅਹਿ ਪਾਠ ਪੁਰਾਣ ॥

ممکن است کسی با انجام انواع مراقبه ها و قرائت های وداها و پوراناها، دانش و حکمت الهی زیادی کسب
کند.

ਜਿਨਿ ਕਰਤੈ ਕਰਣਾ ਕੀਆ ਲਿਖਿਆ ਆਵਣ ਜਾਣੁ ॥

اما خالق، که این جهان را خلق کرده است، زمان تولد و مرگ خود را از قبل تعیین کرده است.

ਨਾਨਕ ਮਤੀ ਮਿਥਿਆ ਕਰਮੁ ਸਚਾ ਨੀਸਾਣੁ ॥੨॥

ای نانک، تمام تلاش های فوق بی فایده است، فقط بخشش او مهر واقعی تأیید دادگاه اوست.

ਪਉੜੀ ॥

پوری: 8

ਸਚਾ ਸਾਹਿਬੁ ਏਕੁ ਤੂੰ ਜਿਨਿ ਸਚੇ ਸਚੁ ਵਰਤਾਇਆ ॥

ای خدا، تو تنها ارباب واقعی هستی که حقیقت (درستی) را در همه جا گسترش داده است

ਜਿਸੁ ਤੂੰ ਦੇਹਿ ਤਿਸੁ ਮਿਲੈ ਸਚੁ ਤਾ ਤਿਨ੍ਹਹੀ ਸਚੁ ਕਮਾਇਆ ॥

او تنها حقیقتی را که به اومی دهی دریافت می کند. سپس او حقیقت را در زندگی تمرین می کند

ਸਤਿਗੁਰਿ ਮਿਲਿਐ ਸਚੁ ਪਾਇਆ ਜਿਨ੍ਹ ਕੈ ਹਿਰਦੈ ਸਚੁ ਵਸਾਇਆ ॥

مردم فقط با ملاقات و پیروی از آموزه های گورو واقعی به حقیقت پی می برند. گورو حقیقت را در قلب خود ثبت می کند

ਮੂਰਖ ਸਚੁ ਨ ਜਾਣਨ੍ਹਹੀ ਮਨਮੁਖੀ ਜਨਮੁ ਗਵਾਇਆ ॥

احمق ها قدر حقیقت را نمی دانند، این افراد خود خواسته زندگی خود را بیهوده تلف می کنند

ਵਿਚਿ ਦੁਨੀਆ ਕਾਹੇ ਆਇਆ ॥ ੮ ॥

چرا آنها حتی به این دنیا آمده اند؟

ਸਲੋਕੁ ਮਃ ੧ ॥

شالوک، توسط اولین گورو

ਪੜਿ ਪੜਿ ਗਡੀ ਲਦੀਅਹਿ ਪੜਿ ਪੜਿ ਭਰੀਅਹਿ ਸਾਥ ॥

حتی اگر انبوهی از کتابها را بخوانیم و مطالعه کنیم و پس از مطالعه، انبوهی از انبوه کتابها را جمع کنیم

ਪੜਿ ਪੜਿ ਬੇੜੀ ਪਾਈਐ ਪੜਿ ਪੜਿ ਗਡੀਅਹਿ ਖਾਤ ॥

اگر آنقدر کتاب بخوانیم که بتوان یک قایق یا چالهای زیادی را با آن پر کرد.

ਪੜੀਅਹਿ ਜੇਤੇ ਬਰਸ ਬਰਸ ਪੜੀਅਹਿ ਜੇਤੇ ਮਾਸ ॥

ما ممکن است آنها را سال به سال بخوانیم. ما ممکن است آنها را به اندازه ماههایی که در یک سال وجود دارد بخوانیم.

ਪੜੀਐ ਜੇਤੀ ਆਰਜਾ ਪੜੀਅਹਿ ਜੇਤੇ ਮਾਸ ॥

ما ممکن است همه آنها را بخوانیم. ممکن است آنها را با هر نفس بخوانیم.

ਨਾਨਕ ਲੇਖੈ ਇਕ ਗਲ ਹੋਰੁ ਹਉਮੈ ਝਖਣਾ ਝਾਖ ॥੧॥

هنوز هم این تلاش هابی فایده است. ای نانک، تنها چیزی که درد آگاه او مهم است مراقبه روی نام اوست. تمام تلاش های دیگر مانند اتلاف وقت در نیت خود است.

ਮ: ੧ ॥

:شالوک، توسط اولین گورو

ਲਿਖਿ ਲਿਖਿ ਪੜਿਆ ॥ ਤੇਤਾ ਕੜਿਆ ॥

بیشتر شخص می نویسد و کتاب می خواند، بیشتر خود خواه و متکبر می شود.

ਬਹੁ ਤੀਰਥ ਭਵਿਆ ॥ ਤੇ ਤੇ ਲਵਿਆ ॥

..بیشتر یک نفر در زیارتگاه های مقدس زیارتی سرگردان است، یک نفر دیگر مانند کلاغ بی فایده صحبت می کند

ਬਹੁ ਭੇਖ ਕੀਆ ਦੇਹੀ ਦੁਖੁ ਦੀਆ ॥

..یکی بیشتر لباسهای مذهبی را زینت می دهد، استرس بیشتری را به خودش وارد می کند

ਸਹੁ ਵੇ ਜੀਆ ਅਪਣਾ ਕੀਆ ॥

..بنابر این ما باید به چنین شخصی بگوییم، ای دوست من، اکنون نتیجه اعمال خود را تحمل کن

ਅੰਨ੍ਹ ਨ ਖਾਇਆ ਸਾਦੁ ਗਵਾਇਆ ॥

با نخوردن غذا برای جلب رضایت خدا، شخص هیچ لیاقت معنوی کسب نمی کند، او به راحتی فرصت لذت
بدون از لذت آن را از دست می دهد

ਬਹੁ ਦੁਖੁ ਪਾਇਆ ਦੂਜਾ ਭਾਇਆ ॥

..به دلیل عشق به دوگانگی (شیوه هایی که او را از یادآوری عاشقانه خدا دور می کند)، درد زیادی را متحمل می شود

ਬਸਤ੍ਰ ਨ ਪਹਿਰੈ ॥ ਅਹਿਨਿਸਿ ਕਰੈ ॥

کسی که خود را تحت شکنجه قرار می دهد از پوشیدن هیچ لباس، شب و روز با قرار دادن بدن خود در شدید آب
و هوارنج می برد

ਮੇਨਿ ਵਿਗੂਤਾ ॥ ਕਿਉ ਜਾਗੈ ਗੁਰ ਬਿਨੁ ਸੂਤਾ ॥

سکوت برای رضایت خدا، گمراه شده است (از راه صالح). چگونه می توان او را بدون تعلیم گورو از خواب غفلت بیدار کرد؟

ਪਗ ਉਪੇਤਾਣਾ ॥ ਅਪਣਾ ਕੀਆ ਕਮਾਣਾ ॥

کسی که پابرهنه می رود، با آسیب رساندن به پاهایش، از اعمال خودرنج می برد.

ਅਲੁ ਮਲੁ ਖਾਈ ਸਿਰਿ ਛਾਈ ਪਾਈ ॥

کسی که پس مانده های ناپاک را می خورد و روی سرش خاکستری اندازد.

ਮੂਰਖਿ ਅੰਧੈ ਪਤਿ ਗਵਾਈ ॥

آن شخص نادان احمق عزت خود را از دست داده است.

ਵਿਣੁ ਨਾਵੈ ਕਿਛੁ ਥਾਇ ਨ ਪਾਈ ॥

بدون مراقبه روی نام خدا، هیچ چیز در دادگاه او تأیید نمی شود.

ਰਹੈ ਬੇਬਾਣੀ ਮੜੀ ਮਸਾਈ ॥

ممکن است در بیابان، در گورستان ها یا در مناطق سوزاندن بدن زندگی کند.

ਅੰਧੁ ਨ ਜਾਣੈ ਫਿਰਿ ਪਛੁਤਾਈ ॥

چنین فرد نابینا از نظر معنوی روش صحیحی برای تحقق خدا نمی داند، در آخر پشیمان می شود و توبه می کند.

ਸਤਿਗੁਰੁ ਭੇਟੇ ਸੇ ਸੁਖੁ ਪਾਏ ॥

فقط او که آموزه های گورو واقعی را ملاقات می کند و از آنها پیروی می کند، از آرامش واقعی برخوردار است

ਹਰਿ ਕਾ ਨਾਮੁ ਮੰਨਿ ਵਸਾਏ ॥

زیرا او نام خدا را در ذهن خود ثبت کرده است

ਨਾਨਕ ਨਦਰਿ ਕਰੇ ਸੇ ਪਾਏ ॥

ای نانک، فقط او با گورو واقعی که خدا به او لطف می کند دیدار می کند

ਆਸ ਅੰਦੇਸੇ ਤੇ ਨਿਹਕੇਵਲੁ ਹਉਮੈ ਸਬਦਿ ਜਲਾਏ ॥੨॥

سپس تحت تأثیر هر نوع امید و نگرانی قرار نمی گیرد و به دنبال کلام گورو، نیت خود را می سوزاند و نام خدا، منبع تمام صلح، به راحتی در قلب او جای می گیرد

ਪਉੜੀ ॥

پوره: 9

ਭਗਤ ਤੇਰੈ ਮਨਿ ਭਾਵਦੇ ਦਰਿ ਸੇਹਨਿ ਕੀਰਤਿ ਗਾਵਦੇ ॥

ای خدا، فدایان تو از تو راضی هستند. آنها در آستان شما زیبا به نظر می رسند، و ستایش های شما را می خوانند.

ਨਾਨਕ ਕਰਮਾ ਬਾਹਰੇ ਦਰਿ ਢੋਅ ਨ ਲਹਨ੍ਹੀ ਧਾਵਦੇ ॥

ای نانک، کسانی که از لطف خداوند محروم هستند، هیچ پناهگاهی در دربار او پیدا نمی کنند و بی هدف سرگردان می شوند.

ਇਕਿ ਮੂਲੁ ਨ ਬੁਝਨ੍ਹਿਹ ਆਪਣਾ ਅਣਹੋਦਾ ਆਪੁ ਗਣਾਇਦੇ ॥

آنها اصل واقعی خود (خدا) را درک نمی کنند و بدون هیچ لیاقت معنوی، خود را دشمنان بزرگی می نامند.

ਹਉ ਢਾਢੀ ਕਾ ਨੀਚ ਜਾਤਿ ਹੋਰਿ ਉਤਮ ਜਾਤਿ ਸਦਾਇਦੇ ॥

خدایا، در حالی که دیگران ادعا می کنند که به بازیگران بالا تعلق دارند، من فقط دوره گردی از بازیگران درب (منزلگاه) تو هستم.

ਤਿਨ੍ਹਹ ਮੰਗਾ ਜਿ ਤੁਝੈ ਧਿਆਇਦੇ ॥ ੯ ॥

من فقط برای معاشرت کسانی که بر شما مراقبه می کنند التماس می کنم.

ਸਲੋਕੁ ਮਃ ੧ ॥

شالوک، توسط اولین گورو

ਕੂੜੁ ਰਾਜਾ ਕੂੜੁ ਪਰਜਾ ਕੂੜੁ ਸਭੁ ਸੰਸਾਰੁ ॥

تمام این جهان نادرست (فسادپذیر) است. در این دنیای دروغین، پادشاه دروغ است و تابع او دروغ است.

ਕੂੜ ਮੰਡਪ ਕੂੜ ਮਾੜੀ ਕੂੜ ਬੈਸਣਹਾਰੁ ॥

کاخ ها و عمارت های کاذب و کوتاه مدت کسانی هستند که در آنها زندگی می کنند

ਕੂੜ ਸੁਇਨਾ ਕੂੜ ਰੁਪਾ ਕੂੜ ਪੈਨ੍ਹਣਹਾਰੁ ॥

تزئینات طلا و نقره کاذب (فاسد شدنی) و کسانی که آنها را می پوشند نادرست هستند

ਕੂੜ ਕਾਇਆ ਕੂੜ ਕਪੜ ਕੂੜ ਰੂਪ ਅਪਾਰੁ ॥

کاذب (کوتاه مدت) بدن است، نادرست لباس های زیبا و دروغ زیبایی هایی است که آنها را می پوشند

ਕੂੜ ਮੀਆ ਕੂੜ ਬੀਬੀ ਖਪਿ ਹੋਏ ਖਾਰੁ ॥

رابطه زن و شوهر نیز کوتاه مدت است و آنها در درگیری کاذب از بین می روند

ਕੂੜਿ ਕੂੜੈ ਨੇਹੁ ਲਗਾ ਵਿਸਰਿਆ ਕਰਤਾਰੁ ॥

باطل عاشق باطل است و خالق خود را فراموش می کند

ਕਿਸੁ ਨਾਲਿ ਕੀਚੈ ਦੇਸਤੀ ਸਭੁ ਜਗੁ ਚਲਣਹਾਰੁ ॥

وقتی همه دنیا از بین می رود با چه کسانی باید دوست شویم؟

ਕੂੜੁ ਮਿਠਾ ਕੂੜੁ ਮਾਖਿਉ ਕੂੜੁ ਡੋਬੇ ਪੂਰੁ ॥

این دنیای واهی مانند عسل شیرین به نظر می رسد، به این ترتیب تو هم دروغین بسیاری از مردم را نابود می کند

ਨਾਨਕੁ ਵਖਾਣੈ ਬੇਨਤੀ ਤੁਧੁ ਬਾਝੁ ਕੂੜੇ ਕੂੜੁ ॥੧॥

خدایا، نانک این دعا را می کند که به جز تو، همه چیز دیگر کاملاً کاذب است (فسادپذیر)

ਮਃ ੧ ॥

سالوک، توسط اولین گورو

ਸਚੁ ਤਾ ਪਰੁ ਜਾਣੀਐ ਜਾ ਰਿਦੈ ਸਚਾ ਹੋਇ ॥

فقط وقتی حقیقت (خدا) در قلب او باشد، می توان حقیقت را شناخت (تحقق خدا)

ਕੂੜ ਕੀ ਮਲੁ ਉਤਰੈ ਤਨੁ ਕਰੇ ਹਛਾ ਧੋਇ ॥

سپس کثافت باطل برطرف شده و ذهن و بدن از شر رذایل رهایی می یابد

ਸਚੁ ਤਾ ਪਰੁ ਜਾਣੀਐ ਜਾ ਸਚਿ ਧਰੇ ਪਿਆਰੁ

تنها وقتی انسان به حقیقت عشق می ورزد، حقیقت (خدا) را درک می کند

ਨਾਉ ਸੁਣਿ ਮਨੁ ਰਹਸੀਐ ਤਾ ਪਾਏ ਮੋਖ ਦੁਆਰੁ ॥

با گوش دادن به عشق به نام خدا، ذهن شکوفای شود و راهی برای رهایی از پیوندهای پیوستگی دنیوی پیدای می کند.

ਸਚੁ ਤਾ ਪਰੁ ਜਾਣੀਐ ਜਾ ਜੁਗਤਿ ਜਾਣੈ ਜੀਉ ॥

شخص فقط وقتی به خدای می برد که راز اتصال روح با خدا را بداند

ਧਰਤਿ ਕਾਇਆ ਸਾਧਿ ਕੈ ਵਿਚਿ ਦੇਇ ਕਰਤਾ ਬੀਉ ॥

این راز آماده سازی بدن است همانطور که یک کشاورز خاک را آماده می کند و بذرنام خدا را می کارد

ਸਚੁ ਤਾ ਪਰੁ ਜਾਣੀਐ ਜਾ ਸਿਖ ਸਚੀ ਲੇਇ ॥

شخص فقط وقتی خدا را درک می کند که تعالیم واقعی (از گورو) را دریافت کند

ਦਇਆ ਜਾਣੈ ਜੀਅ ਕੀ ਕਿਛੁ ਪੁੰਨੁ ਦਾਨੁ ਕਰੇਇ ॥

و یاد می گیرد که به موجودات دیگر رحم کند و کارهای خیر خواهانه و مهربانی انجام می دهد.

ਸਚੁ ਤਾ ਪਰੁ ਜਾਣੀਐ ਜਾ ਆਤਮ ਤੀਰਥਿ ਕਰੇ ਨਿਵਾਸੁ ॥

انسان فقط وقتی به خدا پی می برد که در حرم مقدس خود در داخل (روح خود) ساکن شود.

ਸਤਿਗੁਰੂ ਨੇ ਪੁਛਿ ਕੈ ਬਹਿ ਰਹੈ ਕਰੇ ਨਿਵਾਸੁ ॥

او به دنبال تعالیم گورو واقعی، تمرکز خود را بر درون ادامه می دهد (و سعی می کند ذهن خود را از افکار شیطانی بازدارد).

ਸਚੁ ਸਭਨਾ ਹੋਇ ਦਾਰੂ ਪਾਪ ਕਢੈ ਧੋਇ ॥

خدا خودش درمان همه بیماریها می شود. و تمام گناهان را از بین می برد.

ਨਾਨਕੁ ਵਖਾਣੈ ਬੇਨਤੀ ਜਿਨ ਸਚੁ ਪਲੈ ਹੋਇ ॥੨॥

نانک با فروتنی برای کسانی که حقیقت (خدا) را در قلب خود جای داده اند دعا می کند.

ਪਉੜੀ ॥

ਪੂਰੀ: 10

ਦਾਨੁ ਮਹਿੰਡਾ ਤਲੀ ਖਾਕੁ ਜੇ ਮਿਲੈ ਤ ਮਸਤਕਿ ਲਾਈਐ ॥

ਹਦیه ای که من می جویم غبار پای کسانی است که خدا را درک کرده اند (فروتنی). اگر بخواهم آن را بدست آورم، این گرد و غبار را بروی پیشانی ام می مالم (خودم را بسیار خوش شانس می دانم)

ਕੂੜਾ ਲਾਲਚੁ ਛਡੀਐ ਹੋਇ ਇਕ ਮਨਿ ਅਲਖੁ ਧਿਆਈਐ ॥

بگذارید از حرص و طمع دروغین دست بکشیم، و با ذهنیت مجرد درباره خدای نامفهوم مراقبه کنیم

ਫਲੁ ਤੇਵੇਹੋ ਪਾਈਐ ਜੇਵੇਹੀ ਕਾਰ ਕਮਾਈਐ ॥

همانند اعمالی که انجام می دهیم، پاداش هایی که می گیریم نیز همین است.

ਜੇ ਹੋਵੈ ਪੂਰਬਿ ਲਿਖਿਆ ਤਾ ਧੂੜਿ ਤਿਨ੍ਹ੍ਹਾ ਦੀ ਪਾਈਐ ॥

اما کسی این موهبت را دارد که فروتنانه به کسانی خدمت کند (که خدا را درک کرده باشند) فقط در صورتی که برای آنها از قبل تعیین شده باشد.

ਮਤਿ ਥੋੜੀ ਸੇਵ ਗਵਾਈਐ ॥੧੦॥

اگر فقط به خرد محدودمان وابسته باشیم، تمام تلاش ما برای تحقق خدا به هدر می رود

ਸਲੋਕੁ ਮਃ ੧ ॥

शलوك، توسط اولين گورو

ਸਚਿ ਕਾਲੁ ਕੂੜੁ ਵਰਤਿਆ ਕਲਿ ਕਾਲਖ ਬੇਤਾਲ ॥

فكر اتصال به حقيقت (خدا) در جهان ناپديد شده است، گويي قحطي از ايمان به خدا وجود دارد. دروغ در همه مانند شياطين رفتار مي كنند Kalyug جا غالب شده است و مردم به دليل گناهان و شر اين دوران

ਬੀਉ ਬੀਜਿ ਪਤਿ ਲੈ ਗਏ ਅਬ ਕਿਉ ਉਗਵੈ ਦਾਲਿ ॥

كساني كه بذر نام خدا را در قلب خود كاشتند، با افتخار از اين دنيا رفتند، اما اکنون به نظري رسد كه ذهن مردم در دوگانگي تقسيم شده است (بين عشق به چيزهاي دنيايي و عشق به خدا)، پس چگونه اين دانه شكسته نام خدا مي تواند در قلب آنها جوانه مي زند؟

ਜੇ ਇਕੁ ਹੋਇ ਤ ਉਗਵੈ ਰੁਤੀ ਹੂ ਰੁਤਿ ਹੋਇ ॥

يك بذر اگر كامل باشد و شكافته نشود جوانه مي زند و گياه مناسبتي نيز وجود دارد فصل رشد بذر به همين ترتيب، عشق به نام خدا در ذهن مردم بوجود مي آيد اگر ذهن آنها به طور دوگانه تقسيم نشود و زمان مناسبتي مانند جو آرام وجود داشته باشد Naam صبح زود براي مراقبه در مورد

ਨਾਨਕ ਪਾਹੈ ਬਾਹਰਾ ਕੇਰੈ ਰੰਗੁ ਨ ਸੋਇ ॥

اي نانك، همانطور كه بدون استفاده از قبل از درمان، يك پارچه خام را نمي توان با رنگ خوب دائمي رنگ آميزي كرد، ذهن ما بدون آمادگي لازم نمي تواند آغشته به عشق به خدا باشد (شرح زير)

ਭੈ ਵਿਚਿ ਖੁੰਬਿ ਚੜਾਈਐ ਸਰਮੁ ਪਾਹੁ ਤਨਿ ਹੋਇ ॥

همانطور که پارچه خام ابتدا در ظرف گرم می شود و سپس برای گرفتن رنگ دائمی قبل از آن درمان می شود،
ذهن باید ترس از خدا را ایجاد کند (تا آن را دلسوز کند) و برای کار سخت مراقبه خدا آماده باشد

ਨਾਨਕ ਭਗਤੀ ਜੇ ਰਪੈ ਕੂੜੈ ਸੋਇ ਨ ਕੋਇ ॥੧॥

ای نانک، وقتی به این ترتیب ذهن پر از عشق و ارادت خدای شود، پس دیگر هیچ تصویری از باطل (عشق به
وابستگی های دنیوی) در آن ایجاد نمی شود

ਮਃ ੧ ॥

سالوک، توسط اولین گورو

ਲਬੁ ਪਾਪੁ ਦੁਇ ਰਾਜਾ ਮਹਤਾ ਕੂੜੁ ਹੋਆ ਸਿਕਦਾਰੁ ॥

(در دنیا، جامعۀ کاملاً فاسد شده است) انگار حرص و آرزو گناه مانند شاه و وزیر او شده و دروغ مانند مجری آنها

ਕਾਮੁ ਨੇਬੁ ਸਦਿ ਪੁਛੀਐ ਬਹਿ ਬਹਿ ਕਰੇ ਬੀਚਾਰੁ ॥

شهوت مانند مشاور آنهاست و او را صدای می کنند، آنها از او مشاوره می گیرند و سپس با هم نشسته و در مورد
راه های مختلف برای گول افکار عمومی تعمق می کنند

ਅੰਧੀ ਰਯਤਿ ਗਿਆਨ ਵਿਹੁਣੀ ਭਾਹਿ ਭਰੇ ਮੁਰਦਾਰੁ ॥

افراد به دلیل کسب و دانش، نادان هستند، انگار کور هستند. پر از آتش خواسته های دنیوی، مردم با دادن رشوه این خواسته ها را بر آورده می کنند.

ਗਿਆਨੀ ਨਚਹਿ ਵਾਜੇ ਵਾਵਹਿ ਰੂਪ ਕਰਹਿ ਸੀਗਾਰੁ ॥

کسانی که خود را عاقل می نامند، (به جای اینکه مردم را با روش های صحیح راهنمایی کنند)، به راحتی در خیابان های رقاصه، آلات موسیقی می نوازند، و خود را در لباس های مختلف و تزئینات زیبا آراسته می کنند.

ਉਚੇ ਕੂਕਹਿ ਵਾਦਾ ਗਾਵਹਿ ਜੇਧਾ ਕਾ ਵੀਚਾਰੁ ॥

آنها در حالی که در مورد قصه های برخی از نبردهای گذشته آوازی می خوانند، با صدای بلند فریاد می کشند و حماسه های قهرمانان آن نبردها را توصیف می کنند.

ਮੂਰਖ ਪੰਡਿਤ ਹਿਕਮਤਿ ਹੁਜਤਿ ਸੰਜੈ ਕਰਹਿ ਪਿਆਰੁ ॥

صاحب نظران احمق که خود را دانشمند می نامند، دوست دارند با استدلال ها و نیرنگ های هوشمندان ثروت دنیوی را جمع کنند.

ਧਰਮੀ ਧਰਮੁ ਕਰਹਿ ਗਾਵਾਵਹਿ ਮੰਗਹਿ ਮੋਖ ਦੁਆਰੁ ॥

کسانی که خود را افراد صالح می نامند، هنگام انجام هر عمل صالحی، شایستگی آن را از دست می دهند (با انجام این کار از خود گذشتگی)، زیرا در مقابل آنها از خدا نجات می خواهند.

ਜਤੀ ਸਦਾਵਹਿ ਜੁਗਤਿ ਨ ਜਾਣਹਿ ਛਡਿ ਬਹਹਿ ਘਰ ਬਾਰੁ ॥

کسانی که خود را زاهد می خوانند، راه زاهد واقعی را نمی دانند و خانه های خود را بی دلیل رها می کنند.

ਸਭੁ ਕੋ ਪੂਰਾ ਆਪੇ ਹੋਵੈ ਘਟਿ ਨ ਕੋਈ ਆਖੈ ॥

همه خود را کامل می نامند و هیچ کس خود را دچار کمبود چیزی نمی داند.

ਪਤਿ ਪਰਵਾਣਾ ਪਿਛੈ ਪਾਈਐ ਤਾ ਨਾਨਕ ਤੋਲਿਆ ਜਾਪੈ ॥੨॥

ای نانک، لیاقت واقعی یک شخص فقط وقتی شناخته می شود که آن شخص برخلاف میزان افتخاری که در دادگاه خدا دارد، قضاوت شود.

ਮਃ ੧ ॥

سالوک، توسط اولین گورو

ਵਦੀ ਸੁ ਵਜਗਿ ਨਾਨਕਾ ਸਚਾ ਵੇਖੈ ਸੋਇ ॥

ای نانک، آنچه خداوند مقرر کرده است قطعاً اتفاق خواهد افتاد زیرا او خود مراقبت همه است.

ਸਭਨੀ ਛਾਲਾ ਮਾਰੀਆ ਕਰਤਾ ਕਰੇ ਸੁ ਹੋਇ ॥

هر کسی تلاش زیادی می کند تا کارها را مطابق خواسته های خود انجام دهد، اما این تنها اتفاقی است که خالق انجام می دهد.

ਅਗੈ ਜਾਤਿ ਨ ਜੇਰੁ ਹੈ ਅਗੈ ਜੀਉ ਨਵੇ ॥

در دادگاه خدا، موقعیت و قدرت اجتماعی شخص هیچ معنایی ندارد، در آنجا باید با روحهای کاملاً جدید کنار بیایید،
(که تحت تأثیر وضعیت کسی نیستند)

ਜਿਨ ਕੀ ਲੇਖੇ ਪਤਿ ਪਵੈ ਚੰਗੇ ਸੇਈ ਕੇਇ ॥੩॥

فقط آن عده ای خوب یا با فضیلت محسوب می شوند که وقتی حساب آنها در دادگاه خدا مورد بررسی قرار می
گیرد، مفتخر می شوند.

ਪਉੜੀ ॥

پوری 11

ਧੁਰਿ ਕਰਮੁ ਜਿਨਾ ਕਉ ਤੁਧੁ ਪਾਇਆ ਤਾ ਤਿਨੀ ਖਸਮੁ ਧਿਆਇਆ ॥

.ای خدا، فقط کسانی که با عبادت عاشقانه در مورد تو مراقبه کرده اند بسیار مقدر شده اند

ਏਨਾ ਜੰਤਾ ਕੈ ਵਸਿ ਕਿਛੁ ਨਾਹੀ ਤੁਧੁ ਵੇਕੀ ਜਗਤੁ ਉਪਾਇਆ ॥

هیچ چیز توانایی این موجودات را ندارد. شما این جهان را با افراد دارای توانایی ها و تمایلات متنوع خلق کرده
اید.

ਇਕਨਾ ਨੇ ਤੂੰ ਮੇਲਿ ਲੈਹਿ ਇਕਿ ਆਪਹੁ ਤੁਧੁ ਖੁਆਇਆ ॥

برخیزا به خود پیوند داده و برخی دیگر را به گمراهی می کشانی

ਗੁਰ ਕਿਰਪਾ ਤੇ ਜਾਣਿਆ ਜਿਥੈ ਤੁਧੁ ਆਪੁ ਬੁਝਾਇਆ ॥

فقط کسانی که تو را در قلب خود درک کرده اند و از طریق فیض گورو با درک خود به آنها برکت داده ای

ਸਹਜੇ ਹੀ ਸਚਿ ਸਮਾਇਆ ॥੧੧॥

و آنها به طور نا محسوس در حقیقت (خدا) ادغام شده اند

ਸਲੋਕੁ ਮਃ ੧ ॥

:شالوک، توسط اولین گورو

ਦੁਖੁ ਦਾਰੂ ਸੁਖੁ ਰੋਗੁ ਭਇਆ ਜਾ ਸੁਖੁ ਤਾਮਿ ਨ ਹੋਈ ॥

پروردگارا، چقدر عجیب است این دنیای تو که در آن رنج به دواي بیماری های مردم تبدیل می شود و لذت علت بیماری های آنها می شود. با این حال، هنگامی که فردی از صلح معنوی واقعی برخوردار شود، هیچ غم و اندوهی نمی تواند آن شخص را آزار دهد.

ਤੂੰ ਕਰਤਾ ਕਰਣਾ ਮੈ ਨਾਹੀ ਜਾ ਹਉ ਕਰੀ ਨ ਹੋਈ ॥੧॥

خدایا، تو خالق و انجام دهنده همه کارها هستی، من هیچ چیز نیستم، زیرا هر وقت سعی می کنم کاری را از روی خود انجام دهم، این اتفاق نمی افتد.

ਬਲਿਹਾਰੀ ਕੁਦਰਤਿ ਵਸਿਆ ॥

ای خالق همه گیر، من خودم را وقف تو می کنم.

ਤੇਰਾ ਅੰਤੁ ਨ ਜਾਈ ਲਖਿਆ ॥੧॥ ਰਹਾਉ ॥

محدودیت های شما قابل درک نیست.

ਜਾਤਿ ਮਹਿ ਜੇਤਿ ਜੇਤਿ ਮਹਿ ਜਾਤਾ ਅਕਲ ਕਲਾ ਭਰਪੂਰਿ ਰਹਿਆ ॥

نور الهی شما سر اسر جهان را فرا گرفته است و شما به عنوان نوری در همه موجودات دیده می شوید. قدرت
متعال شما در همه فراگیر است.

ਤੂੰ ਸਚਾ ਸਾਹਿਬੁ ਸਿਫਤਿ ਸੁਆਲ੍ਹਿਹਉ ਜਿਨਿ ਕੀਤੀ ਸੇ ਪਾਰਿ ਪਇਆ ॥

ای خدا، تو ارباب واقعی هستی؛ جلال تو زیباست. کسی که ستایش شما را بخواند، در سر اسر اقیانوس جهانی
رزایل حمل شده است.

ਕਹੁ ਨਾਨਕ ਕਰਤੇ ਕੀਆ ਬਾਤਾ ਜੇ ਕਿਛੁ ਕਰਣਾ ਸੁ ਕਰਿ ਰਹਿਆ ॥੨॥

ای نانک، ستایشهای خالق را بخوان؛ هر کاری که دوست دارد انجام دهد، دارد انجام می دهد.

ਮਃ ੨ ॥

سالوک، توسط گورو دوم

ਜੇਗ ਸਬਦੰ ਗਿਆਨ ਸਬਦੰ ਬੇਦ ਸਬਦੰ ਬ੍ਰਾਹਮਣਹ ॥

وظیفه واقعی یوگی بدست آوردن حکمت الهی است. و وظیفه یک برهمن (کشیش هندو) مطالعه و تأمل در
کتاب مقدس هندو مانند وداس است.

ਖੜੀ ਸਬਦੰ ਸੂਰ ਸਬਦੰ ਸੂਦ੍ਰ ਸਬਦੰ ਪਰਾ ਕ੍ਰਿਤਹ ॥

(Shudras) (جنگجویان ہندو) جنگ شجاعانہ در میدان جنگ است و وظیفہ Kshatriyas و وظیفہ
بازیگران ہندو) خدمت بہ دیگران است

ਸਰਬ ਸਬਦੰ ਏਕ ਸਬਦੰ ਜੇ ਕੇ ਜਾਣੈ ਭੇਉ ॥ ਨਾਨਕੁ ਤਾ ਕਾ ਦਾਸੁ ਹੈ ਸੇਈ ਨਿਰੰਜਨ ਦੇਉ ॥੩॥

اما وظیفہ برتر ہمہ مراقبہ روی یک کلمہ (نام خدا) است. کسی کہ این راز را می داند، نانک بنده او است، زیرا
چنین شخصی مظهر خدای پاک است

ਮਃ ੨ ॥

سالوک، توسط گورو دوم

ਏਕ ਕ੍ਰਿਸਨੰ ਸਰਬ ਦੇਵਾ ਦੇਵ ਦੇਵਾ ਤ ਆਤਮਾ ॥

خدای یگانه برتر از همه خدایان موسوم بہ خدایان است (کہ بسیاری از ہندوہا بہ آن اعتقاد دارند) و او روح
ہمہ خدایان است

ਆਤਮਾ ਬਾਸੁ ਦੇਵ ਸਿਜਜ ਜੇ ਕੇ ਜਾਣੈ ਭੇਉ ॥ ਨਾਨਕੁ ਤਾ ਕਾ ਦਾਸੁ ਹੈ ਸੇਈ ਨਿਰੰਜਨ ਦੇਉ ॥੪॥

نفس خودش خداست. کسی کہ این رمز و راز را درک کند، نانک بنده او است، زیرا او مظهر خدای بی عیب
است

ਐਸੀ ਕਲਾ ਨ ਖੇਡੀਐ ਜਿਤੁ ਦਰਗਹ ਗਇਆ ਹਾਰੀਐ ॥

(در این دنیا، ما) نباید چنین بازی (فریب و زیرکی) را انجام دهیم که (به وسیله آن ممکن است چیزی بدست آوریم) بلکه وقتی به دادگاه خدای رویم ضرر می کنیم

ਮਃ ੧ ॥

سالوک، توسط اولین گورو

ਕੁੰਭੇ ਬਧਾ ਜਲੁ ਰਹੈ ਜਲ ਬਿਨੁ ਕੁੰਭੁ ਨ ਹੋਇ ॥

همانطور که آب درون پارچ محصور می ماند اما آب بدون پارچ محدود نخواهد شد

ਗਿਆਨ ਕਾ ਬਧਾ ਮਨੁ ਰਹੈ ਗੁਰ ਬਿਨੁ ਗਿਆਨੁ ਨ ਹੋਇ ॥ ੫ ॥

به همین ترتیب، ذهن فقط توسط دانش الهی قابل کنترل است اما دانش الهی را نمی توان بدون تعالیم گورو بدست آورد

ਪਉੜੀ ॥

پوره: 12

ਪੜਿਆ ਹੋਵੈ ਗੁਨਹਗਾਰੁ ਤਾ ਓਮੀ ਸਾਧੁ ਨ ਮਾਰੀਐ ॥

اگر یک فرد تحصیل کرده مقصر است، ما نباید یک فرد مقدس بی سواد (به جای او) را مجازات کنیم

ਜੇਹਾ ਘਾਲੇ ਘਾਲਣਾ ਤੇਵੇਹੇ ਨਾਉ ਪਚਾਰੀਐ ॥

انسان ہر نوع عملی را انجام دهد، اعتبار او بہ همان شکل می شود

ਐਸੀ ਕਲਾ ਨ ਖੇਡੀਐ ਜਿਤੁ ਦਰਗਹ ਗਇਆ ਹਾਰੀਐ ॥

(در این دنیا، ما) نباید چنین بازی (فریب و زیرکی) را انجام دهیم که (به وسیله آن ممکن است چیزی بدست آوریم) بلکه وقتی به دادگاه خدا می رویم ضرر می کنیم

ਪੜਿਆ ਅਤੇ ਓਮੀਆ ਵੀਚਾਰੁ ਅਗੈ ਵੀਚਾਰੀਐ ॥

رفتاریک فرد با سواد و بی سواد (شخص) در دادگاه خدا به دقت بررسی می شود

ਮੁਹਿ ਚਲੈ ਸੁ ਅਗੈ ਮਾਰੀਐ ॥੧੨॥

کسی که سر سخته به جای اینکه از تعالیم گورو پیروی کند، ذهن خود را دنبال می کند در دادگاه خدا مجازات می شود..

ਸਲੋਕੁ ਮਃ ੧ ॥

اسلوک، توسط اولین گورو

ਨਾਨਕ ਮੇਰੁ ਸਰੀਰ ਕਾ ਇਕੁ ਰਬੁ ਇਕੁ ਰਥਵਾਹੁ ॥

ای نانک، بدن انسان، که از همه گونه ها عالی است، دارای ارابه (ارزش های اخلاقی) و ارابه ران (اصول راهنما) است

ਜੁਗੁ ਜੁਗੁ ਫੇਰਿ ਵਟਾਈਅਹਿ ਗਿਆਨੀ ਬੁਝਹਿ ਤਾਹਿ ॥

در هر عصری این ارزشها و اصول راهنما تغییر می کنند. فقط افراد خردمند می توانند این را درک کنند

ਸਤਜੁਗਿ ਰਬੁ ਸੰਤੋਖ ਕਾ ਧਰਮੁ ਅਗੈ ਰਥਵਾਹੁ ॥

،، قناعت اراه (ارزش اخلاقی) و عدالت اراه ران (اصل راهنما) بود sat در کوزه

ਤ੍ਰੈ ਰਬੁ ਜਤੈ ਕਾ ਜੋਰੁ ਅਗੈ ਰਥਵਾਹੁ ॥

در عصر تریا، تجرد اراه بود و اراه ران را قدرت می بخشید

ਦੁਆਪੁਰਿ ਰਬੁ ਤਪੈ ਕਾ ਸਤੁ ਅਗੈ ਰਥਵਾਹੁ ॥

در عصر دو اپار، توبه اراه و شخصیت والا ای اخلاقی اراه ران بود

ਕਲਜੁਗਿ ਰਬੁ ਅਗਨਿ ਕਾ ਕੂੜੁ ਅਗੈ ਰਥਵਾਹੁ ॥ ੧ ॥

در عصر کوزه کال، آتش میل به ثروت و قدرت دنیوی اراه و دروغ اراه ران است

ਮਃ ੧ ॥

سالوک، اولین گورو

ਸਾਮ ਕਹੈ ਸੇਤੰਬਰੁ ਸੁਆਮੀ ਸਚ ਮਹਿ ਆਛੈ ਸਾਚਿ ਰਹੇ ॥ ਸਤੁ ਕੇ ਸਚਿ ਸਮਾਵੈ ॥

معروف بود. در آن عصر همه Saytambar ارباب جهان (خدا) به ((Sat Jug می گوید که در Saam Veda

حقیقت را می خواستند، به حقیقت پایبند بودند و به حق زندگی می کردند

ਰਿਗੁ ਕਹੈ ਰਹਿਆ ਭਰਪੂਰਿ ॥ ਰਾਮ ਨਾਮੁ ਦੇਵਾ ਮਹਿ ਸੂਰੁ ॥

ਰਿگ ودامی گوید که (در کوزه تَرَتِه)، خداوند در همه جا و در میان خدایان فراگیر شده است، نام لرد راما عالی ترین است، مانند خورشید می درخشد.

ਨਾਇ ਲਇਐ ਪਰਾਛਤ ਜਾਹਿ ॥ ਨਾਨਕ ਤਉ ਮੇਖੰਤਰੁ ਪਾਹਿ ॥

ای نانک، (طبق رِیگ ودا)، با خواندن نام لرد راما، همه گناهان نابود می شود و نجات حاصل می شود.

ਜੁਜ ਮਹਿ ਜੋਰਿ ਛਲੀ ਚੰਦ੍ਰਾਵਲਿ ਕਾਨ੍ਹਹ ਕ੍ਰਿਸਨੁ ਜਾਦਮੁ ਭਇਆ ॥

یا جور ودامی گوید (در دَاکِپار جَگ)، ارباب جهان به لرد کریشنا از قبیلہ یاداوا معروف بود، که شاهزاده خانم چاندراوالی را با قدرت الهی خود فریب داد.

ਪਾਰਜਾਤੁ ਗੋਪੀ ਲੈ ਆਇਆ ਬਿੰਦ੍ਰਾਬਨ ਮਹਿ ਰੰਗੁ ਕੀਆ ॥

را برای گُپِی (فداکار زن) خود آورد و در Parjaat او در ختی برآورده از آرزوهای اسطوره ای به نام ورینداوان از وی تجلیل کرد.

ਕਲਿ ਮਹਿ ਬੇਦੁ ਅਥਰਬਣੁ ਹੁਆ ਨਾਉ ਖੁਦਾਈ ਅਲਹੁ ਭਇਆ ॥

برجسته شد. اله نام خدا شد Atharva Veda، Kal Jug در

ਨੀਲ ਬਸਤ੍ਰ ਲੇ ਕਪੜੇ ਪਹਿਰੇ ਤੁਰਕ ਪਠਾਣੀ ਅਮਲੁ ਕੀਆ ॥

..ترکها و پاتان ها قدرت را به دست گرفتند و شروع به پوشیدن لباس های آبی کردند.

ਚਾਰੇ ਵੇਦ ਹੋਏ ਸਚਿਆਰ ॥

به این ترتیب هر چهار ودا مطابق با زمان مربوط به خود ادعای حقیقت می کنند.

ਪੜਹਿ ਗੁਣਹਿ ਤਿਨ੍ਹੁ ਚਾਰ ਵੀਚਾਰ ॥

با خواندن و تأمل در مورد این وداها، افراد افکار خوبی را در ذهن خود پرورش می دهند.

ਭਾਉ ਭਗਤਿ ਕਰਿ ਨੀਚੁ ਸਦਾਏ ॥ ਤਉ ਨਾਨਕ ਮੋਖੰਤਰੁ ਪਾਏ ॥੨॥

اما ای نانک، تنها شخصی که عاشقانه پرستش خدا را انجام می دهد و فروتن باقی می ماند، به رهایی می رسد.

ਪਉੜੀ ॥

پوری 13

ਸਤਿਗੁਰ ਵਿਟਹੁ ਵਾਰਿਆ ਜਿਤੁ ਮਿਲਿਐ ਖਸਮੁ ਸਮਾਲਿਆ ॥

من زندگی خود را وقف گورو واقعی می کنم. آمده ام تا با ملاقات با آنها، خدا را گرامی بدارم.

ਜਿਨਿ ਕਰਿ ਉਪਦੇਸੁ ਗਿਆਨ ਅੰਜਨੁ ਦੀਆ ਇਨ੍ਹਹੀ ਨੇਤ੍ਰੀ ਜਗਤੁ ਨਿਹਾਲਿਆ ॥

تعالیم آنها در نظر من مانند مرهمی از دانش الهی بود، که به موجب آن حقیقت جهان را می بینم.

ਖਸਮੁ ਛੇਡਿ ਦੂਜੈ ਲਗੇ ਡੁਬੇ ਸੇ ਵਣਜਾਰਿਆ ॥

کسانی که ارباب و صاحب واقعی خود (خدا) را رها کرده و خود را به چیزهای دیگر وصل می کنند، در اقیانوس دنیای رذایل غرق می شوند.

ਸਤਿਗੁਰੂ ਹੈ ਬੇਹਿਥਾ ਵਿਰਲੈ ਕਿਨੈ ਵੀਚਾਰਿਆ ॥

فقط تعداد کمی از مردم می دانند که گورو واقعی مانندیک کشتی است (برای اینکه ما را از اقیانوس رذایل دنیوی عبور دهد).

ਕਰਿ ਕਿਰਪਾ ਪਾਰਿ ਉਤਾਰਿਆ ॥੧੩॥

با اعطای لطف خود، او به من کمک کرده است که از اقیانوس دنیایی رذایل عبور کنم

ਸਲੋਕੁ ਮਃ ੧ ॥

سالوک، اولین گورو

ਸਿੰਮਲ ਰੁਖੁ ਸਰਾਇਰਾ ਅਤਿ ਦੀਰਘ ਅਤਿ ਮੁਚੁ ॥

درخت سیمال مانندیک تیر مستقیم است. بسیار بلند و پهن است

ਓਇ ਜਿ ਆਵਹਿ ਆਸ ਕਰਿ ਜਾਹਿ ਨਿਰਾਸੇ ਕਿਤੁ ॥

اما پرندگانی که می آیند و به امید خوردن میوه آن روی آن می نشینند، چرا ناامید می شوند؟

ਫਲ ਫਿਕੇ ਫੁਲ ਬਕਬਕੇ ਕੰਮਿ ਨ ਆਵਹਿ ਪਤ ॥

زیرا، میوه های آن بی مزه، گلهما حالت تهوع آور، و برگهائی فایده است

ਮਿਠਤੁ ਨੀਵੀ ਨਾਨਕਾ ਗੁਣ ਚੰਗਿਆਈਆ ਤਤੁ ॥

(به طور مشابه بدون شیرینی و فروتنی، همه نمایش های عظمت هیچ فایده ای ندارند). ای نانک، کیفیت شیرینی همراه با فروتنی جوهر همه فضایل است.

ਸਭੁ ਕੇ ਨਿਵੈ ਆਪ ਕਉ ਪਰ ਕਉ ਨਿਵੈ ਨ ਕੋਇ ॥

همه به خاطر شخص خود خم می شوند و نه به خاطر دیگران.

ਧਰਿ ਤਾਰਾਜੂ ਤੇਲੀਐ ਨਿਵੈ ਸੁ ਗਉਰਾ ਹੋਇ ॥

باید توجه داشته باشیم که وقتی چیزی در مقیاس توزین قرار می گیرد، ضلع کمتری سنگین تر به نظر می رسد (به همین ترتیب، کسی که فروتنی نشان می دهد پر از فضیلت شناخته می شود).

ਅਪਰਾਧੀ ਦੁਣਾ ਨਿਵੈ ਜੇ ਹੰਤਾ ਮਿਰਗਾਹਿ ॥

یک گناهکار، مانند شکارچی گوزن، به خاطر هدف خود خواهانه خود، دو برابر بیشتر خم می شود.

ਸੀਸਿ ਨਿਵਾਇਐ ਕਿਆ ਥੀਐ ਜਾ ਰਿਦੈ ਕੁਸੁਧੇ ਜਾਹਿ ॥੧॥

.. اما اگر قلب پر از دروغ و فریب شود، به چه چیزی می توان با پایین انداختن سر به پایین دست یافت

ਮ: ੧ ॥

سالوک، اولین گورو

ਪੜ੍ਹਿ ਪੁਸਤਕ ਸੰਧਿਆ ਬਾਦੰ ॥

یک دزدبان کتابهای مقدس را می خواند و نمازهای روزانه می خواند، و سپس با دیگران درگیر می شود.

ਸਿਲ ਪੂਜਸਿ ਬਗੁਲ ਸਮਾਧੰ ॥

او بت ها را می پرستد و سپس مانند لك لك می نشیند، و انمود می کند در صمدی است (مراقبه)

ਮੁਖਿ ਝੂਠ ਬਿਭੂਖਣ ਸਾਰੰ ॥

او دروغ می گوید، و دروغ های خود را مانند تزئینات زیبا تزئین می کند،

ਤ੍ਰੈਪਾਲ ਤਿਹਾਲ ਬਿਚਾਰੰ ॥

را سه بار در روز تلاوت می کند Gayatri او سه باریکه

ਗਲਿ ਮਾਲਾ ਤਿਲਕੁ ਲਿਲਾਟੰ ॥

دور گردن او تسبیحی است و برپیشانی او علامت مقدس تیلک است.

ਦੁਇ ਧੋਤੀ ਬਸਤ੍ਰ ਕਪਾਟੰ ॥

او همیشه دو پارچه رانگه می دارد و هنگام نماز عمامه ای بر سر دارد.

ਜੇ ਜਾਣਸਿ ਬ੍ਰਹਮੰ ਕਰਮੰ ॥

اما اگر او کارهای الهی ستایش خدا را می دانست،

ਸਭਿ ਫੇਕਟ ਨਿਸਚਉ ਕਰਮੰ ॥

پس مطمئناً متوجہ خواہد شد کہ ہمہ این اعتقادات و آیین ہابی فایدہ است

ਸਿਲ ਪੂਜਸਿ ਬਗੁਲ ਸਮਾਧੰ ॥

اوبت ہا رامی پرستد و سپس مانند لک لک می نشیند، و انمود می کند در صمدی است (مراقبہ)

ਮੁਖਿ ਝੂਠ ਬਿਭੂਖਣ ਸਾਰੰ ॥

اودروغ می گوید، و دروغ های خود را مانند تزئینات زیبا تزئین می کند،

ਤ੍ਰੈਪਾਲ ਤਿਹਾਲ ਬਿਚਾਰੰ ॥

را سه بار در روز تلاوت می کند Gayatri او سه باریکه

ਗਲਿ ਮਾਲਾ ਤਿਲਕੁ ਲਿਲਾਟੰ ॥

دور گردن او تسبیحی است و برپیشانی او علامت مقدس تیلک است

ਦੁਇ ਧੋਤੀ ਬਸਤ੍ਰ ਕਪਾਟੰ ॥

او همیشه دو پارچه رانگه می دارد و هنگام نماز عمامه ای بر سر دارد

ਜੇ ਜਾਣਸਿ ਬ੍ਰਹਮੰ ਕਰਮੰ ॥

اما اگر او کارهای الهی ستایش خدا را می دانست،

ਸਭਿ ਫੇਕਟ ਨਿਸਚਉ ਕਰਮੰ ॥

پس مطمئناً متوجہ خواہد شد کہ ہمہ این اعتقادات و آیین ہابی فایدہ است

ਕਹੁ ਨਾਨਕ ਨਿਹਚਉ ਧਿਆਵੈ ॥

نانک می گوید، باید با ایمان کامل در خدا مراقبہ کرد

ਵਿਣੁ ਸਤਿਗੁਰ ਵਾਟ ਨ ਪਾਵੈ ॥੨॥

اما این راه (مراقبہ با خدا با ایمان کامل) را نمی توان بدون پیروی از تعالیم گورو واقعی یافت

ਪਉੜੀ ॥

پوری 14

ਕਪੜੁ ਰੂਪੁ ਸੁਹਾਵਣਾ ਛਡਿ ਦੁਨੀਆ ਅੰਦਰਿ ਜਾਵਣਾ ॥

یکی از این دنیا خارج می شود و بدن زیبا را اینجا می گذارد

ਮੰਦਾ ਚੰਗਾ ਆਪਣਾ ਆਪੇ ਹੀ ਕੀਤਾ ਪਾਵਣਾ ॥

او عواقب اعمال خوب و بد خود را متحمل خواہد شد

ਹੁਕਮ ਕੀਏ ਮਨਿ ਭਾਵਦੇ ਰਾਹਿ ਭੀੜੈ ਅਗੈ ਜਾਵਣਾ ॥

شخصی که زندگی خود را مطابق هوی و هوس خود سپری کرده است (بدون توجه به اینکه چه رنجی را برای دیگران به وجود آورده است) مجبور به تحمل شکنجه های شدیدی می شود، گویا پس از آن در یک مسیر باریک فشرده می شود.

ਨੰਗਾ ਦੇਜਕਿ ਚਾਲਿਆ ਤਾ ਦਿਸੈ ਖਰਾ ਡਰਾਵਣਾ ॥

وقتی اعمال گناه او آشکار می شود، او انگار در جهنم رنج می برد. او در حالی که رنج می برد بسیار زنده به نظر می رسد.

ਕਰਿ ਅਉਗਣ ਪਛੇਤਾਵਣਾ ॥੧੪॥

. سپس، از گناهانی که مرتکب شده پشیمان می شود

ਸਲੋਕੁ ਮਃ ੧ ॥

سالوک، اولین گورو

ਦਇਆ ਕਪਾਹ ਸੰਤੋਖੁ ਸੂਤੁ ਜਤੁ ਗੰਢੀ ਸਤੁ ਵਟੁ ॥

ای پانیت (صاحب نظر)، یک ژانائو (رشته مقدس) که از روی دلسوزی به جای پنبه، با استفاده از تارهای قناعت، گره های تجرد و پیچش های با اخلاق بالا ساخته می شود،

ਏਹੁ ਜਨੇਊ ਜੀਅ ਕਾ ਹਈ ਤ ਪਾਡੇ ਘਤੁ ॥

رشته مقدس واقعی است که برای روح مفید است. اگر آن را داری، پس آن را دور گردن من بگذا

ਨਾ ਏਹੁ ਤੁਟੈ ਨ ਮਲੁ ਲਗੈ ਨਾ ਏਹੁ ਜਲੈ ਨ ਜਾਇ ॥

زیرا چنین ژانائو (نخ مقدس) نه می شکند، نه کثیف می شود و نه می سوزد و هرگز گم نمی شود

ਧੰਨੁ ਸੁ ਮਾਣਸ ਨਾਨਕਾ ਜੋ ਗਲਿ ਚਲੇ ਪਾਇ ॥

نخ مقدس از این دنیا می رود ای نانک، خوشا به حال آن شخصی که با چنین ژانائو

ਚਉਕੜਿ ਮੁਲਿ ਅਣਾਇਆ ਬਹਿ ਚਉਕੈ ਪਾਇਆ ॥

ای پاندیت، شما این نخ را به قیمت چهارپنی می خرید و در آشپزخانه میزبان نشسته اید، آن را دور گردن او
می گذارید

ਸਿਖਾ ਕੰਨਿ ਚੜਾਈਆ ਗੁਰੁ ਬ੍ਰਾਹਮਣੁ ਥਿਆ ॥

سپس در گوش او زمزمه می کنی که از این پس او، برهمن، گورووی شده است

ਓਹੁ ਮੁਆ ਓਹੁ ਝੜਿ ਪਇਆ ਵੇਤਗਾ ਗਇਆ ॥੧॥

اما وقتی مردمی میرد، نخ مقدس می سوزد، و شخص بدون نخ به دادگاه خدای رود

ਮ: ੧ ॥

سالوک، اولین گورو

ਲਖ ਚੇਰੀਆ ਲਖ ਜਾਰੀਆ ਲਖ ਕੂੜੀਆ ਲਖ ਗਾਲਿ ॥

انسانها هزاران سرقت، هزاران عمل زنا، هزاران دروغ و هزاران سوءاستفاده لفظی انجام می دهند

ਲਖ ਠਗੀਆ ਪਹਿਨਾਮੀਆ ਰਾਤਿ ਦਿਨਸੁ ਜੀਅ ਨਾਲਿ ॥

آنها شب و روز هزاران فریب و عمل شیطانی را علیه هم نوعان خود انجام می دهند

ਤਗੁ ਕਪਾਹਹੁ ਕਤੀਐ ਬਾਮ੍ਹਰਣੁ ਵਟੇਆਇ ॥

با این حال، هنگامی که یک برهنه به خانه آمد، او مقداری نخ ریشی از پنبه را پیچاند

ਬੁਹਿ ਬਕਰਾ ਰਿੰਨ੍ਹਿਹ ਖਾਇਆ ਸਭੁ ਕੇਆਖੈ ਪਾਇ ॥

سپس یک بز کشته، پخته و خورده می شود؛ همه می گویند، نخ مقدس پوشیده شده است

ਹੋਇ ਪੁਰਾਣਾ ਸੁਟੀਐ ਭੀ ਫਿਰਿ ਪਾਈਐ ਹੋਰੁ ॥

وقتی این نخ فرسوده شد، دور ریخته می شود و رشته دیگری را در جای خود قرار دهید

ਨਾਨਕ ਤਗੁ ਨ ਤੁਟਈ ਜੇ ਤਗਿ ਹੋਵੈ ਜੋਰੁ ॥੨॥

ای نانک، اگر این رشته از قدرت معنوی برخوردار باشد (مهربانی، قناعت و خصلت اخلاقی بالا) هرگز نخ می شکند.

ਮ: ੧ ॥

سالوک، اولین گورو

ਨਾਇ ਮੰਨਿਐ ਪਤਿ ਊਪਜੈ ਸਾਲਾਹੀ ਸਚੁ ਸੂਤੁ ॥

مادر داذگاه خدا فقط وقتی نام او را در قلب خود ثبت می کنیم افتخار می کنیم، زیرا آواز خواندن ستایش خدا
رشته مقدس واقعی است.

ਦਰਗਾਹ ਅੰਦਰਿ ਪਾਈਐ ਤਗੁ ਨ ਤੂਟਿ ਸਿ ਪੂਤੁ ॥੩॥

با پوشیدن چنین نخ مقدس، در دربار خدا افتخار دریافت می شود و چنین نخ مقدس (نخ مقدس) هرگز نمی
شکند.

ਮਃ ੧ ॥

سالوک، توسط اولین گورو

ਤਗੁ ਨ ਇੰਦ੍ਰੀ ਤਗੁ ਨ ਨਾਰੀ ॥

خودپانديت هيچ نخ اطراف حواس خود نمی پوشد تا آنها را از شر رذيلت منع کند، هيچ ژانائو (نخ مقدس) برای
زنان وجود ندارد.

ਭਲਕੇ ਥੁਕ ਪਵੈ ਨਿਤ ਦਾੜੀ ॥

برای این، او هر روز تحقیر می شود.

ਤਗੁ ਨ ਪੈਰੀ ਤਗੁ ਨ ਹਥੀ ॥

او هیچ نخ مقدسی برای پاهای خود ندارد تا از رفتن آنها به مکان های بد جلوگیری کند و هیچ نخ مقدس برای دستانش ندارد که آنها را از انجام کارهای شرباز دارد.

ਤਗੁ ਨ ਜਿਹਵਾ ਤਗੁ ਨ ਅਖੀ ॥

او هیچ رشته مقدس برای زبان ندارد تا از تممت جلوگیری کند و هیچ رشته مقدس برای چشم ندارد که بانیست شیطانی از نگاه کردن جلوگیری کند.

ਵੇਤਗਾ ਆਪੇ ਵਤੈ ॥ ਵਟਿ ਧਾਗੇ ਅਵਰਾ ਘਤੈ ॥

اگرچه پاندیت خودش بدون هیچ گونه محدودیت اخلاقی در حال پرسه زدن است، اما او رشته های دیگری را می سازد و می گذارد.

ਲੈ ਭਾੜਿ ਕਰੇ ਵੀਆਹੁ ॥

.او برای انجام ازدواج (از دختران میزبان خود) پول می خواهد

ਕਢਿ ਕਾਗਲੁ ਦਸੇ ਰਾਹੁ ॥

راه را به میزبانان خود می گوید (روز فرخنده (می نامد Almanac که او آن را) و بیرون آوردن یک کاغذ،
(ازدواج)

ਸੁਣਿ ਵੇਖਹੁ ਲੋਕਾ ਏਹੁ ਵਿਡਾਣੁ ॥

ای مردم، به این نمایش شگفت انگیز نگاه کنید و گوش دهید،

ਮਨਿ ਅੰਧਾ ਨਾਉ ਸੁਜਾਣੁ ॥੪॥

کہ، گرچه او (پاندیت) از نظر روحی کور است (از نظر معنوی نادان است)، اما او را خردمند می نامند

ਪਉੜੀ ॥

پوری 15

ਸਾਹਿਬੁ ਹੋਇ ਦਇਆਲੁ ਕਿਰਪਾ ਕਰੇ ਤਾ ਸਾਈ ਕਾਰ ਕਰਾਇਸੀ ॥

وقتی خدا بخشنده می شود و به کسی رحم می کند، او را وادار می کند فقط کارهایی را انجام دهد که مورد پسند او قرار گیرند.

ਸੇ ਸੇਵਕੁ ਸੇਵਾ ਕਰੇ ਜਿਸ ਨੇ ਹੁਕਮੁ ਮਨਾਇਸੀ ॥

فقط آن بنده (فداکار) واقعاً به کسی خدمت می کند که او را وادار به اطاعت از فرمان خود کند.

ਹੁਕਮਿ ਮੰਨਿਐ ਹੋਵੈ ਪਰਵਾਣੁ ਤਾ ਖਸਮੈ ਕਾ ਮਹਲੁ ਪਾਇਸੀ ॥

با اطاعت از فرمان او، در دادگاه خدا قابل قبول می شود و متوجه خدای بزرگ می شود.

ਖਸਮੈ ਭਾਵੈ ਸੋ ਕਰੇ ਮਨਹੁ ਚਿੰਦਿਆ ਸੇ ਫਲੁ ਪਾਇਸੀ ॥

وقتی فداکار آنچه را که اربابش بدان راضی خشنود است انجام دهد، پس ثمرات خواسته های ذهن خود را دریافت می کند.

ਤਾ ਦਰਗਹ ਪੈਧਾ ਜਾਇਸੀ ॥੧੫॥

.سپس، او با افتخار به دادگاه خدا می رود.

ਸਲੋਕ ਮ: ੧ ॥

سالوک، اولین گورو

ਗਉ ਬਿਰਾਹਮਣ ਕਉ ਕਰੁ ਲਾਵਹੁ ਗੋਬਰਿ ਤਰਣੁ ਨ ਜਾਈ ॥

ای پاندیت، گاو و برهمن توسط شما مقدس شناخته می شوند، هنوز هم برای آنها مالیات می گیرید. به یاد داشته باشید که گذاشتن کود گاو در کف آشپزخانه به شما کمک نمی کند از اقیانوس جهانی رذایل عبور کنید.

ਧੋਤੀ ਟਿਕਾ ਤੈ ਜਪਮਾਲੀ ਧਾਨੁ ਮਲੇਛਾਂ ਖਾਈ ॥

شما پارچه کمر می پوشید، علامت روی پیشانی می زنید، و تسبیحات را حمل می کنید، اما امرار معاش خود را از مسلمانانی دریافت می کنید که آنها را ملخ (نجس ها) می نامید.

ਅੰਤਰਿ ਪੂਜਾ ਪੜਹਿ ਕਤੇਬਾ ਸੰਜਮੁ ਤੁਰਕਾ ਭਾਈ ॥

شما عبادت بتیابی را که در داخل خود پنهان شده اند انجام می دهید، اما در خارج کتب اسلامی مانند قرآن را می خوانید تا حاکمان مسلمان را تحت تأثیر قرار دهید و سبک زندگی مسلمانان را دوست دارید.

ਛੇਡੀਲੇ ਪਾਖੰਡਾ ॥

از نفاق خود صرف نظر کنید،

ਨਾਮਿ ਲਇਐ ਜਾਹਿ ਤਰੰਦਾ ॥੧॥

زیرا فقط بایاد خدا است که می توانید در اقیانوس دنیایی رذایل شنا کنید (رذایل را پشت سر بگذارید).

ਮਃ ੧ ॥

:سالوک، اولین گورو

ਮਾਣਸ ਖਾਣੇ ਕਰਹਿ ਨਿਵਾਜ ॥

حاکمان فاسد مسلمان نمازهای روزانه خود را می خوانند، اما به رعایای خود ظلم می کنند.

ਛੁਰੀ ਵਗਾਇਨਿ ਤਿਨ ਗਲਿ ਤਾਗ ॥

کارمندان هندو آنها با نخل مقدس گردن خود، فقر را را شکنجه می کنند.

ਤਿਨ ਘਰਿ ਬ੍ਰਹਮਣ ਪੂਰਹਿ ਨਾਦ ॥

در خانه های آن کارمندان مستبد هندو، بر همنی ها برای دریافت پاداش صدای شاخ (صدف حلزونی) را
صدای می کنند.

ਉਨ੍ਹ੍ਹਾ ਭਿਆਵਹਿ ਓਈ ਸਾਦ ॥

بر همنی ها نیز از طعم ثروت بد خودشان لذت می برند.

ਕੂੜੀ ਰਾਸਿ ਕੂੜਾ ਵਾਪਾਰੁ ॥

دروغ سرمایه آنهاست و تجارت آنها نادرست است (تمام فعالیت های آنها مبتنی بر کذب و دروغ است).

ਕੂੜੁ ਬੇਲਿ ਕਰਹਿ ਆਹਾਰੁ ॥

آنها با دروغ گفتن امرار معاش می کنند.

ਸਰਮ ਧਰਮ ਕਾ ਡੇਰਾ ਦੂਰਿ ॥

آنها هیچ احساس شرم ندارند و هیچ عمل صالحی انجام نمی دهند.

ਨਾਨਕ ਕੂੜੁ ਰਹਿ ਆਭਰਪੂਰਿ ॥

ای نانک، دروغ در تمام اطراف حاکم است.

ਮਥੈ ਟਿਕਾ ਤੇੜਿ ਧੋਤੀ ਕਖਾਈ ॥

با نشانه های مقدس برپیشانی، و پارچه کمر زعفرانی رنگی به دور کمر آنها (از بیرون قد است را ادا کنید).

ਹਥਿ ਛੁਰੀ ਜਗਤ ਕਾਸਾਈ ॥

। اما در زندگی واقعی، فقر را شکنجه می دهند، گویی قصابی هستند که چاقو به دست دارند

ਨੀਲ ਵਸਤ੍ਰ ਪਹਿਰਿ ਹੋਵਹਿ ਪਰਵਾਣੁ ॥

۔ آنها با پوشیدن روپوش آبی، به دنبال تأیید حاکمان مسلمان خود هستند

ਮਲੇਛ ਧਾਨੁ ਲੇ ਪੂਜਹਿ ਪੁਰਾਣੁ ॥

آنها امرار معاش خود را از حاکمان مسلمان که آنها را مالچ (نجس ها) می نامند دریافت می کنند و پوراناها را می پرستند

ਅਭਾਖਿਆ ਕਾ ਕੁਠਾ ਬਕਰਾ ਖਾਣਾ ॥

۔ آنها گوشت بزها را می خورند که پس از خواندن نماز مسلمانان (کلمه) کشته می شوند

ਚਉਕੇ ਉਪਰਿ ਕਿਸੈ ਨ ਜਾਣਾ ॥

۔ و با این حال آنها می خواهند که هیچ کس دیگری نباید وارد آشپزخانه آنها شود

ਦੇ ਕੈ ਚਉਕਾ ਕਢੀ ਕਾਰ ॥

۔ آنها پس از گچکاری کف آشپزخانه با کود گاو، دور آن را خط مرزی می کشند

ਉਪਰਿ ਆਇ ਬੈਠੇ ਕੂੜਿਆਰ ॥

۔ سپس صاحب منافقان می آیند و در طبقه آشپزخانه می نشینند

ਮਤੁ ਭਿਟੈ ਵੇ ਮਤੁ ਭਿਟੈ ॥ ਇਹੁ ਅੰਨੁ ਅਸਾਡਾ ਫਿਟੈ ॥

آنها به دیگران می گویند، به آشپزخانه مانزدیک نشوید، مبادا غذای مانجس شود (برای خوردن غذا مناسب نیست).

ਤਨਿ ਫਿਟੈ ਫੇੜ ਕਰੇਨਿ ॥

امادر واقعیت، این افراد با بدن آلوده خود به اعمال فاسدانه روی می آورند و مرتکب کارهای شرور می شوند.

ਮਨਿ ਜੂਠੈ ਚੁਲੀ ਭਰੇਨਿ ॥

ذهن آنها کثیف از رذایل است، امادر ظاهر آنها دهان خود را با شستشو تمیز می کنند، تا ادعای قد است کنند.

ਕਹੁ ਨਾਨਕ ਸਚੁ ਧਿਆਈਐ ॥

نانک می گوید، برای خلوص واقعی، ما باید در مورد خدای جاودان مراقبه کنیم (با انجام آن فرد از ذهن و بدن پاک می شود).

ਸੁਚਿ ਹੋਵੈ ਤਾ ਸਚੁ ਪਾਈਐ ॥੨॥

خدا فقط وقتی پاک است که ذهن ما پاک باشد (نه با کف پوش کردن با کف گاو و انجام کارهای فاسد).

ਪਉੜੀ ॥

پوری 16

ਚਿਤੈ ਅੰਦਰਿ ਸਭੁ ਕੇ ਵੇਖਿ ਨਦਰੀ ਹੇਠਿ ਚਲਾਇਦਾ ॥

خداوند همه را در ذهن خود نگه می دارد و باعث می شود همه طبق لطف او عمل کنند.

ਆਪੇ ਦੇ ਵਡਿਆਈਆ ਆਪੇ ਹੀ ਕਰਮ ਕਰਾਇਦਾ ॥

او خود افتخاراتی را اعطا می کند و خودش آنها را به انجام کارهای مختلف وامی دارد.

ਵਡਹੁ ਵਡਾ ਵਡ ਮੇਦਨੀ ਸਿਰੇ ਸਿਰਿ ਧੰਧੈ ਲਾਇਦਾ ॥

او بزرگترین بزرگان است؛ بزرگ آفرینش اوست. همه را به وظایف خود سفارش می کند.

ਨਦਰਿ ਉਪਠੀ ਜੇ ਕਰੇ ਸੁਲਤਾਨਾ ਘਾਹੁ ਕਰਾਇਦਾ ॥

اگر او لطف خود را پس بگیرد، پس می تواند حتی پادشاهان را مانند علف چمنان بی پول کند.

ਦਰਿ ਮੰਗਨਿ ਭਿਖ ਨ ਪਾਇਦਾ ॥ ੧੬ ॥

هیچ کس به آنها صدقه نمی دهد حتی وقتی که از در به در دیگر گدایی می کنند.

ਸਲੋਕੁ ਮਃ ੧ ॥

سالوک، اولین گورو:

ਜੇ ਮੋਹਾਕਾ ਘਰੁ ਮੁਹੈ ਘਰੁ ਮੁਹਿ ਪਿਤਰੀ ਦੇਇ ॥

اگر دزد خانه ای را زد و کالای دزدیده شده را با این باور که این اجناس به اجداد مرده اش تحویل داده شود، اهدا کند،

ਅਗੈ ਵਸਤੁ ਸਿਵਾਈਐ ਪਿਤਰੀ ਚੇਰ ਕਰੇਇ ॥

در جهان آخرت، این کالاهای دزدیده شده به رسمیت شناخته می شوند. به این ترتیب او اجداد خود را نیز دزد می کند.

ਵਢੀਅਹਿ ਹਥ ਦਲਾਲ ਕੇ ਮੁਸਫੀ ਏਹ ਕਰੇਇ ॥

دستهای دلال (برهممن) قطع شده است. این عدالت قاضی صالح است.

ਨਾਨਕ ਅਗੈ ਸੇ ਮਿਲੈ ਜਿ ਖਟੇ ਘਾਲੇ ਦੇਇ ॥੧॥

ای نانک، در جهان آخرت، شخص فقط آنچه را که بدست آورده و با نیازمندان تقسیم می کند، دریافت می کند.

ਮ: ੧ ॥

سالوک، اولین گورو:

ਜਿਉ ਜੇਰੂ ਸਿਰਨਾਵਣੀ ਆਵੈ ਵਾਰੇ ਵਾਰ ॥

هنگامی که یک زن ماه به ماه پریودی شود، (مردم به اشتباه او را نجس می دانند)،

ਜੂਠੇ ਜੂਠਾ ਮੁਖਿ ਵਸੈ ਨਿਤ ਨਿਤ ਹੋਇ ਖੁਆਰੁ ॥

نجس واقعی کسانی هستند که همیشه دروغ می گویند و دروغ در دهان شان مسلط می ماند. آنها هر روز در پریشانی رنج می برند.

ਸੂਚੇ ਏਹਿ ਨ ਆਖੀਅਹਿ ਬਹਨਿ ਜਿ ਪਿੰਡਾ ਧੋਇ ॥

به کسانی که فکر می کنند فقط با شستن بدن پاک شده اند، پاک نمی گویند

ਸੂਚੇ ਸੇਈ ਨਾਨਕਾ ਜਿਨ ਮਨਿ ਵਸਿਆ ਸੇਇ ॥ ੨ ॥

ای نانک، به راستی پاکان کسانی هستند که خدا در ذهنشان جای دارد

ਪਉੜੀ ॥

پوری 17

ਤੁਰੇ ਪਲਾਣੇ ਪਉਣ ਵੇਗ ਹਰ ਰੰਗੀ ਹਰਮ ਸਵਾਰਿਆ ॥

(کسانی که بسیار ثروتمند هستند) اسبهای زین شده دارند، به سرعت بادی دوند و حرمسراهای خود را به رنگهای مختلف تزئین کرده اند

ਕੋਠੇ ਮੰਡਪ ਮਾੜੀਆ ਲਾਇ ਬੈਠੇ ਕਰਿ ਪਾਸਾਰਿਆ ॥

کسانی که با افتخار در قصرهای بلند و کاخ های خود زندگی می کنند،

ਚੀਜ ਕਰਨਿ ਮਨਿ ਭਾਵਦੇ ਹਰਿ ਬੁਝਨਿ ਨਾਹੀ ਹਾਰਿਆ ॥

کسانی که به لذت بردن از رضایت قلب خود پیردازند اما به خدا فکر نمی کنند، هدف زندگی خود را از دست می دهند

ਕਰਿ ਫੁਰਮਾਇਸਿ ਖਾਇਆ ਵੇਖਿ ਮਹਲਤਿ ਮਰਣੁ ਵਿਸਾਰਿਆ ॥

کسانی که غذاهای خوشمزه دلخواه خود را می خورند و با سفارش به افراد بیچاره درمانده تهیه می شوند. آنها با تماشای
عمارت های بلند شان مرگ را فراموش می کنند.

ਜਰੁ ਆਈ ਜੇਬਨਿ ਹਾਰਿਆ ॥੧੭॥

(علی رغم همه آن ثروت ها)، وقتی کمولت سن می رسند، آنها نشاط جوانی را از دست می دهند (و در نهایت
با ترک تمام ثروت های می میرند).

ਸਲੋਕੁ ਮਃ ੧ ॥

سالوک، اولین گورو:

ਜੇ ਕਰਿ ਸੂਤਕੁ ਮੰਨੀਐ ਸਭ ਤੈ ਸੂਤਕੁ ਹੋਇ ॥

اگر کسی به مفهوم ناخالصی (در زمان تولد و مرگ) ایمان داشته باشد، ناپاکی در همه جا وجود دارد.

ਗੋਹੇ ਅਤੈ ਲਕੜੀ ਅੰਦਰਿ ਕੀੜਾ ਹੋਇ ॥

حتی در کودهای گاو و چوب نیز کرم هایی وجود دارد (جایی که آنها متولد می شوند و می میرند).

ਜੇਤੇ ਦਾਣੇ ਅੰਨ ਕੇ ਜੀਆ ਬਾਝੁ ਨ ਕੋਇ ॥

همانطور که بسیاری از آنها دانه های غذایی هستند، هیچ یک از آنها بدون حیات نیست.

ਪਹਿਲਾ ਪਾਣੀ ਜੀਉ ਹੈ ਜਿਤੁ ਹਰਿਆ ਸਭੁ ਕੋਇ ॥

اول، زندگی در آب وجود دارد، که توسط آن همه چیز سبز می شود (سرشار از حیات)

ਸੂਤਕੁ ਕਿਉ ਕਰਿ ਰਖੀਐ ਸੂਤਕੁ ਪਵੈ ਰਸੋਇ ॥

چگونه می توانیم از خود در برابر این نجاست محافظت کنیم، این نجاست حتی در آشپزخانه ما وجود دارد؟

ਨਾਨਕ ਸੂਤਕੁ ਏਵ ਨ ਉਤਰੈ ਗਿਆਨੁ ਉਤਾਰੇ ਧੋਇ ॥੧॥

ای نانک، با این باورهای غلط نمی توان این ناپاکی را از بین برد. فقط با خرد معنوی شسته می شود

ਮਃ ੧ ॥

سالوک، اولین گورو

ਜੇ ਕਰਿ ਸੂਤਕੁ ਮੰਨੀਐ ਸਭ ਤੈ ਸੂਤਕੁ ਹੋਇ ॥

اگر کسی به مفهوم ناخالصی (در زمان تولد و مرگ) ایمان داشته باشد، ناپاکی در همه جا وجود دارد

ਗੋਹੇ ਅਤੈ ਲਕੜੀ ਅੰਦਰਿ ਕੀੜਾ ਹੋਇ ॥

حتی در کودهای گاو و چوب نیز کرم هایی وجود دارد (جایی که آنها متولد می شوند و می میرند)

ਜੇਤੇ ਦਾਣੇ ਅੰਨ ਕੇ ਜੀਆ ਬਾਝੁ ਨ ਕੋਇ ॥

همانطور که بسیاری از آنها دانه های غذایی هستند، هیچ یک از آنها بدون حیات نیست

ਪਹਿਲਾ ਪਾਣੀ ਜੀਉ ਹੈ ਜਿਤੁ ਹਰਿਆ ਸਭੁ ਕੋਇ ॥

اول، زندگی در آب وجود دارد، که توسط آن همه چیز سبز می شود (سرشار از حیات)

ਸੂਤਕੁ ਕਿਉ ਕਰਿ ਰਖੀਐ ਸੂਤਕੁ ਪਵੈ ਰਸੋਇ ॥

چگونه می توانیم از خود در برابر این نجاست محافظت کنیم، این نجاست حتی در آشپزخانه ما وجود دارد؟

ਨਾਨਕ ਸੂਤਕੁ ਏਵ ਨ ਉਤਰੈ ਗਿਆਨੁ ਉਤਾਰੇ ਧੋਇ ॥੧॥

ای نانک، با این باورهای غلط نمی توان این ناپاکی را از بین برد. فقط با خرد معنوی شسته می شود

ਮਃ ੧ ॥

سالوک، اولین گورو

ਮਨ ਕਾ ਸੂਤਕੁ ਲੇਭੁ ਹੈ ਜਿਹਵਾ ਸੂਤਕੁ ਕੂੜੁ ॥

در واقع نجاست ذهن طمع است و نجاست زبان باطل است

ਅਖੀ ਸੂਤਕੁ ਵੇਖਣਾ ਪਰ ਤ੍ਰਿਅ ਪਰ ਧਨ ਰੂਪੁ ॥

ناپاکی چشم این است که بانیت شیطانی به زیبایی زن و ثروت شخص دیگری نگاه کنید

ਕੰਨੀ ਸੂਤਕੁ ਕੰਨਿ ਪੈ ਲਾਇਤ ਬਾਰੀ ਖਾਹਿ ॥

ناپاکی گوش ها گوش دادن به تهمت دیگران است

ਨਾਨਕ ਹੰਸਾ ਆਦਮੀ ਬਧੇ ਜਮ ਪੁਰਿ ਜਾਹਿ ॥੨॥

ای، نانک، حتی از نظر ظاهری زیبا، قوها نیز مانند مردم (که از این ناخالصی ها دور نمی مانند) بسته و به جهنم برده می شود.

ਮਃ ੧ ॥

سالوک، اولین گورو:

ਸਭੇ ਸੂਤਕੁ ਭਰਮੁ ਹੈ ਦੂਜੈ ਲਗੈ ਜਾਇ ॥

تمام ناخالصی هایی که اعتقاد کاذب است، از شک و دلبستگی به دوگانگی (ثروت و قدرت دنیوی) ناشی می شود.

ਜੰਮਣੁ ਮਰਣਾ ਹੁਕਮੁ ਹੈ ਭਾਵੈ ਆਵੈ ਜਾਇ ॥

تولد و مرگ ناخالصی نیست، اینها به دستور اوست. از طریق اراده خدا به این دنیا می آئیم و از اینجا می رویم.

ਖਾਣਾ ਪੀਣਾ ਪਵਿਤ੍ਰੁ ਹੈ ਦਿਤੇਨੁ ਰਿਜਕੁ ਸੰਬਾਹਿ ॥

خوردن و آشامیدن نیز خالص است، این ناخالصی نیست زیرا خدا خودش به همه رزق می دهد.

ਨਾਨਕ ਜਿਨ੍ਹਹੀ ਗੁਰਮੁਖਿ ਬੁਝਿਆ ਤਿਨ੍ਹਹਾ ਸੂਤਕੁ ਨਾਹਿ ॥੩॥

ای نانک، کسانی که با تعالیم گورو، این باورهای غلط را درک کرده اند، برای آنها هیچ ناپاکی وجود ندارد.

ਪਉੜੀ ॥

ਪੂਰੀ: 18

ਸਤਿਗੁਰੁ ਵਡਾ ਕਰਿ ਸਾਲਾਹੀਐ ਜਿਸੁ ਵਿਚਿ ਵਡੀਆ ਵਡਿਆਈਆ ॥

ما باید گورو واقعی را ستایش کنیم که او را بزرگترین می داند. بزرگترین فضایل در درون آنهاست

ਸਹਿ ਮੇਲੇ ਤਾ ਨਦਰੀ ਆਈਆ ॥

وقتی خداوند ما را به خود پیوند می دهد، این فضایل را در گورو می بینیم

ਜਾ ਤਿਸੁ ਭਾਣਾ ਤਾ ਮਨਿ ਵਸਾਈਆ ॥

هنگامی که او را خشنود می کند، این فضایل در ذهن ما جای می گیرد

ਕਰਿ ਹੁਕਮੁ ਮਸਤਕਿ ਹਬੁ ਧਰਿ ਵਿਚਹੁ ਮਾਰਿ ਕਢੀਆ ਬੁਰਿਆਈਆ ॥

با اراده خود، گورو مهربان می شود و همه رذایل را از ذهن ما پاک می کند

ਸਹਿ ਤੁਠੈ ਨਉ ਨਿਧਿ ਪਾਈਆ ॥੧੮॥

وقتی خدا کاملاً راضی باشد، انسان از نظر معنوی ثروتمند می شود، گویی همه نه گنجینه دنیا به دست می آید

ਸਲੋਕੁ ਮਃ ੧

:سالوک، اولین گورو

ਪਹਿਲਾ ਸੁਚਾ ਆਪਿ ਹੋਇ ਸੁਚੈ ਬੈਠਾ ਆਇ ॥

شدن، (یک برهمنی) می آید و در “پاک” اول از همه، (پس از استتمام کامل و شستن بدن) و بنا بر این
(آشپزخانه میزبان خود) می نشیند “پاک شده (تصفیه شده)”

ਸੁਚੇ ਅਗੈ ਰਖਿਓਨੁ ਕੋਇ ਨ ਭਿਟਿਓ ਜਾਇ ॥

غذای پاکه هیچ کس قبلاً آن را لمس نکرده است، پیش او قرار می گیرد

ਸੁਚਾ ਹੋਇ ਕੈ ਜੇਵਿਆ ਲਗਾ ਪੜਣਿ ਸਲੋਕੁ ॥

شده است، این غذا را می خورد، و شروع به خواندن برخی ازمانترای مقدس می کند “پاک” او که

ਕੁਹਥੀ ਜਾਈ ਸਟਿਆ ਕਿਸੁ ਏਹੁ ਲਗਾ ਦੇਖੁ ॥

به یک مکان ناپاک (معدّه) پرتاب می شود، بنا بر این چه کسی مقصر آلودگی چنین وعده “خالص” این غذای
غذایی خالص را مستحتمل می شود؟

ਅੰਨੁ ਦੇਵਤਾ ਪਾਣੀ ਦੇਵਤਾ ਬੈਸੰਤਰੁ ਦੇਵਤਾ ਲੂਣੁ ਪੰਜਵਾ ਪਾਇਆ ਘਿਰਤੁ ॥ ਤਾ ਹੋਆ ਪਾਕੁ ਪਵਿਤੁ ॥

(طبق اعتقاد خود برهمنی)، دانه مقدس است، آب مقدس است. آتش و نمک مقدس هستند؛ هنگامی که
آماده خوردن در نظر “پاک و مقدس” (کره شفاف) اضافه می شود، سپس غذای ghee پنجمین چیز مقدس،
گرفته می شود.

ਪਾਪੀ ਸਿਉ ਤਨੁ ਗਡਿਆ ਥੁਕਾ ਪਈਆ ਤਿਤੁ ॥

با بدن انسان گناهکار تماس پیدا کند، غذای خالص آنقدر نجس (ضایعات "خالص" وقتی این غذای انسانی) می شود که بدبو می شود و به آن تف می شود

ਜਿਤੁ ਮੁਖਿ ਨਾਮੁ ਨ ਉਚਰਹਿ ਬਿਨੁ ਨਾਵੈ ਰਸ ਖਾਹਿ ॥

به همین ترتیب، دهانی که مردم با آن خدا را یاد نمی آورند و غذای دلپذیر را بدون یاد خدا می خورند

ਨਾਨਕ ਏਵੈ ਜਾਣੀਐ ਤਿਤੁ ਮੁਖਿ ਥੁਕਾ ਪਾਹਿ ॥੧॥

ای نانک، این را بدان که به چنین دهانی (شخص) تف می دهند (در حضور خدا رسوا می شوند)

ਮਃ ੧ ॥

سالوک، اولین گورو

ਭੰਡਿ ਜੰਮੀਐ ਭੰਡਿ ਨਿੰਮੀਐ ਭੰਡਿ ਮੰਗਣੁ ਵੀਆਹੁ ॥

یک مرد در یک زن آبستن شده و از یک زن متولد می شود. با زنی نامزد کرده و ازدواج میکند

ਭੰਡਹੁ ਹੋਵੈ ਦੇਸਤੀ ਭੰਡਹੁ ਚਲੈ ਰਾਹੁ ॥

از طریق زن، روابط دنیایی شکل می گیرد و از طریق زنان، سلسله شخص پیش می رود

ਭੰਡੁ ਮੁਆ ਭੰਡੁ ਭਾਲੀਐ ਭੰਡਿ ਹੋਵੈ ਬੰਧਾਨੁ ॥

وقتی زنش می میرد، به دنبال زن دیگری می گردد. از طریق زن است که با دنیا پیوند می خوریم

ਸੇ ਕਿਉ ਮੰਦਾ ਆਖੀਐ ਜਿਤੁ ਜੰਮਹਿ ਰਾਜਾਨ ॥

چگونه می توانیم آن زن را شیطانی بنامیم که همه پادشاهان (ملکه ها، مقدسین و سایر بزرگان) را به دنیا آورده است.

ਭੰਡਹੁ ਹੀ ਭੰਡੁ ਉਪਜੈ ਭੰਡੈ ਬਾਬੁ ਨ ਕੋਇ ॥

(در حقیقت) از طرف زن است که زن دیگری متولد می شود و هیچ کس بدون زن متولد نمی شود.

ਨਾਨਕ ਭੰਡੈ ਬਾਹਰਾ ਏਕੋ ਸਚਾ ਸੋਇ ॥

ای نانک، این تنها خدای ابدی است که بدون (از رحم زن) زنی در آنجا بوده است.

ਜਿਤੁ ਮੁਖਿ ਸਦਾ ਸਾਲਾਹੀਐ ਭਾਗਾ ਰਤੀ ਚਾਰਿ ॥

بنابر این، آن دهان (شخص) خوش شانس است که با آن ستایش های خدا خوانده می شود.

ਨਾਨਕ ਤੇ ਮੁਖ ਉਜਲੇ ਤਿਤੁ ਸਚੈ ਦਰਬਾਰਿ ॥੨॥

ای نانک، چهره هایشان در بارگاه خدای جاویدان خواهد درخشید (در حضور خدا با افتخار پذیرفته خواهند شد).

ਪਉੜੀ ॥

پوری 19

ਸਭੁ ਕੇ ਆਖੈ ਆਪਣਾ ਜਿਸੁ ਨਾਹੀ ਸੋ ਚੁਣਿ ਕਢੀਐ ॥

همه در این دنیا وابستگی های عاطفی دارند، کسی را که وابستگی ندارد جدا کنید (و به من نشان دهید).

ਕੀਤਾ ਆਪੇ ਆਪਣਾ ਆਪੇ ਹੀ ਲੇਖਾ ਸੰਢੀਐ ॥

(در پایان)، هر کس عواقب اعمال خود را متحمل می شود.

ਜਾ ਰਹਣਾ ਨਾਹੀ ਐਤੁ ਜਗਿ ਤਾ ਕਾਇਤੁ ਗਾਰਬਿ ਹੰਢੀਐ ॥

وقتی (می دانیم که) قرار نیست برای همیشه در این دنیا بمانیم، چرا باید خود را در استکبار نابود کنیم؟

ਮੰਦਾ ਕਿਸੈ ਨ ਆਖੀਐ ਪੜਿ ਅਖਰੁ ਏਹੋ ਬੁਝੀਐ ॥ ਮੂਰਖੈ ਨਾਲਿ ਨ ਲੁਝੀਐ ॥ ੧੯ ॥

پس از خواندن این کلمات (فوق آموزه ها)، باید یاد بگیریم (این درس) که نباید کسی را بد بخوانیم، و نباید بایک
احمق بحث کنیم.

ਸਲੋਕੁ ਮਃ ੧ ॥

:سالوک، اولین گورو

ਨਾਨਕ ਫਿਕੈ ਬੋਲਿਐ ਤਨੁ ਮਨੁ ਫਿਕਾ ਹੋਇ ॥

ای نانک، وقتی شخصی مدام کلمات بی ادبانه ای را به زبان می آورد، ذهن و بدن او هر دو بی ادب می شوند.

ਫਿਕੈ ਫਿਕਾ ਸਦੀਐ ਫਿਕੈ ਫਿਕੀ ਸੋਇ ॥

فردی که بی ادبانه صحبت می کند فردی بی ادب خوانده می شود و شهرت او به بی ادبی تبدیل می شود.

ਫਿਕਾ ਦਰਗਹ ਸਟੀਐ ਮੁਹਿ ਬੁਕਾ ਫਿਕੇ ਪਾਇ ॥

..فردی بی ادب را از صحن خدا بیرون می اندازند، (و چنان رسوا است که انگار) او را به صورتش می اندازند.

ਫਿਕਾ ਮੂਰਖੁ ਆਖੀਐ ਪਾਣਾ ਲਹੈ ਸਜਾਇ ॥੧॥

فردبی ادب را احمق می نامند و او را همه جا تحقیر می کنند

ਮਃ ੧ ॥

سالموک، اولین گورو

ਅੰਦਰਹੁ ਝੂਠੇ ਪੈਜ ਬਾਹਰਿ ਦੁਨੀਆ ਅੰਦਰਿ ਫੈਲੁ ॥

در این دنیا افراد زیادی وجود دارند که از درون کاذب (منافق) هستند، اما از خارج توانسته اند عزت خود را (به عنوان اشخاص مقدس) تثبیت کنند.

ਅਠਸਠਿ ਤੀਰਥ ਜੇ ਨਾਵਹਿ ਉਤਰੈ ਨਾਹੀ ਮੈਲੁ ॥

حتی اگر چنین افراد روغیننی بروند و در (شصت و هشت) مکان مقدس (به اصطلاح) آنها دستشویی کنند، هنوز آلودگی های شرارت از ذهن آنها پاک نمی شود.

ਜਿਨ੍ਹੁ ਪਟੁ ਅੰਦਰਿ ਬਾਹਰਿ ਗੁਦੜੁ ਤੇ ਭਲੇ ਸੰਸਾਰਿ ॥

(از طرفی) کسانی که قلبشان مانند ابریشم نرم است (دلسوز و مهربان هستند) اما ممکن است از بیرون خشن (بی ادب) به نظر برسند، افراد فاضل این جهان هستند.

ਤਿਨ੍ਹੁ ਨੇਹੁ ਲਗਾ ਰਬ ਸੇਤੀ ਦੇਖਨ੍ਹੇ ਵੀਚਾਰਿ ॥

آنها عشق به خدا را در آغوش می کشند و درباره او می اندیشند.

ਰੰਗਿ ਹਸਹਿ ਰੰਗਿ ਰੇਵਹਿ ਚੁਪ ਭੀ ਕਰਿ ਜਾਹਿ ॥

در عشق خدا گاهی می خندند و در عشق خدا گاهی گریه می کنند و گاهی سکوت می کنند.

ਪਰਵਾਹ ਨਾਹੀ ਕਿਸੈ ਕੇਰੀ ਬਾਝੁ ਸਚੇ ਨਾਹ ॥

آنها به شخص دیگر وابسته نیستند، مگر ارباب و اعیشان، خدا.

ਦਰਿ ਵਾਟ ਉਪਰਿ ਖਰਚੁ ਮੰਗਾ ਜਬੈ ਦੇਇ ਤ ਖਾਹਿ ॥

آنها نعم را به عنوان غذای روح خود می خواهند و وقتی او می دهد، از آن شریک می شوند.

ਅੰਦਰਹੁ ਝੂਠੇ ਪੈਜ ਬਾਹਰਿ ਦੁਨੀਆ ਅੰਦਰਿ ਫੈਲੁ ॥

در این دنیا افراد زیادی وجود دارند که از درون کاذب (منافق) هستند، اما از خارج توانسته اند عزت خود را (به عنوان اشخاص مقدس) تثبیت کنند.

ਅਠਸਠਿ ਤੀਰਥ ਜੇ ਨਾਵਹਿ ਉਤਰੈ ਨਾਹੀ ਮੈਲੁ ॥

حتی اگر چنین افراد روغینی بروند و در (شصت و هشت) مکان مقدس (به اصطلاح) آنها دستشویی کنند، هنوز آلودگی های شرارت از ذهن آنها پاک نمی شود.

ਜਿਨ੍ਹਹ ਪਟੁ ਅੰਦਰਿ ਬਾਹਰਿ ਗੁਦੜੁ ਤੇ ਭਲੇ ਸੰਸਾਰਿ ॥

(از طرفی) کسانی که قلبشان مانند ابریشم نرم است (دلسوز و مهربان هستند) اما ممکن است از بیرون خشن (بی ادب) به نظر برسند، افراد فاضل این جهان هستند.

ਤਿਨ੍ਹਰ ਨੇਹੁ ਲਗਾ ਰਬ ਸੇਤੀ ਦੇਖਨ੍ਹਰੇ ਵੀਚਾਰਿ ॥

آنها عشق به خدا را در آغوش می کشند و در باره او می اندیشند

ਰੰਗਿ ਹਸਰਿ ਰੰਗਿ ਰੇਵਰਿ ਚੁਪ ਭੀ ਕਰਿ ਜਾਹਿ ॥

در عشق خدا گاهی می خندند و در عشق خدا گاهی گریه می کنند و گاهی سکوت می کنند

ਪਰਵਾਹ ਨਾਹੀ ਕਿਸੈ ਕੇਰੀ ਬਾਝੁ ਸਚੇ ਨਾਹ ॥

آنها به شخص دیگر وابسته نیستند، مگر ارباب و اقیشان، خدا

ਦਰਿ ਵਾਟ ਉਪਰਿ ਖਰਚੁ ਮੰਗਾ ਜਬੈ ਦੇਇ ਤ ਖਾਹਿ ॥

آنها نعم را به عنوان غذای روح خود می خواهند و وقتی او می دهد، از آن شریک می شوند

ਦੀਬਾਨੁ ਏਕੋ ਕਲਮ ਏਕਾ ਹਮਾ ਤੁਮ੍ਹਰਾ ਮੇਲੁ ॥

(آنها اعتقاد را سخ دارند که) خدا خودش قاضی است و خودش نویسنده اعمال ماست و همه مردم، با کارهای خوب یا بد، سرانجام در دادگاه خود ملاقات می کنند

ਦਰਿ ਲਏ ਲੇਖਾ ਪੀੜਿ ਛੁਟੈ ਨਾਨਕਾ ਜਿਉ ਤੇਲੁ ॥੨॥

ای نانک، در دادگاه خدا، حساب همه بررسی می شود و مجرمان خرد می شوند، مانند دانه های روغن در زیر فشار (مجازات سخت).

ਸਲੋਕੁ ਮਹਲਾ ੨

ਸਾ ਲੋਕ, ਤੁਸੀਂ ਗੁਰੂ ਦੂਜੇ

ਏਹ ਕਿਨੇਹੀ ਆਸਕੀ ਦੂਜੇ ਲਗੀ ਜਾਇ ॥

ਕਿਸੇ ਵਿਅਕਤੀ ਵਿਚੋਂ (ਗੁਰੂ ਤੋਂ) ਇਹ ਕਿਸੇ ਨਵੇਂ ਆਸਕੀ ਦੂਜੇ ਲਗੀ ਜਾਇ?

ਨਾਨਕ ਆਸਕੁ ਕਾਂਢੀਐ ਸਦ ਹੀ ਰਹੈ ਸਮਾਇ ॥

ਐ ਨਾਨਕ, ਓਹ ਭੀ ਇਕ ਆਸਕੀ (ਗੁਰੂ) ਤੋਂ ਹੀ, ਕਿਸੇ ਨਵੇਂ ਆਸਕੀ ਦੂਜੇ ਲਗੀ ਜਾਇ।

ਚੰਗੇ ਚੰਗੇ ਕਰਮ ਮੰਨੇ ਮੰਦੇ ਹੋਇ ॥

ਕਿਸੇ ਨਵੇਂ ਆਸਕੀ ਦੂਜੇ ਲਗੀ ਜਾਇ, ਕਿਸੇ ਨਵੇਂ ਆਸਕੀ ਦੂਜੇ ਲਗੀ ਜਾਇ।

ਆਸਕੁ ਏਹੁ ਨ ਆਖੀਐ ਜਿ ਲੇਖੈ ਵਰਤੈ ਸੋਇ ॥੧॥

ਜਿਨ੍ਹਾਂ ਵਿਅਕਤੀਆਂ ਨੇ ਗੁਰੂ ਤੋਂ ਇਹ ਕਿਸੇ ਨਵੇਂ ਆਸਕੀ ਦੂਜੇ ਲਗੀ ਜਾਇ।

ਮਹਲਾ ੨ ॥

ਸਾ ਲੋਕ, ਗੁਰੂ ਦੂਜੇ

ਜਿਉ ਸਾਹਿਬ ਨਾਲਿ ਨ ਹਾਰੀਐ ਤੇਵੇਹਾ ਪਾਸਾ ਢਾਲੀਐ ॥

در این بازی زندگی، ما باید تاس خود را پرتاب کنیم (زندگی را ادامه دهیم) به گونه ای که در مقابل ارباب خدا خود را بازنده ندانیم (عشق ما به خدا هرگز نباید کاهش یابد).

ਕਿਛੁ ਲਾਹੇ ਉਪਰਿ ਘਾਲੀਐ ॥ ੨੧ ॥

(در این زندگی ارزشمند انسانی)، ما باید روی چیزهایی سرمایه گذاری کنیم که سود ما را به همراه داشته باشد (کارهایی را انجام دهیم که موجب افتخار ما در دادگاه خدا شوند؛ یادآوری خدا و پذیرش اراده او تنها سرمایه گذاری ایمن است).

ਸਲੋਕੁ ਮਹਲਾ ੨

शालोक, توسط گورو دوم

ਚਾਕਰੁ ਲਗੈ ਚਾਕਰੀ ਨਾਲੇ ਗਾਰਬੁ ਵਾਦੁ ॥

اگر بنده ای خدمت ارباب خود را انجام دهد اما با او نیز مغرورانه بحث کند،

ਗਲਾ ਕਰੇ ਘਣੇਰੀ ਆਖਸਮ ਨ ਪਾਏ ਸਾਦੁ ॥

او ممکن است در نیت زیاد صحبت کند، اما لذت ارباب خود را کسب نمی کند.

ਆਪੁ ਗਵਾਇ ਸੇਵਾ ਕਰੇ ਤਾ ਕਿਛੁ ਪਾਏ ਮਾਨੁ ॥

هنگامی که او پس از ریختن نیت خود (به ارباب خود خدا) خدمت می کند، فقط در این صورت مقداری معرفت (از او) دریافت می کند.

ਨਾਨਕ ਜਿਸ ਨੇ ਲਗਾ ਤਿਸੁ ਮਿਲੈ ਲਗਾ ਸੇ ਪਰਵਾਨੁ ॥੧॥

ای نانک، بہ همین ترتیب، اگر یک عابد، (کہ فروتنانہ و با عشق و فداکاری بہ یاد خدا باشد)، با خدا پیوند زدہ شود، در این صورت خدمت او در پیشگاہ خدا تأیید می شود.

ਮਹਲਾ ੨ ॥

: سالوک، توسط گورو دوم

ਜੇ ਜੀਏ ਹੋਇ ਸੁ ਉਗਵੈ ਮੁਹ ਕਾ ਕਹਿਆ ਵਾਉ ॥

هرچه در ذهن است سرانجام بیرون بیاید، پس از آن، کلمات گفتاری مانند میدان هوایی فایده می شوند (هرگونه فکر شیطانی در مورد کسی سرانجام بیرون می آید و هر کلمه شیرینی که در مورد او بگوئیم را نفی می کند).

ਬੀਜੇ ਬਿਖੁ ਮੰਗੈ ਅੰਮ੍ਰਿਤੁ ਵੇਖਹੁ ਏਹੁ ਨਿਆਉ ॥੨॥

(وقتی درویشان نیت بدی داریم، اما انتظار نتایج خوبی داریم)، گورو جی می گوید: بین چه نوع عدالتی را انتظار دارد، او سم می کارد، اما در عوض شهد می خواهد؟

ਮਹਲਾ ੨ ॥

: سالوک، توسط گورو دوم

ਨਾਲਿ ਇਆਣੇ ਦੇਸਤੀ ਕਦੇ ਨ ਆਵੈ ਰਾਸਿ ॥

(جاهل) هرگز صحیح و عملی نمی شود دوستی با شخصی با ذهن نابالغ.

ਜੇਹਾ ਜਾਣੈ ਤੇਹੇ ਵਰਤੈ ਵੇਖਹੁ ਕੇ ਨਿਰਜਾਸਿ ॥

زیرا آن شخص (نابلغ) هرچه بداند، مطابق آن عقل نابلغ عمل می کند؛ هرکسی می تواند خودش این را بررسی کند (به همین ترتیب، اگر از دستورات ذهن احمقانه خود پیروی کنیم، چیزی بدست نمی آوریم)

ਵਸਤੂ ਅੰਦਰਿ ਵਸਤੁ ਸਮਾਵੈ ਦੂਜੀ ਹੋਵੈ ਪਾਸਿ ॥

یک چیز را می توان در ظرف قرار داد فقط اگر چیزی که در آنجا است ابتدا کنار گذاشته شود (به همین ترتیب، تنها در صورتی که شخص خود را از ذهن خارج کند، می توان خدا را در قلب خود ثبت کرد)

ਸਾਹਿਬ ਸੇਤੀ ਹੁਕਮੁ ਨ ਚਲੈ ਕਹੀ ਬਣੈ ਅਰਦਾਸਿ ॥

با ارباب ما (خدا)، دستور کار نمی کند. این دعا (فروتنانه) است که با او کار می کند

ਕੂੜਿ ਕਮਾਣੈ ਕੂੜੇ ਹੋਵੈ ਨਾਨਕ ਸਿਫਤਿ ਵਿਗਾਸਿ ॥੩॥

ای نانک، نتیجه ترین دروغ باطل است؛ این فقط ستایش خداست که لذت واقعی را به ارمغان می آورد

ਮਹਲਾ ੨ ॥

: سالوک، توسط گورو دوم

ਨਾਲਿ ਇਆਣੈ ਦੇਸਤੀ ਵਡਾਰੁ ਸਿਉ ਨੇਹੁ ॥

دوستی بایک نادان یا عشق به شخصی که از مقام بالاتری از ما برخوردار است،

ਪਾਣੀ ਅੰਦਰਿ ਲੀਕ ਜਿਉ ਤਿਸ ਦਾ ਥਾਉ ਨ ਥੇਹੁ ॥੪॥

(طولانی نخواهد ماند)، مانند خطی که در آب کشیده شده و هیچ اثری از آن باقی نمانده و هیچ نشانی از آن باقی نمانده است.

ਮਹਲਾ ੨ ॥

ਸਾਲੋਕ, توسط گورو دوم

ਹੋਇ ਇਆਣਾ ਕਰੇ ਕੰਮੁ ਆਇ ਨ ਸਕੈ ਰਾਸਿ ॥

اگر یک فرد نابالغ (نادان) هر کاری را انجام دهد، نمی تواند آن را به یک نتیجه موفقیت آمیز برساند،

ਜੇ ਇਕ ਅਧ ਚੰਗੀ ਕਰੇ ਦੂਜੀ ਭੀ ਵੇਰਾਸਿ ॥੫॥

زیرا، حتی اگر او یک کار کوچک را به درستی انجام دهد، بقیه را بهم می ریزد.

ਪਉੜੀ ॥

ਪ੍ਰੋਰੀ 22

ਚਾਕਰੁ ਲਗੈ ਚਾਕਰੀ ਜੇ ਚਲੈ ਖਸਮੈ ਭਾਇ ॥

فقط آن بنده یک بنده (فداکار) واقعی است که در حالی که مشغول خدمت به ارباب (خدا) است، مطابق خواست او کار می کند.

ਹੁਰਮਤਿ ਤਿਸ ਨੇ ਅਗਲੀ ਓਹੁ ਵਜਹੁ ਭਿ ਦੂਣਾ ਖਾਇ ॥

چنین شخصی احترام زیادی می گذارد و پاداش مضاعف می گیرد (از ارباب)

ਖਸਮੈ ਕਰੇ ਬਰਾਬਰੀ ਫਿਰਿ ਗੈਰਤਿ ਅੰਦਰਿ ਪਾਇ ॥

(از طرف دیگر، اگر بنده ای به عدم تسلیم فرو رود، و) ادعا کند که برابر ارباب خود است، ناخشنودی ارباب
خود را بدست می آورد.

ਮਹਲਾ ੨ ॥

سالموک، توسط گورو دوم

ਹੋਇ ਇਆਣਾ ਕਰੇ ਕੰਮੁ ਆਇ ਨ ਸਕੈ ਰਾਸਿ ॥

اگر یک فرد نابالغ (نادان) هر کاری را انجام دهد، نمی تواند آن را به یک نتیجه موفقیت آمیز برساند،

ਜੇ ਇਕ ਅਧ ਚੰਗੀ ਕਰੇ ਦੂਜੀ ਭੀ ਵੇਰਾਸਿ ॥ ੫ ॥

زیرا، حتی اگر او یک کار کوچک را به درستی انجام دهد، بقیه را بهم می ریزد.

ਪਉੜੀ ॥

ਪ੍ਰਧੀ 22

ਚਾਕਰੁ ਲਗੈ ਚਾਕਰੀ ਜੇ ਚਲੈ ਖਸਮੈ ਭਾਇ ॥

فقط آن بنده يك بنده (فداكار) واقعي است كه در حالي كه مشغول خدمت به ارباب (خدا) است، مطابق خواست او كار مي كند.

ਹੁਰਮਤਿ ਤਿਸ ਨੇ ਅਗਲੀ ਓਹੁ ਵਜਹੁ ਭਿ ਦੂਣਾ ਖਾਇ ॥

چنين شخصي احترام زيادي مي گذارد و پاداش مضاعف مي گيرد (از ارباب)

ਖਸਮੈ ਕਰੇ ਬਰਾਬਰੀ ਫਿਰਿ ਗੈਰਤਿ ਅੰਦਰਿ ਪਾਇ ॥

(از طرف ديگر، اگر بنده اي به عدم تسليم فرو رود، و) ادعا كند كه برابر ارباب خود است، ناخشنودي ارباب خود را بدست مي آورد.

ਵਜਹੁ ਗਵਾਏ ਅਗਲਾ ਮੁਹੇ ਮੁਹਿ ਪਾਣਾ ਖਾਇ ॥

او حتي پاداش قبلي خود را نيز از دست مي دهد و (طعنه هايي از ديگران مي شنود، گويي) از هر كسي كتك مي خورد.

ਜਿਸ ਦਾ ਦਿਤਾ ਖਾਵਣਾ ਤਿਸੁ ਕਹੀਐ ਸਾਬਾਸਿ ॥

بنابر اين، ما بايد هميشه خدا را شكر كنيم و از روزي او زنده بمانيم.

ਨਾਨਕ ਹੁਕਮੁ ਨ ਚਲਈ ਨਾਲਿ ਖਸਮ ਚਲੈ ਅਰਦਾਸਿ ॥੨੨॥

اي نانك، فرمان به او عمل نمي كند. اين دعاي فروتنانه به ارباب (خدا) است كه عمل مي كند.

ਸਲੋਕੁ ਮਹਲਾ ੨

ਸ਼ਾਲੋਕੁ, ਤੋਸੁਟ ਗੁਰੂ ਦੋਮ

ਏਹ ਕਿਨੇਹੀ ਦਾਤਿ ਆਪਸ ਤੇ ਜੋ ਪਾਈਐ ॥

چه نوع لطفی از خداوند است که ادعای کنیم با تلاش خود به دست آورده ایم؟

ਨਾਨਕ ਸਾ ਕਰਮਾਤਿ ਸਾਹਿਬ ਤੁਠੈ ਜੋ ਮਿਲੈ ॥੧॥

ای نانک، لطف واقعی همان لطفی است که خداوند (ارباب ما) هنگام خشنود شدن به ما عطا می کند.

ਮਹਲਾ ੨ ॥

ਸ਼ਾਲੋਕੁ, ਤੋਸੁਟ ਗੁਰੂ ਦੋਮ

ਏਹ ਕਿਨੇਹੀ ਚਾਕਰੀ ਜਿਤੁ ਭਉ ਖਸਮ ਨ ਜਾਇ ॥

این چه خدمتی است که با آن ترس دنیوی از ارباب (خدا) از ذهن فداکار دور نمی شود؟

ਨਾਨਕ ਸੇਵਕੁ ਕਾਢੀਐ ਜਿ ਸੇਤੀ ਖਸਮ ਸਮਾਇ ॥੨॥

ای نانک، او تنها یک فداکار واقعی نامیده می شود که ادغام می شود و با ارباب (خدا) یکی می شود.

ਪਉੜੀ ॥

ਪੂਰੀ 23

ਨਾਨਕ ਅੰਤ ਨ ਜਾਪਨ੍ਹੀ ਹਰਿ ਤਾ ਕੇ ਪਾਰਾਵਾਰ ॥

..ای نانک، حدود خدا را نمی توان شناخت؛ او هیچ پایان و محدودیتی ندارد

ਆਪਿ ਕਰਾਏ ਸਾਖਤੀ ਫਿਰਿ ਆਪਿ ਕਰਾਏ ਮਾਰ ॥

..او خودش خلق می کند، و سپس خودش نابود می کند

ਇਕਨ੍ਹਾ ਗਲੀ ਜੰਜੀਰੀਆ ਇਕਿ ਤੁਰੀ ਚੜਹਿ ਬਿਸੀਆਰ ॥

به خواست وی است که برخی مانند بردگان کار می کنند، گویی زنجیرهایی به گردن خود دارند، در حالی که برخی به قدری غنی هستند که از همه تجملات لذت می برند، گویی سوار بر اسبهای سریع هستند

ਆਪਿ ਕਰਾਏ ਕਰੇ ਆਪਿ ਹਉ ਕੈ ਸਿਉ ਕਰੀ ਪੁਕਾਰ ॥

این خداست که خودش می کند و انجام می شود (این همه نمایش ثروت و فقر)، نزد چه کسی باید بروم و از این موضوع شکایت کنم (که بعضی از آنها بسیار فقیر و برخی بسیار ثروتمند هستند)؟

ਨਾਨਕ ਕਰਣਾ ਜਿਨਿ ਕੀਆ ਫਿਰਿ ਤਿਸ ਹੀ ਕਰਣੀ ਸਾਰ ॥੨੩॥

..ای نانک، (واقعیت این است که) کسی که این جهان را خلق کرده، از آن نیز مراقبت خواهد کرد

ਸਲੋਕੁ ਮਃ ੧ ॥

:شالوک، توسط اولین گورو

ਆਪੇ ਭਾਂਡੇ ਸਾਜਿਅਨੁ ਆਪੇ ਪੂਰਣੁ ਦੇਇ ॥

خدا خودش این بدن (رگها) را می آفریند و خودش آنها را پر می کند (با توجه به سرنوشت آنها با دریا لذت)،

ਇਕਨ੍ਹਹੀ ਦੁਧੁ ਸਮਾਈਐ ਇਕਿ ਚਲ੍ਹੈ ਰਹਨ੍ਹਿ ਚੜ੍ਹੇ ॥

برخی بر اساس سرنوشت خود در راحتی زندگی می کنند، در حالی که دیگران محکوم به درد و فقر مداوم هستند، گویی در بعضی از بدن (عروق) او شیر می گذارد و دیگران همیشه روی اجاق گاز باقی می مانند.

ਇਕਿ ਨਿਹਾਲੀ ਪੈ ਸਵਨ੍ਹਿ ਇਕਿ ਉਪਰਿ ਰਹਨਿ ਖੜ੍ਹੇ ॥

برخی در تنگنای راحتی می خوابند، در حالی که برخی دیگر به عنوان نوکر خود در کنار آنها ایستاده اند.

ਤਿਨ੍ਹ੍ਹਾ ਸਵਾਰੇ ਨਾਨਕਾ ਜਿਨ੍ਹ੍ਹ ਕਉ ਨਦਰਿ ਕਰੇ ॥੧॥

ای نانک، او زندگی کسانی را که نگاه لطف خود را به آنها می اندازد، زینت می دهد.

ਮਹਲਾ ੨ ॥

سالوک، توسط گورو دوم

ਆਪੇ ਸਾਜੇ ਕਰੇ ਆਪਿ ਜਾਈ ਭਿ ਰਖੇ ਆਪਿ ॥

خدا خودش هستی را خلق می کند و خودش به آفرینش خود رسیدگی می کند.

ਤਿਸੁ ਵਿਚਿ ਜੰਤ ਉਪਾਇ ਕੈ ਦੇਖੈ ਥਾਪਿ ਉਥਾਪਿ ॥

موجودات را که خلق کرده اند، طبق دستور او زندگی می کنند یا می میرند.

ਕਿਸ ਨੇ ਕਹੀਐ ਨਾਨਕਾ ਸਭੁ ਕਿਛੁ ਆਪੇ ਆਪਿ ॥੨॥

ای نانک، وقتی خودش عامل و عامل همه چیز است، می توانیم به چه کسی در این باره بگوئیم؟

ਪਉੜੀ ॥

پوری 24:

ਵਡੇ ਕੀਆ ਵਡਿਆਈਆ ਕਿਛੁ ਕਹਣਾ ਕਹਣੁ ਨ ਜਾਇ ॥

. عظمت بزرگ (خدا) را نمی توان به طور کامل توصیف کرد

ਸੇ ਕਰਤਾ ਕਾਦਰ ਕਰੀਮੁ ਦੇ ਜੀਆ ਰਿਜਰੁ ਸੰਬਾਹਿ ॥

. آن خالق مهربان، همه قدرتمند و مهربان به همه موجودات رزق و روزی می بخشد

ਸਾਈ ਕਾਰ ਕਮਾਵਣੀ ਧੁਰਿ ਛੇਡੀ ਤਿਨੈ ਪਾਇ ॥

. همه موجودات باید از همان ابتدا وظیفه ای را که او تعیین کرده است (در سر نوشت آنها) انجام دهند

ਨਾਨਕ ਏਕੀ ਬਾਹਰੀ ਹੋਰ ਦੂਜੀ ਨਾਹੀ ਜਾਇ ॥

. ای نانک، به جز یگانه (خدا)، جای دیگری برای مخلوقات برای حمایت وجود ندارد

ਸੇ ਕਰੇ ਜਿ ਤਿਸੈ ਰਜਾਇ ॥੨੪॥੧॥ ਸੁਧੁ

. او فقط هر کاری که بخواند انجام می دهد

ਅਰਦਾਸ

ਦੇਵ

ੴ ਵਾਹਿਗੁਰੂ ਜੀ ਕੀ ਫਤਹਿ॥

است (خدا) انگیز شگفت گورو آن از ها پیروزی تمام یکتاست خدا

ਸ੍ਰੀ ਭਗੋਤੀ ਜੀ ਸਹਾਇ।

!کند کمک ما به (بدکاران ویرانگر قالب در خداوند) محترم شمشیر که باشد

ਵਾਰ ਸ੍ਰੀ ਭਗੋਤੀ ਜੀ ਕੀ ਪਾਤਸ਼ਾਹੀ ੧੦॥

شد خواننده دهم گورو توسط که محترم شمشیر قصیده

ਪ੍ਰਿਥਮ ਭਗੋਤੀ ਸਿਮਰਿ ਕੈ ਗੁਰ ਨਾਨਕ ਲਈਂ ਧਿਆਇ॥

مورد در) آورید یاد به را ناناک سپس. (بدکاران نابودگر شکل در خداوند) آورید یاد به را شمشیر ابتدا (کنید درنگ او معنوی سهم

ਫਿਰ ਅੰਗਦ ਗੁਰ ਤੇ ਅਮਰਦਾਸੁ ਰਾਮਦਾਸੈ ਹੋਈਂ ਸਹਾਇ॥

کنید تأمل آنها مورد در و بسپارید خاطر به را داس رام گورو و داس آمار گورو، آنگاد گورو سپس (کنید توجه آنها معنوی سهم به) !کنند کمک ما به آنها که باشد

ਅਰਜਨ ਹਰਗੋਬਿੰਦ ਨੇ ਸਿਮਰੈਂ ਸ੍ਰੀ ਹਰਿਰਾਇ॥

کنید تأمل آنها مورد در و بسپارید خاطر به را رای هار محترم گورو و هارگوبیند گورو، ارجان گورو (کنید توجه آنها معنوی سهم به)

ਸ੍ਰੀ ਹਰਿਕ੍ਰਿਸ਼ਨ ਧਿਆਈਐ ਜਿਸ ਡਿਠੈ ਸਭਿ ਦੁਖ ਜਾਇ॥

می بین از دردها همه او دیدن با که کنید تأمل او مورد در و بیاورید یاد به را کریشان هار محترم گورو (کنید صحبت آنها معنوی سهم درباره). رود

ਤੇਗ ਬਹਾਦਰ ਸਿਮਰਿਐ ਘਰ ਨਉ ਨਿਧਿ ਆਵੈ ਧਾਇ॥

آمد خواهد شما خانه به سرعت به معنوی ثروت منبع نه سپس و بیاورید یاد به را بهادر تگ گورو

ਸਭ ਥਾਂਈ ਹੋਇ ਸਹਾਇ॥

ਕਨਿਦ ਕਮਕ ਜਾ ਹਮੇ ਦਰ ਮਾ ਬੇ ਮਸਿਰ ਦਾਨ ਨਸ਼ਾਨ ਬਾ ਮਹਰਬਾਨਾਨੇ !ਖਦਾਇ

ਦਸਵਾਂ ਪਾਤਸ਼ਾਹ ਸ੍ਰੀ ਗੁਰੂ ਗੋਬਿੰਦ ਸਿੰਘ ਸਾਹਿਬ ਜੀ! ਸਭ ਥਾਂਈ ਹੋਇ ਸਹਾਇ॥

!ਖਦਾਇ .(ਕਨਿਦ ਸਹਿਤ ਆ ਮਨੁਓ ਸੇਮ ਦਰਬਾਰੇ) ਬਿਆਰਿਦ ਯਾਦ ਬੇ ਰਾ ਸਿੰਗ ਗੋਬਿੰਦ ਮਹਤਰਮ ਗੁਰੂ ਧੇਮਿਨ
ਕਨਿਦ ਕਮਕ ਜਾ ਹਮੇ ਦਰ ਮਾ ਬੇ ਮਸਿਰ ਦਾਨ ਨਸ਼ਾਨ ਬਾ ਮਹਰਬਾਨਾਨੇ

ਦਸਾਂ ਪਾਤਸ਼ਾਹੀਆਂ ਦੀ ਜੇਤ ਸ੍ਰੀ ਗੁਰੂ ਗ੍ਰੰਥ ਸਾਹਿਬ ਜੀ ਦੇ ਪਾਠ ਦੀਦਾਰ ਦਾ ਧਿਆਨ ਧਰ ਕੇ ਬੋਲੇ ਜੀ ਵਾਹਿਗੁਰੂ!

ਬੇ ਰਾ ਖੁਦ ਅਫਕਾਰ ਓ ਕਨਿਦ ਮਰਾਕਬੇ ਓ ਬਿੰਦਸ਼ਿਦ ਸਾਹਬ ਗਰਾਨਤ ਮਹਤਰਮ ਗੁਰੂ ਦਰ ਮੁਜ਼ੂਦ ਪਾਦਸ਼ਾਹ ਦੇ ਅਲ੍ਹੀ ਨੁਰ ਬੇ
ਖਦਾਓ) ਵਾਹੇ ਕਾਮਲ ਗੁਰੂ .ਬਿਰਿਦ ਲਤ ਸਾਹਬ ਗਰਾਨਤ ਗੁਰੂ ਦਿੰਦਨ ਓ ਓ ਕਨਿਦ ਮੇਘੁਓ ਅਲ੍ਹੀ ਫਾਓ ਅਮੁਰੇ
!(ਅੰਗਿਰ ਸ਼ਗਫਤ

ਪੰਜਾਂ ਪਿਆਰਿਆਂ, ਚੌਹਾਂ ਸਾਹਿਬਜ਼ਾਦਿਆਂ, ਚਾਲ੍ਹੀਆਂ ਮੁਕਤਿਆਂ, ਹਠੀਆਂ ਜਪੀਆਂ, ਤਪੀਆਂ, ਜਿਨ੍ਹਾ ਨਾਮ ਜਪਿਆ, ਵੰਡ ਛਕਿਆ, ਦੇਗ ਚਲਾਈ, ਤੇਗ ਵਾਹੀ, ਦੇਖ ਕੇ ਅਣਡਿੱਠ ਕੀਤਾ, ਤਿਨ੍ਹਾਂ ਪਿਆਰਿਆਂ, ਸਚਿਆਰਿਆਂ ਦੀ ਕਮਾਈ ਦਾ ਧਿਆਨ ਧਰ ਕੇ, ਖਾਲਸਾ ਜੀ ! ਬੋਲੇ ਜੀ ਵਾਹਿਗੁਰੂ!

ਬਾ ਸ਼ਜਾਓ ਫਾਓ ਸਿਕ ਓ ਸ਼ਹਿਦ; ਢੇਲ ਓ .ਕਨਿਦ ਫਕਰ (ਸਿੰਗ ਗੋਬਿੰਦ ਗੁਰੂ) ਪਸਰ ਢੇਰ ,ਓਰਿਰ ਪੰਝ ਅਮਲ ਬੇ
ਰਾ ਨੇਮ ਕੇ ਕਸਾਨੀ ਓ ;ਸ਼ਦੰਦ ਝੰਡ ਨੇਮ ਦਰ ਕੇ ਕਸਾਨੀ ਓ ;ਨੇਮ ਰੰਗ ਦਰ ਓਰਕ ਜਾਨਬਾਜਾਨ ਓ ;ਸ਼ਦੰਦੀ; ਰਾਮ ਓਰਮ
ਅੰਦਾਜੀ ਰਾਹ ਰਾ ਰਾਇਗਾਨ ਫਾਓ ਅਸ਼ਿਪੜਾਨੇ ਕੇ ਕਸਾਨੀ ਓ .ਕਰੰਦਨ ਤਫਸਿਮ ਹੇਮਦਿਗਰ ਬਾ ਰਾ ਖੁਦ ਓਡਾਓ ਓ ਓਰੰਦਨ ਯਾਦ ਬੇ
ਫਾਓ ਕਾਸਤੀ ਕੇ ਕਸਾਨੀ ਓ .ਗਰਫਤੰਦਨ ਦਸਤ ਬੇ (ਹਕ ਢਫਤ ਬਰਾਓ) ਰਾ ਖੁਦ ਸ਼ਮਸ਼ਿਰਫਾਓ ਕੇ ਕਸਾਨੀ ਓ .ਕਰੰਦਨ
ਖਦਾਓ) ਵਾਹੇ ਕਾਮਲ ਗੁਰੂ .ਬੁੰਦਨ ਵਾਢੀ ਫਦਾਕਾਰ ਓ ਖਾਲਸ ਆਰਾਦ ,ਫੁਕ ਮੁਆਰਾ ਹੇਮ .ਗਰਫਤੰਦਨ ਨਾਦਿਦੇ ਰਾ ਦਿਗਰਾਨ
!(ਅੰਗਿਰ ਸ਼ਗਫਤ

ਜਿਨ੍ਹਾਂ ਸਿੰਘਾਂ ਸਿੰਘਣੀਆਂ ਨੇ ਧਰਮ ਹੇਤ ਸੀਸ ਦਿੱਤੇ, ਬੰਦ ਬੰਦ ਕਟਾਏ, ਖੋਪਰੀਆਂ ਲੁਹਾਈਆਂ, ਚਰਖੜੀਆਂ ਤੇ ਚੜ੍ਹੇ, ਆਰਿਆਂ ਨਾਲ ਚਿਰਾਏ ਗਏ, ਗੁਰਦੁਆਰਿਆਂ ਦੀ ਸੇਵਾ ਲਈ ਕੁਰਬਾਨੀਆਂ ਕੀਤੀਆਂ, ਧਰਮ ਨਹੀਂ ਹਾਰਿਆ, ਸਿੱਖੀ ਕੇਸਾਂ ਸੁਆਸਾਂ ਨਾਲ ਨਿਬਾਹੀ, ਤਿਨ੍ਹਾਂ ਦੀ ਕਮਾਈ ਦਾ ਧਿਆਨ ਧਰ ਕੇ ਖਾਲਸਾ ਜੀ! ਬੋਲੇ ਜੀ ਵਾਹਿਗੁਰੂ!

ਸਿਕ ਦਿੰਨ ਅਮਾ ,ਕਰੰਦਨ ਫਦਾ ਰਾ ਖੁਦ ਸਰਫਾਓ ਕੇ ਸਿਕ ਸ਼ਜਾਓ ਜਾਨਾ ਓ ਮਰਦਾਨ ਆਨ ਫਰਦ ਬੇ ਮਨਖਸਰ ਢਮਾਤ ਬੇ
ਕਰੰਦਨ ਤਕੇ ਤਕੇ ਢਨ ਮਫਾਵਲ ਓ ਓਕ ਹਰ ਓਰ ਰਾ ਖੁਦ ਕੇ .ਬਿਆਰਿਦ ਯਾਦ ਬੇ ਓ ਕਨਿਦ ਫਕਰ ,ਨਕਰੰਦਨ ਤਲਿਮ ਰਾ ਖੁਦ
ਮੀ ਤਕੇ ਤਕੇ ਓ ਢਰਖਾਨੰਦ ਮੀ ਓ ਸ਼ਦੇ ਬਸਤੇ ਫਾ ਢਰਖ ਰੂਓ ਓਰ ਕੇ .ਬਿਰਾਸ਼ਤੰਦਨ ਰਾ ਖੁਦ ਸਰ ਪੁਸਤ ਕਸਾਨੀ ਢੇ
ਤਾ ਕਰੰਦਨ ਫਦਾ ਰਾ ਖੁਦ ਕੇ ਕਸਾਨੀ .ਸ਼ਦੰਦਨ ਅੰਦਾਜੀ ਪੁਸਤ ਜੰਦੇ ਕੇ ਕਸਾਨੀ .ਸ਼ਦੰਦਨ ਬਿਰਿਦੇ ਆਰੇ ਬਾ ਕੇ ਕਸਾਨੀ .ਸ਼ੁੰਦਨ
ਰਾ ਖੁਦ ਸਿਕ ਮਝੇਬ ਕੇ ਕਸਾਨੀ .ਨਕਰੰਦਨ ਤਰਕ ਰਾ ਖੁਦ ਸਿਕ ਅਿਮਾਨ ਕੇ .ਕਨੰਦਨ ਢਫਤ ਰਾ ਗੁਰੁਦੁਆਰਾਸ ਹਰਮਤ

!(انگیز شگفت خدای) مطلق گورو. کردند حفظ نفس آخرین تا را خود بلند موهای و کردند حفظ

ਪੰਜਾਂ ਤਖਤਾਂ, ਸਰਬੱਤ ਗੁਰਦੁਆਰਿਆਂ ਦਾ ਧਿਆਨ ਧਰ ਕੇ ਬੋਲੇ ਜੀ ਵਾਹਿਗੁਰੂ!

شگفت خدای) گورو. کنید معطوف گوردواراها همه و سیک مذهب های کرسی تمام به را خود افکار
!بیاورید زبان به را (انگیز

ਪ੍ਰਿਥਮੇ ਸਰਬੱਤ ਖਾਲਸਾ ਜੀ ਕੀ ਅਰਦਾਸ ਹੈ ਜੀ, ਸਰਬੱਤ ਖਾਲਸਾ ਜੀ ਕੇ ਵਾਹਿਗੁਰੂ, ਵਾਹਿਗੁਰੂ, ਵਾਹਿਗੁਰੂ ਚਿਤ ਆਵੇ, ਚਿੱਤ ਆਵਨ ਕਾ ਸਦਕਾ ਸਰਬ ਸੁਖ ਹੋਵੇ।

از ها آسایش و ها لذت همه که باشد و. کنند تأمل تو نام در که بفرمایند را دعا این محترم خلسه تمام ابتدا
شود حاصل ای مراقبه چنین طریق

ਜਹਾਂ ਜਹਾਂ ਖਾਲਸਾ ਜੀ ਸਾਹਿਬ, ਤਹਾਂ ਤਹਾਂ ਰਛਿਆ ਰਿਆਇਤ, ਦੇਗ ਤੇਗ ਫ਼ਤਹਿ, ਬਿਰਦ ਕੀ ਪੈਜ, ਪੰਥ ਕੀ ਜੀਤ, ਸ੍ਰੀ ਸਾਹਿਬ ਜੀ ਸਹਾਇ, ਖਾਲਸੇ ਜੀ ਕੇ ਬੋਲ ਬਾਲੇ, ਬੋਲੇ ਜੀ ਵਾਹਿਗੁਰੂ!

شمشیر و آشپزخانه که باشد. کن عطا را خود لطف و پاسداری، دارد حضور محترم خلسه که جا هر
که باشد. سیک مردم به پیروزی اعطای. کنید حفظ را خود فدائیان آبروی. نخورند شکست هرگز رایگان
واحه کامل گورو. باشد داشته افتخار همیشه خالصه که باشد. بیاید ما کمک به همیشه محترم شمشیر
!(انگیز شگفت خدای)

ਸਿੱਖਾਂ ਨੂੰ ਸਿੱਖੀ ਦਾਨ, ਕੇਸ ਦਾਨ, ਰਹਿਤ ਦਾਨ, ਬਿਬੇਕ ਦਾਨ, ਵਿਸਾਹ ਦਾਨ, ਭਰੋਸਾ ਦਾਨ, ਦਾਨਾਂ ਸਿਰ ਦਾਨ, ਨਾਮ ਦਾਨ, ਸ੍ਰੀ ਅੰਮ੍ਰਿਤਸਰ ਜੀ ਦੇ ਇਸ਼ਨਾਨ, ਚੌਕੀਆਂ, ਝੰਡੇ, ਬੁੰਗੇ, ਜੁਗੋ ਜੁਗ ਅਟੱਲ, ਧਰਮ ਕਾ ਜੈਕਾਰ, ਬੋਲੇ ਜੀ ਵਾਹਿਗੁਰੂ!!!

موهبت، الهی علم هدیه، سیک قوانین رعایت موهبت، بلند موهبت، سیک هدیه مهربانی با را ها سیک
،کر های گروه که باشد! خدایا. کنید اعطا ها سیک به را نام هدیه بزرگترین و ایمان موهبت، راسخ ایمان
خدای) گورو واه شود پیروز همیشه حقیقت که باشد. باشند داشته وجود همیشه برای بنرها و عمارت
!کند بیان را (انگیز شگفت

ਸਿੱਖਾਂ ਦਾ ਮਨ ਨੀਵਾਂ, ਮਤ ਉੱਚੀ ਮਤ ਦਾ ਰਾਖਾ ਆਪ ਵਾਹਿਗੁਰੂ।

هستی عقل محافظ تو! خدایا. بماند متعالی خردشان و متواضع ها سیک همه ذهن که باشد

ਹੇ ਨਿਮਾਣਿਆਂ ਦੇ ਮਾਣ, ਨਿਤਾਣਿਆਂ ਦੇ ਤਾਣ, ਨਿਓਟਿਆਂ ਦੀ ਓਟ, ਸੱਚੇ ਪਿਤਾ, ਵਾਹਿਗੁਰੂ! ਆਪ ਦੇ ਹਜ਼ੂਰ.....ਦੀ ਅਰਦਾਸ ਹੈ ਜੀ।

ما، هستيد پناهان بى پناه، هستيد پناهان بى قدرت، هستيد حليمان عزت شما! گورو واه، واقعى پدر اى (است شده انجام اينجا در كه دعائى يا مناسبت جاىگزين)... كنيم مى دعا شما حضور در خاضعانه

ਅੱਖਰ ਵਾਧਾ ਘਾਟਾ ਭੁੱਲ ਚੁੱਕ ਮਾਫ਼ ਕਰਨੀ। ਸਰਬੱਤ ਦੇ ਕਾਰਜ ਰਾਸ ਕਰਨੇ।

كنيد برآورده را همه اهداف لطفاً بگذريد فوق دعای خواندن در ما های کوتاهی و خطاها از

ਸੇਈ ਪਿਆਰੇ ਮੇਲ, ਜਿਨ੍ਹਾਂ ਮਿਲਿਆਂ ਤੇਰਾ ਨ ਚਿੱਤ ਆਵੇ। ਨਾਨਕ ਨਾਮ ਚੜ੍ਹਦੀ ਕਲਾ, ਤੇਰੇ ਭਾਣੇ ਸਰਬੱਤ ਦਾ ਭਲਾ।

كنيم تأمل آن در و آوريم ياد به را تو نام است ممكن كه كن ملاقات واقعى فداييان آن با را ما مهربانى با شوند موفق شما ميل مطابق همه و شود برافراشته شما نام كه باشد، واقعى ناناك گورو طريق از! خدايا

ਵਾਹਿਗੁਰੂ ਜੀ ਕਾ ਖ਼ਾਲਸਾ, ਵਾਹਿਗੁਰੂ ਜੀ ਕੀ ਫਤਹਿ

خداست نصرت ها پیروزی همه .خداست آن از خالصه

سفر برای فلسفه

فلسفه سیک با منطق، جامعیت و رویکرد "بدون حاشیه" آن به جهان معنوی و مادی مشخص می شود. الهیات آن با سادگی مشخص شده است. در اخلاق سیک هیچ تعارضی بین وظیفه فرد نسبت به خود و وظیفه نسبت به جامعه (سنگات) وجود ندارد.

سیکیسم جوانترین دین جهانی است که حدود 500 سال پیش توسط گورو ناناک پایه گذاری شد. بر اعتقاد به وجود یکتا و خالق (واهگورو) هستی تاکید دارد. این یک راه مستقیم ساده به سعادت ابدی ارائه می دهد و پیامی از عشق و برادری جهانی را منتشر می کند. سیکیسم کاملاً یک ایمان توحیدی است و خدا را به عنوان تنها کسی می شناسد که تابع محدودیت های زمانی یا مکانی نیست.

سیکیسم معتقد است که تنها یک خدا وجود دارد که خالق، نگهدارنده، ویرانگر است و شکل انسانی به خود نمی گیرد. نظریه تجسم در آیین سیک جایی ندارد. هیچ ارزشی برای خدایان و الهه ها و دیگر خدایان قائل نیست.

در آیین سیک، اخلاق و مذهب با هم هستند. برای گام برداشتن در جهت رشد معنوی باید صفات اخلاقی را تلقین کرد و فضایل را در زندگی روزمره تمرین کرد. ویژگی هایی مانند صداقت، شفقت، سخاوت، صبر و فروتنی تنها با تلاش و پشتکار به وجود می آید. زندگی گوروهای بزرگ ما منبع الهام در این مسیر است.

دین سیک می آموزد که هدف زندگی انسان شکستن چرخه تولد و مرگ و ادغام با خدا است. این را می توان با پیروی از آموزه های گورو، مراقبه در نام مقدس (نعام) و انجام اعمال خدماتی و خیریه انجام داد.

نعم مرغ بر وقف روزانه به یاد خدا تأکید می کند. برای رسیدن به رستگاری باید پنج احساس، یعنی کام (میل)، کرود (خشم)، لواب (طمع)، مو (وابستگی دنیوی) و آهنگر (غرور) را کنترل کرد. اتحاد مراسم و اعمال معمول مانند روزه و زیارت، فال و ریاضت در مذهب سیک مردود است. هدف زندگی انسان ادغام با خدا است و این با پیروی از آموزه های گورو گرانت صاحب انجام می شود. سیکیسم بر باگتی مارگ یا مسیر فداکاری تأکید (مسیر عمل) را Karam Marg (مسیر دانش) و Gian Marg دارد. با این حال، اهمیت تشخیص می دهد. این بیشترین تأکید را بر نیاز به کسب فیض خداوند برای رسیدن به هدف معنوی می گذارد.

سیکیسم یک دین مدرن، منطقی و عملی است. این معتقد است که زندگی عادی خانوادگی (گراهاست) مانعی برای رستگاری نیست. تجرد یا چشم پوشی از دنیا برای رسیدن به رستگاری لازم نیست. می توان در میان بیماری ها و وسوسه های دنیوی جدا از هم زندگی کرد. یک فداکار باید در دنیا زندگی کند و در عین حال سر خود را بالاتر از تنش و آشفتگی معمول نگه دارد. او باید یک سرباز دانشمند و قدیس برای خدا باشد.

سیکیسم یک دین جهان وطنی و یک "دین سکولار" است و بنابراین تمام تمایزات مبتنی بر کاست، عقیده، نژاد یا جنسیت را رد می کند. بر این باور است که همه انسانها در نزد خداوند یکسان هستند. گوروها بر برابری زنان تأکید می کردند و کودک کشی دختر و ساتی (بیوه سوزی) را رد می کردند. آنها همچنین به طور فعال ازدواج مجدد بیوه ها را

تبلیغ کردند و سیستم پوردا (زنان محجبه) را رد کردند. برای متمرکز ماندن ذهن بر او، باید در نام مقدس (نعم) تعمق کرد و کارهای خیر و نیکوکاری انجام داد. کسب روزی از طریق کار صادقانه (کرات کارنا) و نه با گدایی یا ناروایی، شرافتمند است. وند چاقنا، اشتراک گذاری با دیگران نیز یک مسئولیت اجتماعی است. انتظار می رود که فرد از طریق داسوند به نیازمندان کمک کند. سوا، خدمات اجتماعی نیز بخشی (درصد از درآمد خود 10) جدایی ناپذیر از آیین سیک است. آشپزخانه رایگان جامعه (لنگر) که در هر گوردوارا یافت می شود و برای افراد از همه مذاهب باز است، یکی از بیان این خدمات اجتماعی است. مذهب سیک طرفدار خوش بینی و امید است. ایدئولوژی بدبینی را نمی پذیرد.

گورها معتقد بودند که این زندگی یک هدف و یک هدف دارد. این فرصتی برای خود و درک خدا فراهم می کند. علاوه بر این، انسان مسئول اعمال خود است. او نمی تواند از نتایج اقدامات خود مصونیت داشته باشد. بنابراین او باید در کاری که انجام می دهد بسیار هوشیار باشد.

کتاب مقدس سیک، گورو گرانت صاحب، گورو ابدی است. این تنها دینی است که به کتاب مقدس مقام پیشوای دینی داده است. در مذهب سیک جایی برای گورو انسان زنده (دهداری) وجود ندارد.

زنان نقش

اصول آیین سیک بیان می کند که زنان دارای روحی مشابه مردان هستند و از حق برابر برای پرورش معنویت خود برخوردارند. آنها می توانند جماعت های مذهبی را رهبری کنند، در مسیر آخذ (تلاوت مداوم کتاب مقدس) شرکت کنند، کرتان (سرودهای جماعتی) را اجرا کنند، به عنوان گرانتیس (کشیشان) کار کنند. آنها می توانند در تمام فعالیت های مذهبی، داد. گورو فرهنگی، اجتماعی و سکولار شرکت کنند. سیکسم اولین ادیان بزرگ جهانی بود که به زنان و مردان برابری می ناک، برابری مبتنی بر جنسیت را موعظه می کرد، و گوروهایی که جانشین او شدند، زنان را تشویق کردند تا در تمام فعالیت های عبادت و تمرین سیک ها مشارکت کامل داشته باشند.

گورو گرانت صاحب می گوید،

زنان و مردان، همه آفریده خدا هستند. همه اینها بازی خداست. می گوید «
SGGS p.304 - «ناناک، همه خلقت نیکو و مقدس است

تاریخ سیک نقش زنان را ثبت کرده است که آنها را در خدمت، فداکاری، فداکاری و شجاعت به مردان برابر نشان می دهد. نمونه های زیادی از کرامت اخلاقی، خدمت و ایثار زنان در سنت سیک نوشته شده است.

یک سکه هستند. در نظام روابط متقابل و وابستگی متقابل که مرد از زن زاده می بر اساس آیین سیک، زن و مرد دو روی شود و زن از نطفه مرد متولد می شود. بر اساس آیین سیک، مرد نمی تواند بدون زن در زندگی خود احساس امنیت و کامل کند و موفقیت مرد به عشق و حمایت زنی که زندگی خود را با او تقسیم می کند، مرتبط است و بالعکس. گورو ناک گفت:

دهد» و اینکه ما نباید «زن را ملعون و محکوم بدانیم، [در صورتی که] از زن [این] زنی است که مسابقه را ادامه می»
صفحه 473 SGGS. «رهبران و پادشاهان متولد شوند

رستگاری:

نکته مهمی که باید مطرح کرد این است که آیا دین زنان را قادر به رستگاری، تحقق خدا در اینجا می داند یا بالاترین قلمرو معنوی؟ گورو گرانت صاحب می گوید،

خداوند در همه موجودات فراگیر است، خداوند بر همه اشکال نر و ماده نفوذ «
می کند» (گورو گرانت صاحب، ص 605)

از بیانیه بالا از گورو گرانت صاحب، نور خدا به طور یکسان بر هر دو جنس است. بنابراین، زن و مرد هر دو می توانند یکسان دست یابند. در بسیاری از ادیان، زن مانعی برای معنویت مرد تلقی می با پیروی از آموزه های گورو به رستگاری: گویدشود، اما در آیین سیک نه. گورو این را رد می کند. آلیس بسارک در «اندیشه های کنونی درباره سیکسم» می

اولین گورو، زن را هم تراز مرد قرار داد... زن مانعی برای مرد نبود، بلکه شریکی در "
خدمت به خدا و جستجوی نجات بود"

ازدواج

یک خانه دار، به جای تجرد و انکار، زن و شوهر شریک مساوی بودند و گورو ناک گرهاستا را توصیه کرد - زندگی

وفاداری بر هر دو امر شده بود. در آیات شریفه، خوشبختی خانگی به عنوان یک آرمان گرامی مطرح شده است و ازدواج استعاره ای جاری برای ابراز عشق به خداوند است. بهای گورداس، شاعر آیین سیک اولیه و مفسر معتبر آموزه سیک، به زنان ادای احترام می کند. او می گوید:

زن در خانه والدینش محبوب است و پدر و مادرش او را دوست دارند، در خانه همسرش، ستون خانواده است، ضامن سعادت آن است... اشتراک در خرد معنوی. و روشنگری و با صفات والایی که زنی نصف دیگر مرد است او را تا درگاه رهایی بدرقه می کند». (واران، ج. 16)

وضعیت برابر

برای اطمینان از موقعیت برابر بین زن و مرد، گوروها هیچ تمایزی بین جنسیت ها در زمینه شروع، آموزش یا شرکت در فعالیت های سنگات (همراهی مقدس) و پانگات (با هم غذا خوردن) قائل نشدند. به گفته ساروپ داس بهلا، مهیما پراکاش، گورو آمار داس از استفاده زنان از حجاب استقبال نمی کرد. او زنان را به سرپرستی برخی جوامع در شاگردان گماشت و بر خلاف عرف ساتی موعظه کرد. تاریخ سیک ها نام چندین زن مانند ماتا گوجری مای باگو، ماتا سونداری، رانی صاحب کائور، رانی سادا کائور و ماهارانی جیند کاور را که نقش های مهمی در وقایع زمان خود داشتند، ثبت کرده است.

تحصیلات

یک فرآیند توسعه شخصی است و به آموزش در آیین سیک بسیار مهم تلقی می شود. این کلید موفقیت هر کسی است. این، همین دلیل است که گورو سوم مدارس بسیاری را راه اندازی کرد. گورو گرانت صاحب می گوید، تمام دانش و تفکر الهی از طریق گورو به دست می آید" (گورو گرانت صاحب، ص 831)

آموزش برای همه ضروری است و همه باید تلاش کنند تا بهترین باشند. پنجاه و دو نفر از مبلغان سیک که توسط سومین گورو فرستاده شدند زن بودند. دکتر محبندر کائور گیل در کتاب «نقش و جایگاه زنان سیک» می نویسد:

گورو آمار داس متقاعد شده بود که هیچ آموزه ای نمی تواند ریشه دوانده مگر اینکه توسط زنان قوم پذیرفته شود.

محدودیت در پوشاک

جدای از الزام زنان به عدم استفاده از حجاب، آیین سیک بیانیه ساده و در عین حال بسیار مهمی را در مورد کد لباس، بیان می کند. این برای همه سیک ها صرف نظر از جنسیت صدق می کند. گورو گرانت صاحب می گوید،

**از پوشیدن لباس هایی که بدن در آن ناراحت است و ذهن پر از افکار
صفحه 16، SGGS. شیطانی است بپرهیزید**

بنابراین، سیک ها متوجه خواهند شد که چه نوع لباس هایی ذهن را با افکار شیطانی پر می کند و باید از آنها دوری کنند. از زنان سیک انتظار می رود با کرپان (شمشیر) و دیگران از خود دفاع کنند، این برای زنان منحصر به فرد است زیرا این اولین بار در تاریخ است که از زنان انتظار می رود از خود دفاع کنند و از آنها انتظار نمی رود که برای محافظت فیزیکی به مردان وابسته باشند.

SGGS: نقل قول های

در زمین و در آسمان، من ثانیه ای نمی بینم. در میان همه زنان و مردان، نور او "
صفحه 223 Sggs. می درخشد.

از زن، مرد متولد می شود. در درون زن، مرد تصور می شود. به زنی که نامزد و ازدواج کرده است. زن دوست او می شود. از طریق زن، نسل های آینده می آیند. وقتی زنش می میرد، دنبال زن دیگری می گردد. به زن او مقید است. پس چرا بهش میگی بد؟ از او پادشاهان متولد می شوند. از زن، زن متولد می شود. بدون زن، اصلاً کسی وجود نخواهد داشت. گورو ناناک صفحه 473 SGGS

در مورد مهریه: «پروردگارا نامت را به عنوان هدیه عروسی و جهیزیه من قرار ده». شری SGGS گورو رام داس جی، صفحه 78، خط 18

در مورد عمل پرده می فرماید: «بمان، بمان ای داماد، صورتت را با حجاب نپوشان، آخرش نصف صدف هم برایت نمی آورد، آن که پیش از تو بودی روی او را حجاب می کرد. رد پای او نرو، تنها محاسن در حجاب این است که چند روزی مردم بگویند چه عروس بزرگواری آمده است، حجاب تو درست است که بگذری و برقصی و جلال بخوانی. الحمدلله - ص 484، SGGS

زنان و در واقع همه روح ها به شدت تشویق شدند تا زندگی معنوی داشته باشند: بیایید، خواهران عزیز و همراهان معنوی من؛ مرا در آغوش خود بغل کنید. بیایید به هم " پیوندیم و داستان هایی از خداوند شوهر توانامان تعریف کنیم. " - گورو ناناک ، صفحه 17،SGGS.

دوست، همه لباس های دیگر شادی را خراب می کند، پوشیدن اندام عذاب است و با " صفحه 16 SGGS - "فکر ناپاک ذهن را پر می کند

عمامه اهمیت

1500 حدود .است بوده و است سیک یک زندگی از ناپذیر جدایی بخشی توربان داده زینت را عمامه ها سیک ،سیک آیین بنیانگذار ،ناناک گورو زمان و میلاد از بعد اند.

های واژه ،شودمی کوتاه «دستار» یا «پاگ» به اغلب که «پاگری» یا عمامه لباسی به کلمات این همه .هستند چیز یک برای مختلف های گوییش در مختلفی روسری .پوشند می خود سر پوشاندن برای زنان هم و مردان هم که دارد اشاره گاهی یا شده پیچیده سر دور که است بلند روسری پارچه تکه یک از متشکل فقط را عمامه ،هند در سنتی طور به .است درونی پاتکا یا «کلاه» یک اوقات دارای که مردانی .پوشیدند می ،بودند جامعه در بالایی موقعیت دارای که مردانی .پوشند عمامه نداشتند اجازه بودند پایین طبقات یا پایین موقعیت

پنج از یکی عنوان به را نشده کوتاه موهای داشتن نگه سینگ گویند گورو چه اگر ،1469 سال در سیک آغاز همان از اما ،بود کرده اجباری اعتقادی اصل پنج یا کی جهان در دین تنها سیکسم .است بوده مرتبط سیک آیین با که است زیادی مدت در که افرادی اکثریت .است الزامی بالغ مردان تمامی برای عمامه پوشیدن .است نیز دستار آن به) سیک پاگدی .هستند سیک پوشند می عمامه غربی کشورهای (نیز دستار آن به) سیک پاگدی .هستند سیک پوشند می عمامه غربی کشورهای (است عمامه برای تری محترمانه کلمه پنجابی در که ،گویند می

طور به .هستند مشهور خود متمایز و متعدد های عمامه خاطر به ها سیک برای فقط زمانی که هاست مدت و است احترام دهنده نشان عمامه ،سنتی به مجاز مسلمانان تنها ،هند بر مغول تسلط زمان در .است رفته می کار به اشراف شدند منع پاگری پوشیدن از شدت به مسلمانان غیر همه .بودند زدن عمامه

های سیک تمام از ،ها مغول توسط تجاوز این از سرپیچی در ،سینگ گویند گورو شناختن رسمیت به عنوان به باید این .بگذارند سر بر عمامه که خواست خود پوشیده ،بود کرده ترسیم خلسه در پیروانش برای او که بالایی اخلاقی معیارهای متمایز جهان بقیه از» باشد مصمم و باشد متفاوت اش خالصه خواست می او .شود دنبال بود شده تعیین سیک گوروهای توسط که را فردی به منحصر مسیر و «شود از همیشه ،داشت نظر در گورو که همانطور ،پوش عمامه سیک یک ،بنابراین .کند نه او "مقدس سربازان" که خواست می او زیرا .است بوده متمایز جمعیت میان .شوند پیدا نیز راحتی به بلکه ،باشند تشخیص قابل راحتی به تنها

نوار یک تنها دیگر عمامه ،گذارد می سر بر عمامه سیک زن یا مرد یک که هنگامی لباس چهار همچنین و ،عمامه .شود می یکی سیک سر با زیرا .است پارچه فوق دنیوی و معنوی اهمیت دارای ،گذارند می سر بر ها سیک که دیگر ایمانی - است زیاد بسیار عمامه پوشیدن با مرتبط نمادهای که حالی در .است ای العاده ها سیک که اصلی دلیل اما ،تقوا و شجاعت ،نفس عزت ،فداکاری ،حاکمیت

بنیانگذار به آنها احترام و اطاعت، عشق دادن نشان گذارند می سر به عمامه
سینگ گوپیند گورو خلسا. است عمامه

و ها سینگ عنوان به را خود ما که است اینگونه. ماست به ما گورو هدیه عمامه"
کنیم می گذاری تاج نشینند می خود بالاتر آگاهی به تعهد تخت بر که کائورهایی
لطف، سلطنت دهنده نشان فرافکنانه هویت این، یکسان طور به زنان و مردان برای
بی تصویر در ما که است دیگران به ای نشانه این. است بودن فرد به منحصر و
چیزی دهنده نشان عمامه. هستیم همه به خدمت وقف و کنیم می زندگی نهایت
برجسته خود عمامه بستن با گیرید می تصمیم وقتی. نیست کامل تعهد جز
میلیارد شش بین از که فردی. اید ایستاده مجرد یک عنوان به ترس بدون، شوید
".است برجسته عمل یک این. است متمایز نفر

شماست سفر در کلیدی جوهر فروتنی

فروتنی یکی از جنبه های مهم آیین سیک است. بر این اساس سیک ها باید با خضوع در برابر خداوند تعظیم کنند. فروتنی یا نیمراتا در پنجابی کلماتی نزدیک به هم هستند. نیمراتا فضیلتی است که در گوربانی به شدت ترویج می شود. ترجمه این کلمه پنجابی «تواضع»، «خیرخواهی» یا «تواضع» است. کسی که ذهنش با این فکر که بهتر یا مهمتر از کسی «است منحرف نمی شود.

نیست بالا در صحیحی جمله - مشکل ناحیه

از ضروری بخشی و دهند پرورش را آن باید ها انسان همه که است مهمی ویژگی این چهار. کند همراهی را ها سیک همیشه باید ویژگی این و است ها سیک ذهن مجموعه از عبارتند ها سیک زرادخانه در دیگر ویژگی (پیار) عشق و (دایا) شفقت، (سانتوخ) رضایت، (ساعت) حقیقت.

این پنج خصلت برای یک سیک ضروری است و وظیفه آنها مراقبه و قربانی خواندن. این فضیلت ها و تبدیل آنها به شخصیت خود است.

گوید می ما به قربانی آنچه:

ثمره فروتنی، آرامش و لذت شهودی است. آنها با فروتنی به تعمق در خداوند، گنج " برتری ادامه می دهند. موجود خداشناس در فروتنی غوطه ور است. کسی که قلبش از رحمت با فروتنی پایدار برخوردار است. سیک ها فروتنی را به عنوان التماس "می دانند. کاسه در برابر خدا

سیک آیین گورو اولین، ناناک گورو:

گوش دادن و باور با عشق و تواضع در ذهن خود را با نام پاک کنید، در حرم مقدس " صفحه 4 SGGG - "در اعماق درون

قناعت را گوشواره خود قرار دهید، فروتنی را در کاسه التماس خود قرار دهید، و " صفحه 6 SGGG - "خاکستری را که به بدن خود می زنید مدیتیشن کنید

در قلمرو فروتنی، کلمه زیبایی است. اشکال زیبایی بی نظیر در آنجا شکل می " صفحه 8 SGGG "گیرد.

صفحه SGGG - "حیا، فروتنی و درک شهودی مادرشوهر و پدرشوهر من هستند" 152.

معنویت سوی به سفر

سیک گوروهای از شاعرانه ترکیبی، است جاودانه زنده گورو یک صاحب گرانٹ گورو است بشریت همه به آنها طریق از خداوند جانب از ای هدیه تالیف. مسلمان و هندو مقدسین نوع هر از ستم و ظلم بدون الهی عدل بر مبتنی ای جامعه صاحب گرانٹ گورو در دیدگاه احترام آن به و کند می تصدیق را اسلام و هندوئیسم مقدس متون گرانٹ که حالی در. است صاحب گرانٹ گورو در. نیست ادیان این از یک هیچ با اخلاقی آشتی معنای به، گذارد می مشابه روحی دارای زنان. هستند احترام مورد بسیار مردان با برابر های نقش با زنان برای برابر شانس با خود معنویت پرورش برای برابر حق دارای بنابراین و هستند مردان و اجتماعی، فرهنگی، مذهبی های فعالیت تمام در توانند می زنان. هستند راهی به رسیدن کنند شرکت مذهبی جماعت رهبری جمله از سکولار.

است ادیان سایر با مدارا و بشریت به خدمت، اجتماعی عدالت، برابری طرفدار سیکسیم حال عین در و ها زمان همه در خدا به احترام و معنوی فداکاری، سیک آیین اصلی پیام اصل سه. است روزمره زندگی در سخاوت و فروتنی، صداقت، شفقت های آرمان تمرین اشتراک به و صادقانه زندگی برای کار، خدا یاد و مراقبه از عبارتند سیک مذهب اصلی دیگران با گذاشتن.

هرگز ترجمه. گویم می تبریک روح برای معنوی سفر این به رفتن برای تلاش خاطر به شعر در کامل صاحب گرانٹ گورو که وقتی مخصوص به، باشد نزدیک اصل به تواند نمی اساطیری های داستان، الهی پیام در. کند می دشوار بسیار را کار استعاره از استفاده و باشد لطفاً. شودمی استفاده غیره و برهما، لاکسمی، هارناکاش، پرالهد از اغلب مسلمان و هندو است این بر تمرکز. کنید درک را آنها اصلی پیام بلکه، نخوانید کلمه واقعی معنای به را آنها است انسان زندگی هدف او با اتحاد و است یکی خداوند که.

شما زبان به را الهی پیام تا است شده انجام داوطلب چندین توسط ها سال طول در کار این دوست ما و بزنید ایمیل walnut@gmail.com به لطفاً، دارید سؤالی اگر. برساند شما به. ببیوندیم شما به سفر این در داریم.